

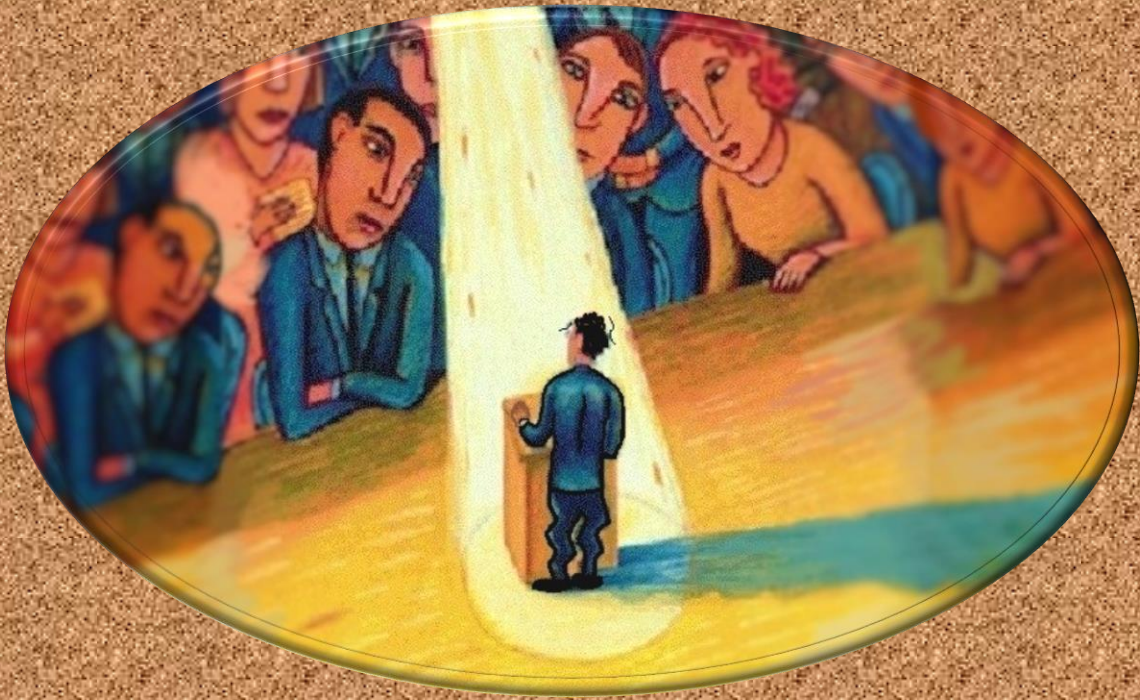


# خدا آفرین

توزیجہ - فارسی  
فرہنگی ، اجتماعی ، علمی

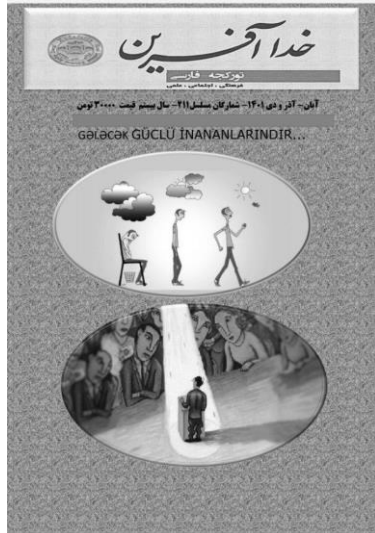
آبان - آذر و دی ۱۴۰۱ - شمارگان مسلسل ۲۱۱ - سال بیستم قیمت ۳۰۰۰۰۰ تومن

GƏLƏCƏK GÜCLÜ İNANANLARINDIR...



# آذَر

## خداآفرین 211 Xudafərin



شماره مسلسل ۲۱۱- آبان - آذر و دی ماه - سال ۱۴۰۱ - ۹۶ صفحه

مدیر مسئول سردبیر و صاحب امتیاز:

دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)

خبرنگاران: علی محمدنیا

تانای شرقی دره جک

ویراستار: سمیه ستاری فر

مدیر سایت: مهندس فرید ستاری فر

زمینه مجله:

فرهنگی؛ مسایل اجتماعی؛ معلومات عمومی؛ طنز و سرگرمی سالم

روش مجله:

آموزشی؛ تحلیلی؛ خبری؛ اطلاع رسانی؛ پژوهشی

گستره توزیع: آذربایجانهای شرقی غربی؛ اردبیل؛ تهران

آدرس چاپخانه: تهران چهار راه خانقاه پاساژ گوهری نسب چاپ ارسباران پ ۳

نشانی مجله تهران خیابان وصال شیرازی پلاک ۷ طبقه سوم واحد ۵

تلفن: ۰۹۱۹۲۲۸۱۹۱۶ / ۶۶۴۶۰۸۹۵ فاکس: ۶۶۴۹۳۰۸۴

### نحوه ارسال مقاله:

تایپ شده بصورت word به ایمیل یا آدرس ماهنامه به زبانهای ترکی و فارسی

جهت معرفی آثار دو نسخه همراه با توضیح مناسب ارسال نمایید.

اشتراک ماهنامه: شش ماه ۳۵۰۰۰۰ و یکساله ۶۵۰۰۰۰ هزار تومان

به شماره کارت بانک شهر ۷۰۰۷۸۶۴۷۹۳۸۹ به نام حسین شرقی دره

جک واریز نمایید.

## KHUDAFARIN

Cultural and scial muthly magazin managinq Directr cncessinqer

and chief Editr: Dr. HÜSEYN

ŞHARÇHI DAREJAK (SÜŞURK)

## XUDAFƏRİN

Aylıq Elmi, İctimai, mədəni Dərgi

Təsisçi və Baş Redaktor: Dr. HÜSEYN

ŞƏRQİDƏRƏCƏK (SOYTÜRK)

Say 211 Kasım - Aralık 2022, Tehran

tiraj: 2000

[www.khudafarin.ir](http://www.khudafarin.ir)

Telegram: <https://t.me/xudafarindergisi>

[khudafarin@yahoo.com](mailto:khudafarin@yahoo.com)

### ایچینده کیلر:

- ۲- آندیمیز دوغولوغوموزدور و بو یولون سونونا دک برابریک
- ۳- ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته
- ۱۳- عبدالعلی مجازی آذربایجانین دیرلی فولکلور شیناسی
- ۲۰- میرزه علی اکبر صابیر
- ۳۰- قاراباغ بایاتیلاریندا خوجالی فاجیعه سینین عکسی
- ۳۷- شانا پیپیک
- ۴۰- آذربایجان یاخین تاریخ ده
- ۴۵- ترس از مرگ اساس اغلب ترسهای ماست
- ۶۰- حبیب ساهیر کیمدیر
- ۶۳- خاطرات مردم جعفرکاوایانی وزیر جنگ فرقه دمکرات
- ۶۴- والله اینها همان غلامعلی و اوروجعلیهای خودمان هستند
- ۶۷- از سری جنایتهای پهلوی در آذربایجان
- ۶۹- آذربایجانیهها قربانی رقابتهای قدرتهای شق و غر
- ۷۰- معاریفچی شخصیتلریمیز
- ۷۳- ارمنستان جزئی از خاک و سرزمین تاریخی جهان تورک
- ۷۵- شعریمیز - شاعیریمیز

[www.khudafarin.ir](http://www.khudafarin.ir)



## آندیمیز دوغرو لوغوموز دور و بو یولدا سونونا قدر برابریک

Andımız doğruluğumuzdur bu yolda sonuna qədər bərabərik.

هم یاری قورومالیسان هم ده سری. لاکن بیر یئرده بیرین دن واز گئچمه لی اولماق زوروندا قالدیغیندا یقین کی سر دن گئچمه یی ترجیح ائدیرسن.

تورکون توره سی اساسلارینا اویغون اولاراق یاری قربان وئرک اولماز. اما من ۲۰ ایل خدافرین نشر ائتمکله بوتون حاق و اوزگورلوکلریمدن واز گئچدیم.

سئوگی و سئونلریمدن هم ده مادی ایمکانلاریمدان اولوسوم نامینه واز گئچتدیم. زور شرطلرده حیاتی سوردورمک مجبوریتینده قالدیم. اوزومو و منی سئونلری هر زمان چتین دورومدا قویدوم.

بونلارا باخمایاراق تانرینین منه و بیزه آیردیغی بو گوره وی ده بورایا قدر یعنی ۲۰ ایل سوردورمه یی باجاردیق. خدافرین درگیسیله یاناشی ۱۰۰ لرله کیتاب اولوسوموزا ارمغان ائتدیک. مدنیت قله سینى انشا ائتمک اوچون دیرناقلاریمیزلا داش قازدیق. بو یولدا منی یالیز قویمویان عایله مه و آرخاداشلاریم و بوتون اولوسوما هم ده اوز دیل و ادبی - مدنی وارلیغینی سئونلره اوز سایقی و سئوگیمی گوندریم. سونونا قدر یولوموزا داوام ائده جییک انشالله. چونکو "تورک سو کیمی دی بیر یئرده قالسا ایله نر"

زامانین ایجابی آییق و ساییق اولماق لازیم. او جمله دن استکبارین فعلینه اویماماق شرط دیر.

وطن / اوزگورلوک / شرف نامینه بوتون ظالیملرین شرفسیز اوینلارینا قارشی مجادیله و گئنه مجادیله. اونوتماییق کی بیزی بیزدن باشقا سئون یوخدور.

مدیر مسئول : دکتر حسین شرقی دره جک (سوی تورک)  
Sorumlu müdir : Dr.Hüseyin Şarqıdərək SOYTÜRK



ایکی آی دیر سیزلرله گوروشموروک. بو چوخ اوزون زامان دیر. آنجاق اووموزدن آسیلی اولومویان ندنلر واردیر.

بیرچوخ خدافرین سئورلر مختلف یوللارلا درگیمیزین چیخماماق سببلرینی اویرنمک ایسته دیلر و حتی یانیمیزدا اولدوقلارینی سویله دیلر.

بو آراجلا بوتون قایغی چکن اینسانلاریمیزا درین سئوگی و سایقیلاریمی بیلدیرمک ایسته بیرم.

آنجاق ایچینده اولدوغوموز دورومدان دولایی و بیرده مادی سیخینتیدان قاینقلانان سببلر اوزوندن درگیمیز یایملانمادی. بیرده اوسته گل منیم شخصی مسئله و ساغلیق سورونلاریم دا بونا اک اولدو.

ایندی تانریا شوکورلر اولسون کی درگیمیز ایشیق اوزو گورومه یی باشاردی.

سایقی دیر خدافرین اوخویانلاری و میلی - معنوی دیرلریمیزه اونم وئرن بوتون هرکسه اوز مینت دارلیغیمی بیلدیرمک ایسته بیرم.

اصیل میللتیم بیلیرکی بیز اونون وارلیغی یولوندا بوتون وارلیغیمیزی قویموشوق و سونونادک دا بئله اولاجاق دیر.

مطبوعات ایشی هر زمان چوخ چتین و سوروملو ایشدیر. هله - هله سنین یایینلادیغین مطبوعات ایسه میلی دیرلری قورویان بیر اورگان اولورسا اونون یوکو و مسئولیتی داها آغیردیر.

## ساغالان در اسناد تاریخی سه قرن گذشته

نویسنده: قدرت ابوالحسنى سهلان

ارائه و بکار رفتن ساغالان در اسناد ۳ قرن گذشته نشان داده خواهد شد.



### ۲) فارسیزه کردن اسم مکانهای ترکی در نوشته ها

فارسیزه کردن اسم مکانهای ترکی یعنی، حروف صدادر اسم را طوری تغییر دادن که تلفظش برای فارس زبانها راحت بوده و در زبانشان کلمه با تلفظ مشابه داشته باشد. با فارسیزاسیون توپونیم ترکی هویت خود را از دست داده جعلی میگردد و حتی ممکن است در خود زبان فارسی نیز بی معنی باشد. میتوان گفت، اغلب اسامی رسمی شهرها و روستاهای مناطق ترک نشین ایران از جمله آذربایجان، فارسیزه گشته اند. مثلا در منطقه روستای مورد بحث، خوجا میرجان به خواجه مرجان، قیزیل دیزه به قزل دیزج، قوم تپه به قم تپه و غیره بدل شده اند. قابل ذکر است، زبان ترکی نه حرف صدادر دارد که همگی کوتاه هستند، در صورتیکه فارسی سه حرف صدادر کوتاه و سه حرف صدادر کشیده دارد. از اینجا مشخص میباشد نوشتن درست بسیاری از اسامی ترکی به دلیل عدم انتقال صحیح حروف صدادر به زبان فارسی مقدور نیست. بنابراین در مورد ثبت اسامی ترکی اگر مشاهده کردیم، مردم بومی یک منطقه نام یک محل را یک گونه تلفظ میکنند، ولی در ثبت اسم به فارسی اساسا در حروف صدادر تفاوت وجود دارد، نام صحیح را تلفظ مردم منطقه منعکس مینماید و باید از آن توپونیم محافظت گردد. جعل عمدی اسامی ترکی

### (۱) مقدمه

در مقاله ساغالان (بازنویسی یک سند تاریخی) چاپ شده در ماهنامه اوزان، ساغالان بودن اسم اصلی روستای با نام رسمی سهلان، متعلق به شهرستان تبریز، نهایی گشت. با وجود این باز هم جهت بدست آوردن اسناد بیشتر در مورد نام این روستا به منابع اصلی الکترونیکی یا غیر الکترونیکی نقشه ها، سفرنامه ها، کتب تاریخی و جغرافیایی مراجعه شده است. نتایج تحقیقات جدید انجام یافته، در این مقاله آمده است. در اینجا ابتدا، بدلیل ضرورت موضوع، مبحث کوتاهی در مورد فارسیزاسیون اسم مکانهای ترکی در ایران خواهیم داشت. سپس بحثی در مورد بدل بودن ساهاالانها و ساوالانهای اطلاق شده به این روستا خواهیم داشت و در نهایت اسناد تاریخی

(qurrih, qurrih) گویند. اما حرف ه برای بیان آوایی در الفاظ گفتار وجود ندارد. " یعنی حرف ه (h) در کلمات زبان ترکی وجود نداشته است، جز در موارد وقف یاد شده انتهای الفاظ. اما الان بعد از گذشت قرن‌ها، در تلفظ کلمات ترکی واج ه شنیده میشود! اگر دقت شود این واج ه تلفظ حرف غ یا ک میباشد، مثلاً به جای ساغ، ساه شنیده میشود و به جای کؤک، کؤه. موقع نوشتن چنین کلماتی بایستی از حرف اصلی یعنی غ یا ک استفاده کرد و نه از واج ه.

به روستای ساغالان، ساهالان هم میگویند که در آن واج ه وجود دارد که با توجه به مطالب بالا این واج ه باید تلفظ ک یا غ باشد. حرف ک در الفاظ مردمان منطقه جهت اشاره به این روستا مشاهده نمیشود و در اسناد نیز بکار نرفته است. برخلاف آن غ در هر دو مورد هست. پس، ساهالانها تلفظ ساغالان هستند و ابتدا ساغالانی بوده که ساهالان از آن پدیدار گشته است. در نتیجه تمامی اسناد و نقشه‌هایی که در آنها نام روستا ساهالان نوشته شده، در حقیقت با املا صحیح باید ساغالان ثبت میشدند.

از طرف دیگر، ساوالان جهت اشاره به این روستا، در گویش مردمانی استفاده میشود که در لهجه آنها حرف غ به بصورت واج و تلفظ میشود و برعکس آن رخ نمیدهد. یکی از روستاهایی که این امر شایع است، کوندور (کندرود) گونئی میباشد. به گفته آقای رستم شعله که اهل کوندور میباشد، در روستایشان به ساغ اول، مراغا، موغان و باغ وزیر بترتیب ساو اول، مراوا، مووان و باو وزیر اطلاق میشود. به ساغالان هم ساوالان میگویند. بنابراین، ساوالانها هم تلفظ ساغالان هستند و ابتدا ساغالانی بوده که ساوالان از آن پدیدار گشته است. در نتیجه، تمامی اسناد و نقشه‌هایی که در

(بومی) به شکل فارسی با دستورات حکومتی نیاز بحث طویل دارد که در اینجا به آن نمیپردازیم. شبیه عمل فارس‌سازیون در مورد ثبت اسامی ترکی در سایر زبانها نیز روی میدهد، با این تفاوت که در آثار قدیمی غیرفارسی جعلی مشاهده نمیشود، بلکه مولیفین اسمی که از مردم شنیده اند را، گاه با تفاوت طبیعی در حروف صدا دار ضبط کرده اند.

### ۳) ساهالانها و ساوالانها

در این قسمت لازم است، ابتدا به تفاوت واج با حرف اشاره ای بگردد. در زبانشناسی، حرف صورت مکتوب واج است و واج صورت ملفوظ حرف و ارتباطشان لزوماً یک به یک نیست. هر اجتماع زبانی از شمار معدودی از واجها استفاده می‌کند که الزاماً مشابه واجهای زبانهای دیگر نیستند. برای مثال در زبانهای ترکی و فارسی، حروف ط و ت و در نتیجه کلماتی مانند حیاط و حیات یکسان تلفظ شده، شکل نوشتاری متفاوتی دارند، منتها در زبان عربی متفاوت هم تلفظ میگردند. همچنین تلفظ واجها نزد همه متکلمین یک زبان لزوماً یکسان نمیباشد و تفاوت لهجه بین دو ده مجاور هم بیشتر اوقات مشهود است.

موضوع لازم دیگر اینکه، در زبان ترکی حرف ه وجود ندارد و گواه آن کتاب دیوان لغات التترک است. در صفحه ۷۸ کتاب دیوان لغات التترک تالیف محمود کاشغری که مربوط به قرن پنجم هجری است و توسط دکتر صدیق به فارسی ترجمه گشته، حین صحبت از حروف زبان ترکی، مولف چنین گفته است: "جز اینها، حرف ه برای وقف در پایان کلمه نوشته میشود. چنانچه وقتی شاهین و باز را آواز دهند تاه تاه (tah tah) گویند و چون اسب کم سال را صدا زنند قره، قره

ارائه شده است. بدلیل اهمیتشان سه سند از آنها (اسناد بندهای ۱۲ و ۱۱، ۵) در این مقاله نیز با توضیحات اضافی تکرار گردیده اند. قبل از رفتن به سراغ اسناد جدید، ذکر چند نکته ضروری است:

\* اطلاعات زندگانی افراد مشهور قید شده در این مقاله از ویکی پدیا اخذ شده اند.

\* در قسمت Books سایت جستجوی گوگل کتب زیادی به زبانهای مختلف دنیا منتشر شده اند که با وارد نمودن اطلاعات دلخواه میتوان آنها را جستجو کرد و در صورت وجود، بسته به میزان دسترسی داده شده از کتاب استفاده نمود.

\* نگارنده در نقشه های قدیمی اروپاییان بر روی یک روستا متمرکز شده، اما در نقشه ها نام اصلی سایر شهر و روستاهای آذربایجان نیز دیده میشوند. چرا که نقشه برداران برخلاف کاتبان که میتوانستند نام محلها را از اسلاف خود وام بگیرند، به نوعی با مردم بومی تماس داشته، اسامی غیرفارسیزده بومی را ضبط کرده اند. مثلا سهلان در نقشه های قدیمی دیده نمیشود، زیرا توسط مردم استفاده نمیشده است. و اما اسناد:

#### ۴-۱) کتاب جهانگشای نادری مربوط به حدود سه قرن پیش

کتاب جهانگشای نادری را میرزامهدی خان استرآبادی، منشی و مورخ نادرشاه افشار، به زبان فارسی نگاشته است. این کتاب ارزشمند تاریخی مربوط به اوایل قرن ۱۲ شمسی و در مورد زندگی نادرشاه و لشکرکشیهای وی به مناطق مختلف میباشد. میرزا مهدی خان در صفحه ۸۱ کتابش، هنگام تشریح جنگ نادرشاه و عثمانیها در نزدیکیهای تبریز، نام این روستا را، مطابق شکل زیر، قریه سهیلان قید کرده است. سهیلان در

آنها نام روستا ساوالان مکتوب گشته، در حقیقت با املای صحیح باید ساغالان ثبت میشدند، همچنانکه نوشتار مراغا، موغان و باغ وزیر صحیح هستند.

در مورد موضوع، شنیدن اسامی روستا از زبان حاجی محمدعلی روشنایی (مشهور به مشه محمدعمی) شنیدنی است! حاجی محمدعلی جزو افراد کهنسال روستای ساغالان میباشد. تولد حاجی سال ۱۳۱۲ شمسی است اما خاطراتی که تعریف میکند نشان می دهد، بایستی بیش از یکصد سال داشته باشد! کلیپ کوتاهی از حاجی در مورد نامهای روستا بتاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۱، توسط پسرش حسین تهیه شده و در صفحه اینستاگرام نگارنده هم منتشر شده است. در این کلیپ حاجی، در جواب پرسشهای پسرش به سه نام ساغالان، ساه آلان و ساوالان برای اشاره به روستای سهلان اشاره نموده است. طبق گفته حسین، حاجی برای نام بردن از روستایشان معمولا از نام ساه آلان استفاده میکند که بسیار جالب توجه میباشد! ساه آلان گفتن حاجی محمدعلی روشنایی تایید میکند نام روستا باید ترکیبی و از دو کلمه تشکیل شده باشد. آنگونه هم که در بحث ساهالانها ذکر شد، واج ه تلفظ حرف غ و در نتیجه ساه تلفظ ساغ است. یعنی نامی که حاجی بر زبان میراند، نوشتارش ساغ آلان است. در اینمورد، قبلا در مقاله ریشه شناسی نام روستای سهلان چاپ شده در ماهنامه ائل بیلیمی قید گردیده، اسم اصلی سهلان ترکیبی و ساغ آلان (ساغالان) میباشد و گفته ی حاجی محمدعلی روشنایی آنرا تصدیق می نماید.

#### ۴) اسناد تاریخی

در مقاله ساغالان (بازنویسی یک سند تاریخی)، ۱۱ سند مختلف در تایید ساغالان بودن روستا

روز در این روستا مانده و ساهالان مورد استفاده در منطقه را ثبت کرده است. نوشتار درست ترکی ساهالان هم ساغالان است.

شکل ۲: نسخه الکترونیکی سفرنامه موریه از گوگل بوکس

۳-۴) کتاب مسافرت به ایران مربوط به سال ۱۸۱۷ میلادی

موریس دوکوتز بوئه (۱۸۶۱-۱۷۸۹ م) اهل آلمان، کتاب مسافرت به ایران را به زبان آلمانی نگاشته است. دوکوتز بوئه در زمان فتحعلی شاه قاجار و سال ۱۸۱۷ میلادی به همراه سفیر کبیر روسیه عازم ایران شده بود. آنها جزو مهمانان حکومتی بودند که به شهرهای نخجوان، ایروان، تبریز و زنجان رفتند. محمود هدایت (۱۳۶۹-۱۲۷۶ ه ش)، نویسنده و مترجم ایرانی، کتاب مذکور را به فارسی ترجمه کرده و در سال ۱۳۶۵ توسط سازمان انتشارات جاویدان تهران نشر داده

همراه داشتند که شش ماه از بیم جان خود را بداند که خواهد سر جان که در روز پنجشنبه تبریز واقع است کسید و در این نظر فرین نیز اطراف ایشان را فرود گرفته کار فرمای سیف سنان نیز از باس جل که از بقالب قلب ایشان لرزه افکن و تب ریخته دامن کوه سر جان را از تنج الماس فام لعل کون ساختند و سواي متفکرین که عدت ایشان فرودان از حوصله قیاس تخمین بودند نیز از فرزند بازان ماه پیکر و اسرای نیک نظر و غلام و نوغور و اسباب با محصور تصرف در آمده معدودی از آنکه در کوی سبزه خیزن بچوگان دست از میدان بلاکش آتش بد بردند حکام شام که سلطان جهانگیر مهر تنج درخشان شعاع را در خلاف و از سر که سپهر ترک مصاف که قریب سهیدان در آن نواحی واقع است جلال گاه خیزل سهیل چین و متفرک نظر فرین گفته نوبچیان ز صلحیت و ساقچیان مرغ حیات بچ آوری اسیر فرمان یافته همی را بعتدای سپهر دهند که در تبریز باطلاع همسنان محکم شرع اطهر و اولیای ایشان رسانند مگر از نیک که از مردم چشم چکان با طالع نظر دست درازی بوی غنا نشان واقع شود پس روز دیگر که بیت و مضمون هم بود بدلولای جهانگشا است

گوش مردمان کاربردی ندارد و عربیزه/فارسیزه شده ساهالان میباشد. همانطوریکه در قسمت ۳ ذکر شد، نوشتار درست ترکی ساهالان نیز ساغالان میباشد.

شکل ۱: نسخه خطی کتاب جهانگشای نادری از کتابخانه دیجیتال هندوستان

۲-۴) سفرنامه جیمز موریه مربوط به سال ۱۸۱۴ میلادی

جیمز موریه (۱۷۸۰-۱۸۴۹ م)، دیپلمات و نویسنده بریتانیایی، در صفحه ۲۱۱ جلد ۲ سفرنامه اش که به زبان فرانسوی میباشد، مطابق شکل زیر، نام روستا را ساهالان (Sahalan) ذکر نموده است. موریه در سال ۱۸۱۴ میلادی یک

211 SAHALAN.

mire, des brocards et des étoffes de soie d'Ispahân formèrent les principaux, auxquels on ajouta deux des éléphants du roi, envoyés en présent de la ville de Herât.

Le roi de Perse pria l'ambassadeur anglais, pour qu'il pût veiller à ses intérêts ultérieurs, de retourner en Angleterre par la Russie; et, comme il eût été incommode aux deux ambassadeurs de voyager ensemble à cause de leur suite nombreuse, sir Gore Ouseley partit le premier, et deux mois après Mirza-Aboul-Hassan-Khân se mit en route.

Il fut décidé que je serai chargé des affaires diplomatiques sur les frontières de Perse et de Russie; j'accompagnai donc jusqu'à cet endroit son excellence, et le 18 mai 1814 nous atteignimes Tauriz; toutes les affaires



هنگام شب دو نفر از تبریز آمده سفیر کبیر را از طرف شاهزاده عباس میرزا و وزیرش خیرمقدم گفتند و با خود پرتقال و ماهی های بزرگی برسم نخته آورده بودند ولی پرتقالهای مرحمتی ترش و ماهیها قاری مانده بود. روز هیجدهم نیز تا شهر تبریز خیلی راه داشتیم بعلاوه ایرانیان تصمیم گرفته بودند که ما را خیلی تجلیل کنند، بنابراین در آفریه سجیلان که در بیست و رستی شهر واقع بود اردو زدیم، در موقع شب از دور چراغهای اردوی قشون ایران نمایان بود.

### \*\*\* 56 \*\*\*

Ende ein schwarzer Streif die Stadt Lauris bezeichnet; man befindet sich in Casian. Da Moab nicht so weit gegangen, so glauben Viele, daß dieses Dorf seine Benennung von den Cassi erhalten, die ihre Wohnung hier aufschlugen, als Jemael I. seinen Hof Ardovil nach Lauris versetzte. Das Dorf ist übrigens so unbedeutend, daß es nicht der Mühe werth ist, nach der Entstehung seines Namens weiter zu forschen. Heute Abends kamen ein Paar Abgesandte aus Lauris, um im Namen von Abbas-Mirza und seines ersten Ministers den Gesandten zu begrüßen. Sie brachten große Fische und Apfelsinen zum Geschenke. Ich kann nichts dafür, daß erstere verfault und letztere sauer waren.

Den 18. Da der Marsch von hier nach Lauris zu weit gewesen wäre, und die Perser auch einen feyerlichen Empfang bereiteten, so schlugen sie das Lager zu Werste vor der Stadt, bey dem Dorfe Segilan auf. Heute Abends sah man viele Feuer der Persischen Armee.

Den 19. Einige Werste vor der Stadt Lauris ist ein Flußchen, Adgasu, über welches eine antike Brücke von zehn Bogen er-

### ۴-۵) نقشه خاورمیانه به سال ۱۸۸۴ میلادی

نقشه مهم و ارزشمندی مربوط به خاورمیانه وجود دارد و ترسیم کننده اش هانریش کیپرت (۱۸۱۸-۱۸۹۹ م)، جغرافی دان و طراح آلمانی، می باشد که رسام نقشه آذربایجان نیز هست که در سند قبلی به آن اشاره شد. نقشه خاورمیانه به زبان فرانسوی بوده، به سال ۱۸۸۴ میلادی در برلین چاپ شده است. نقشه کش، همانطوریکه در شکل زیر مشاهده میشود، نام روستای مورد

است. در صفحه ۱۵۷ ترجمه کتاب دوکوتر بوئه هنگامی که آنها از سمت صوفیان عازم تبریز بودند، در پاراگرافی به در ساغالان ماندنشان نیز اشاره مینماید. هدایت، مطابق بالای شکل زیر، نام این روستا را به اشتباه سجیلان ترجمه کرده است!

با مراجعه به اصل آلمانی کتاب moritz von kotzebue در گوگل بوکس نام اصلی را، مطابق پایین شکل زیر، در صفحه ۵۶، Segilan می یابیم و با جستجوی ساده اینترنتی در مورد نحوه تلفظ حرف g در آلمانی، آنرا معادل تلفظ گ فارسی می بینیم که آنهم شبیه تلفظ غ ترکی می باشد. نتیجه اینکه، تلفظ Segilan سئگیلان بوده و آلمانیزه شده ساغالان است.

شکل ۳: قسمت بالا از ترجمه فارسی و پایین از اصل آلمانی کتاب مسافرت به ایران

### ۴-۴) نقشه آذربایجان (ایران) مربوط به سال

#### ۱۸۶۲ میلادی

نقشه آذربایجان، بر اساس مشاهدات و بررسیهای اولیه انجام داده در سالهای ۱۸۵۵-۱۸۵۱ میلادی نیکولای خانیکوف (۱۸۱۹-۱۸۷۸ م)، خاورشناس، جغرافیدان و مردم شناس روسی، تهیه شده، توسط هانریش کیپرت آلمانی به زبان انگلیسی رسم گشته است. نقشه مزبور سال ۱۸۶۲ میلادی نیز در برلین انتشار یافته است. در نقشه نام روستای مورد بحث، همانطور که در شکل زیر داخل دایره دیده میشود، سئهلان (Sehelan) قید شده است. سئهلان انگلیسی شده ساهالان می باشد و نوشتار درست ترکی ساهالان ساغالان است.

شکل ۴: نسخه الکترونیکی نقشه آذربایجان (ایران)



بروجرد) که مسلط به زبان روسی میباشد، بصورت زیر است:

آذربایجان شمالی

مقاله نظامی-جغرافیایی

کاپیتان ستاد مرکزی

ال. ک. آرتامونوف

تفلیس ۱۸۹۰

کتاب آذربایجان شمالی دارای بیش از ۵۰۰ صفحه بوده، مشخصاً اهمیت نظامی و جغرافیایی برای روسها داشته است. کتاب به دو بخش کلیات و مسیرها تقسیم شده و شماره بندی صفات بخشها جداگانه است. در هر حال ساغالان ترجمه شده به ترکی عثمانی در اصل روسی Сагалан دیده میشود و در صفحه ۱۱ بخش کلیات و ۶۲ بخش مسیرها آمده است. جهت ترجمه پاراگرافهای مربوطه از دکتر میرعلی رضایی (استاد دانشگاه و اهل سولدوز) و آقای فطرس یاری جسته ایم. دکتر رضایی، طبق گفته خودشان، از دوستان جمهوری آذربایجان مسلط به روسی کمک گرفته و ترجمه ترکی انجام یافته را به نگارنده برگرداندند. آقای فطرس هم به فارسی ترجمه نمودند. تلفظ روسی اسم خاص مذکور را از رضایی ساقالان (Saqalan) و از فطرس ساگالان گرفتیم که تنها در تلفظ حرف Г متفاوتند. ساقالان را بعنوان یک بومی ترک منطقه خواهیم ادا کنیم، ساغالان میگردد. زیرا حرف ق اگر بین دو حرف صدادار قرار گیرد، نرم گشته به غ بدل میشود. ساگالان به فارسی نیز شبیه ساغالان به ترکی تلفظ میگردد. از سوی دیگر به گفته آقای فطرس، در زبان روسی حرف غ وجود ندارد و به جای آن از همین حرف Г استفاده میگردد، مثلاً بغداد، باگداد (Багдад) نوشته میشود. بنابر این بدون توضیحی میشود



بحث را ساغالان قید کرده است که فرانسوی شده ساغالان است.

11

нижнее течение р. Аджиг-чай, от меридиана с. Али-Шахъ до впадения рѣки въ озеро Урмию. Переходъ черезъ солончаки возможенъ только въ теплое, сухое время года. Ширина рѣки въ обыкновенное время отъ 25 до 40 шаговъ въ среднемъ теченіи (у с. Ходже) и постепенно возрастаетъ отъ г. Тавриза къ устью, сливаясь въ нижнемъ теченіи съ обширными солончаковыми болотами, окаймляющими восточный берегъ озера. Быстрота теченія средняя; глубина рѣки отъ 2 до 3 ф. на бродахъ. Съ іюня и по октябрь мѣсяцъ вполнѣтельно рѣка повсюду проходима вбродъ; дно вязкое, глинистое. Въ половодье Аджиг-чай сильно разливаются, затопляя свою долину мѣстами на нѣсколько верстъ. Въ это время переправа возможна только по каменнымъ мостамъ, устроеннымъ на большихъ караванскихъ дорогахъ.

Сѣвернѣе и параллельно р. Аджиг-чай въ озеро впадаетъ небольшая р. **Сигилиг-чай**, тоже изобилующая солончаковыми болотами въ своемъ нижнемъ теченіи.

شکل ۵: نقشه خاورمیانه هانریش کیپرت و ساغالان

۴-۶) کتاب روسی و مربوط به سال ۱۸۹۰ میلادی

همانطوریکه در سند دهم خواهد آمد، در کتاب آذربایجان (احوال جغرافیه و تقسیمات سیاسی سیله اصول اداره سی) نام دو رود جلگه واقع شده روستا آجی چای و ساغالان چایی ذکر شده اند. در روی کتاب ترکی عثمانی مذکور نگاشته شده، کتاب ترجمه ای از یک اثر روسی مربوط به سال ۱۸۹۰ میباشد. مشخصات کتاب روسی در گوگل بوکس، طبق ترجمه آقای خسرو فطرس (اهل

اشاره شده است. ساغالان از نام روستای مورد بحث اخذ، به رود آبیاری کننده اراضیش و بیشتر مشهور به سینیق چایی اطلاق و در این سند منعکس گشته است.

#### ۴-۷) نقشه عثمانی سال ۱۳۰۲ قمری

در نقشه ای که در کتابخانه دیجیتالی مجلس بزرگ ملت ترکیه نگهداری میشود و مربوط به زمان امپراتوری عثمانی و سال ۱۳۰۲ هجری قمری و به زبان ترکی عثمانی است، همانطوریکه در شکل زیر مشاهده میشود، ساغالان به شکل ساغالان ضبط شده است.



شکل ۸: نام ساغالان به شکل ساغالان

#### ۴-۸) کتاب مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام

##### شهید تبریزی، اتفاقات سال ۱۳۲۶ قمری

نویسنده کتاب مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام تبریزی، ثقة الاسلام تبریزی (۱۲۹۰-۱۲۳۹ هـ ش) است و نصرت الله فتاحی آن را گردآوری نموده است. همانطوریکه در شکل زیر دیده میشود، در صفحه ۱۱۲ کتاب یاد شده که مربوط به اتفاقات زمان مشروطه هستند، به روستا با نام ساوالان اشاره شده است. بنا به دلایل قسمت ۳، شکل نوشتاری صحیح ساوالان هم ساغالان است.

Сагалан را ساغالان ترجمه نمود، مانند ترجمه ترکی عثمانی مذکور بالا. در هر حال ترجمه فارسی پاراگرافهای ترکی آذربایجانی دکتر رضایی در ذیل شکل‌های مربوطه آورده شده که ترجمه فارسی فطرس نیز شبیه آنهاست:

شکل ۶: نام Сагалан (ساغالان) در متن روسی "از طرف شمال و بموازات آجی چای به سمت

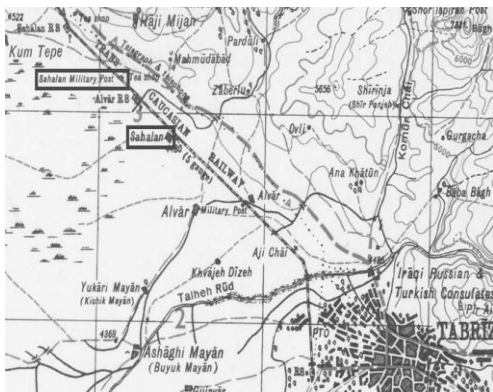
62

визначитъ, напр. для проведенія желѣзной дороги, вѣроятно окажется возможнымъ перейти хребтъ безъ устройства тоннелей.

Третій участокъ, отъ с. Софіанъ до г. Тавриза, т. е. четвертый переходъ, обнимаетъ совершенно ровную, степную, мѣстами солонцеватую долину или бассейнъ р. Сагаланъ-чая и нижняго теченія р. Аджичая. На этомъ протяженіи нѣкоторое препятствіе для колеснаго движенія могутъ представить ветрѣчныя по пути рѣчки, главнымъ образомъ Сыныухъ-чай, Альваръ и р. Адріячае رود نه چندان بزرگ ساغالان چای میریزد که در جریانات پایینش حاوی باتلاقهای نمکی بسیار است."

شکل ۷: نام Сагалан (ساغالان) در متن روسی "میدان سوم، از روستای صوفیان تا شهر تبریز، یعنی مرحله چهارم، تماما صافی است که بعضی جاهایش صحرای خاک شور و یا حوضه ساغالان چای و جریانات پایین آجی چای را شامل میشود."

همانطوریکه در سند مورد بحث آمده و در نقشه آذربایجان فوق دقیق تر نمایان شده، در دشت صاف بین صوفیان و تبریز دو رودخانه تقریباً به موازات هم جریان دارند. شمالی بیشتر مشهور به سینیق چایی و جنوبی آجی چای میباشد. در این سند تاریخی به رود شمالی با نام ساغالان چای



هست، ولی متن آن در دسترس نیست تا اشتباه نویسنده یا مترجم معلوم گردد.

#### ۴-۱۰) کتاب آذربایجان چاپ ۱۹۱۸ میلادی

در گوگل بوکس کتابی با عنوان آذربایجان (احوال جغرافیه و تقسیمات سیاسی سیله اصول اداره سی) انتشار یافته است. این کتاب به زبان ترکی عثمانی و چاپ سال ۱۹۱۸ میلادی (۱۳۳۴ قمری) میباشد. در صفحه ۱۰ کتاب، مطابق شکل زیر، نام دو رود جلگه واقع شده این روستا آجی چای و ساغالان چایی ذکر شده اند. همانطویکه در سند ششم هم قید شد، ساغالان از نام روستا اخذ، به رود آبیاری کننده اراضیش و بیشتر مشهور به سینیق چایی اطلاق و در این سند منعکس گشته است.

شکل ۱۱: کتاب آذربایجان و ساغالان چایی  
ترجمه فارسی پاراگراف مربوطه ترکی عثمانی نیز

۲۱۵

نیدرمایر از وسایل و لوازم هیئت خودش یک دست لباس خاکی رنگ زیبا با دکمه‌های چرمی به من هدیه داد. علاوه بر این لباس برای خودم یک کلاه نواحی گرمسیری هم تهیه کردم. به طوری که حالا دوباره ظاهری اروپایی پیدا کردم و دیگر مثل پاشاهای ترک نبودم.

متأسفانه در بغداد شنیدم که ستوان فون فریزن میل تینس، عضو هنگ پیاده نظام زاخرن<sup>۲</sup>، که تا سال پیش در سفارت خدمت می‌کرد، در جنگ کشته شده است.

روز سیزدهم مارس از هولشتاین، کنسول آلمان در موصل، خبر رسید که نیروهای عثمانی به طرف تبریز در حرکت هستند و شاهزاده ابوالفتح میرزا، منشی کنسولگری، با ستاد عثمانی به ساوجبلاغ رفته است.

در بغداد، روزنامه لا ایرا<sup>۳</sup> (شماره ۳۴، سوم فوریه ۱۹۱۵)، چاپ میلان، به دستم رسید که در گزارشی درباره‌ی ورود روس‌ها به تبریز نوشته بود:

پس از پیروزی درخشان روس‌ها در صوفیان و ساغالان که عثمانی‌ها تجهیزات توپخانه خود را از دست دادند و بیش از هزار اسیر و عده بی‌شماری زخمی بر جای گذاشتند، ژنرال‌های عثمانی که لیتن کنسول آلمان و رئیس‌بیک کنسول تازموارد عثمانی نیز همراه آن‌ها بودند، به سمت مراغه فرار کردند.

۱۱۲

سواره ماکو که از سمت پل آجی میخواستند وارد شهر شوند بنای جنگ است و تا آخر روز صدای توپ و تفنگ بلند بود، در آخر اجمالا معلوم شد که جمعی از جانب شهر و جمعی سواره ماکو از خارج رو به امیره‌قیز گذاشته و جنگ کرده‌اند از داخله شهر سواره رحیم خان و سواره‌های مرندی هجوم برده‌اند از جانب ستار خان یمب بجانب پلک جماعتی از مهاجمین انداخته شده که قریب ۸ نفر مقتول و زیر خالک مانده‌اند، از جمله مقتولین دو سه نفر از سواره‌های نامی بوده، ضربام نظام قره‌دانی نیز مختصر زخمی از سرش برداشته مجملاً مهاجمین نتوانسته‌اند کاری یکنند...

#### تا آخرین نفر و تا آخرین نفس

و هم در این روز (۱۴ ماه) نایب فونسل انگلیس چهار نفر از ملت را بعنوان نماینده بحضور می‌پذیرد، میرزا حسین واعظ میرزا محمد تقی، شیخ محمد خیابانی میرزا سید حسین خان، چه مذاکره میکنند معلوم نگردم، همین‌قدر شنیدم همگی گفته‌اند که اگر این جماعت را هر قدر حساب فرمائید اگر یک نفر هم از ایشان بماند، باز مطالبه حقوق خواهند کرد.

دو روز قبل شهرت دادند، از لندن تلگرافی بامضاء ایرانیان به انجمن آمده که قرار شد تا ۱۴ شوال وکلاء انتخاب و بظهران فرستاده شوند.

#### تفصیل جنگ ۱۴ ماه شعبان ۱۳۲۶:

تفصیلاً جنگ ۱۴ شعبان را باین‌نحو تقریر کردند که: سواره ماکو با سواره مرند و غیره دو سه روز قبل در ساوالان از جانب اهالی قره مزبور گرفتار مدافعه بودند بالاخره سواره هجوم کرده و توپ بسته تا بعلف و خرمن‌ها آتش گرفته و قهرا غلبه کرده‌اند

شکل ۹: کتاب مجموعه آثار قلمی ثقة الاسلام تبریزی در کتابخانه نور

#### ۴-۹) کتاب ماه عسل ایرانی و مربوط به سالهای ۱۵-۱۹۱۴

کتاب ماه عسل ایرانی جاوی خاطرات کنسول آلمان ویلهلم لیتن (۱۹۳۳-۱۸۸۰ م) در تبریز و مربوط به سالهای ۱۵-۱۹۱۴ میباشد. پرویز رجبی (۱۳۹۰-۱۳۱۸ ه ش)، مورخ و مترجم ایرانی، آنرا به فارسی ترجمه کرده است. در صفحه ۲۱۵ کتاب، مطابق شکل زیر، نام روستا در کنار صوفیان بصورت سالوان ذکر گردیده است! سالوان بایستی ناشی از سهو نویسنده یا مترجم باشد و صحیح مورد استفاده آن ساوالان میباشد. شکل نوشتاری صحیح ساوالان هم ساغالان است.

شکل ۱۰: کتاب ماه عسل ایرانی و ساوالان بصورت سهو سالوان

اصل آلمانی کتاب ماه عسل ایرانی با عنوان Persische Flitterwochen در گوگل بوکس



نام ده	تعداد خانوار	جمعیت	مرد	زن
خواجه دربزج	۶۸	۵۶۴	۳۰۱	۲۶۳
رواسان	۷۸	۴۳۹	۲۳۲	۲۰۷
سعد بيك	۴	۴۵	۲۴	۲۱
سهلان (ماغالان)	۱۶۱	۹۹۷	۵۱۶	۴۸۱
شيخ حسن	۹۷	۴۷۸	۲۳۸	۲۴۰
فرودگاه لشكري	۱	۳۷	۳۷	-
قلعه چه	۳۲	۱۹۳	۹۲	۱۰۱
كجباد	۳۵۳	۲۱۱۰	۱۰۷۱	۱۰۳۹
كوجان	۸۹	۴۹۷	۲۶۹	۲۲۸
لاله	۳۰۵	۱۶۱۸	۸۰۶	۸۱۲
مايان سفلي(اشاقمايان)	۳۱۸	۱۷۸۵	۹۳۰	۸۵۵
مايان طبلي(بوخاريمايان)	۹۹	۶۹۴	۳۵۰	۳۴۴
وزنق	۴۴	۲۶۴	۱۳۴	۱۳۰
جمع دهستان سردرود	۳۱۸۵	۱۸۱۱۰	۹۴۳۷	۸۶۷۳

ساوالان - sāvâlân - ده جزه دهستان صوفیان بخش شبستر شهرستان تبریز

۱۷ ک جنوب خاوری شبستر - ۲ ک شوسه تبریز و مرند - ۱ ک راه آهن چلغا  
چلگه - معتدل - سکنه ۲۸۰ - شیعه - ترکی  
آب از چشمه - محصول غلات و حبوبات - هفتل ذراعت گله داری  
راه مالرو.

شکل ۱۳: ساوالان نام ثبت شده در سرشماری، چاپ ۱۳۳۰.

#### ۱۳-۴) کتاب نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن، چاپ ۱۳۴۹ شمسی

در کتاب نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن نوشته دکتر محمدجواد مشکور (۱۲۹۷-۱۳۷۴ ه ش)، مورخ ایرانی، نویسنده در فصل دهم به آمار شهرها و آبادیهای آذربایجان در سرشماری سال ۱۳۴۵ پرداخته است. در صفحه ۵۱۶ کتاب مذکور، مطابق شکل زیر، نام روستای مورد بحث که در آنزمان جزو دهستان سردرود بوده، به شکل سهلان (ماغالان) ضبط شده است. ماغالان بایستی ساغالان باشد و حرف اول اشتباه تایپی است، چونکه اسم این روستا چه شفاهی و چه کتبی در گذشته و حال هموار با حرف س شروع شده است. این موضوع در مقاله ساغالان (بازخوانی یک سند تاریخی)، ریشه شناسی نام روستای سهلان و غیره مشهود است.

چنین است: "در شمال محلی که رود آجی به دریاچه متصل میشود، آبی با نام ساغالان چایی به دریاچه اورمیه در حال ریختن است. دیگر، قسمت سفلی این حاوی باتلاقهای وسیع و نمکی است."

#### ۱۱-۴) نقشه توپوگرافی از تبریز و پیرامون مربوط به ۱۹۴۳ میلادی

در کتابخانه دانشگاه تگزاس آمریکا نقشه توپوگرافی از تبریز و پیرامون موجود میباشد که مربوط به سال ۱۹۴۳ میلادی و ایام جنگ جهانی دوم میباشد. نقشه مشخصا ارزش نظامی و جغرافیایی برای آمریکایی ها داشته است. در این نقشه که قسمتی از آن در شکل زیر نشان داده شده، نام روستا ساهالان (Sahalan) قید شده است. همچنین محلی بنام قرارگاه نظامی ساهالان (Sahalan military post) در سمت صوفیان دیده میشود.

#### شکل ۱۲: نقشه توپوگرافی از تبریز و پیرامون و ساهالان

#### ۱۲-۴) کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران چاپ سال ۱۳۳۰ شمسی

سال ۱۳۳۰ شمسی ارتش کتاب فرهنگ جغرافیایی ایران (آبادیها)، جلد ۴، استان ۳ و ۴ آذربایجان بیرون داده است که منتج از سرشماری آن زمان میباشد. در آن سرشماری برخلاف سرشماریهای بعدی انجام یافته در ایران، زبان و مذهب محل نیز پرسش شده است! همچنین نام بومی غیرفارسیزه برای روستاها ثبت شده است. کتاب مذکور از کتب قابل اتکای پژوهشگران میباشد. در هر حال. نام ثبت شده برای روستا در صفحه ۲۶۷، همانطوریکه در شکل زیر دیده میشود، ساوالان است. شکل نوشتاری صحیح ساوالان هم ساغالان است.

[L2zZHWAhUEPewKHBEnAuS06AEwEXoECBIQAw#v=onepage&q&f=false](https://books.google.com/books?id=lytDAAAcAAJ&printsec=frontcover&dq=moritz+von+kotzebue&hl=en&sa=X&ved=2ahUKewiEl7eB8pz3AhXq_7sIHa1-CFUQ6AF6BAgHEAI#v=onepage&q&f=false)

۶- کتاب مسافرت به ایران، موریتس دوکوتز بوئه ( Moritz von Kotzebue's Reise nach Persien mit der Russisch-kaiserlichen ... By Moritz von Kotzebue)

[https://books.google.com/books?id=lytDAAAcAAJ&printsec=frontcover&dq=moritz+von+kotzebue&hl=en&sa=X&ved=2ahUKewiEl7eB8pz3AhXq\\_7sIHa1-CFUQ6AF6BAgHEAI#v=onepage&q&f=false](https://books.google.com/books?id=lytDAAAcAAJ&printsec=frontcover&dq=moritz+von+kotzebue&hl=en&sa=X&ved=2ahUKewiEl7eB8pz3AhXq_7sIHa1-CFUQ6AF6BAgHEAI#v=onepage&q&f=false)

۷- نقشه آذربایجان (ایران)

<https://maps.princeton.edu/catalog/princeton-dj52w715p>

۸- نقشه خاورمیانه

<https://www.loc.gov/item/2013593036/>

۹- آذربایجان شمالی

(Съверный Азербайджан: Военно-географический очерк  
By Леонид Константинович Артамонов)

<https://books.google.com/books?id=Cydd5FvzCmoC&pg=PA11&dq=%D0%A1%D0%B0%D0%B3%D0%B0%D0%B%D0%BD&hl=en&sa=X&ved=2ahUKewjoj46d0K73AhWCRPEdHYphBzIQ6wF6BAgIEAE#v=onepage&q=%D0%A1%D0%B0%D0%B3%D0%B0%D0%BB%D0%B0%D0%BD&f=false>

۱۰- نقشه عثمانی

<https://acikerisim.tbmm.gov.tr/xmlui/handle/11543/2013>

۱۱- مجموعه آثار قلمی ثقه الاسلام تبریزی، ثقه الاسلام تبریزی، گردآوری کننده نصرت الله فتحی، ناشر انجمن آثار ملی (تهران) سال ۱۳۵۵ شمسی، کتابخانه دیجیتال نور:

<https://www.noorlib.ir/View/fa/Book/BookView/Text/39068/2/112?SearchText=%D9%82%D8%B1%DB%8C%D9%87%20%D8%B3%D8%A7%D9%88%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86>

۱۲- ماه غسل ایرانی، ویلهلم لیتن، ترجمه پرویز رجبی، چاپ تهران، نشر ماهی، سال ۱۳۸۵ شمسی

۱۳- آذربایجان (احوال جغرافیه و تقسیمات سیاسی سیله اصول اداره سی)، چاپ استانبول، نشر عسکریه، سال ۱۳۳۴ قمری

<https://books.google.com/books?id=X-crAAAAMAAJ&q=%D8%B3%D8%A7%D8%BA%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86&dq=%D8%B3%D8%A7%D8%BA%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86&hl=en&sa=X&ved=2ahUKewjTuuHp7uL2AhVjx4UKHVeMciYQ6AF6BAgIEAI>

۱۴- نقشه توپوگرافی از تبریز و پیرامون

[http://legacy.lib.utexas.edu/maps/ams/iraq\\_and\\_iran/txu-pclmaps-oclc-6589753-tabriz-j-38-k.jpg](http://legacy.lib.utexas.edu/maps/ams/iraq_and_iran/txu-pclmaps-oclc-6589753-tabriz-j-38-k.jpg)

۱۵- فرهنگ جغرافیائی ایران (آبادیها)، جلد ۴، استان ۳ و ۴ آذربایجان، سرتیب حسینعلی رزم آرا، انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش، مهرماه سال ۱۳۳۰ شمسی

۱۶- نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن، محمد جواد مشکور، نشر تهران، چاپخانه بهمن، سال ۱۳۴۹ شمسی

۱۷- اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان، امیر هوشنگ انوری، نشر تهران، ندای تاریخ، چاپ اول، سال ۱۳۹۴ شمسی

شکل ۱۴: کتاب نظری به تاریخ آذربایجان و آثار باستانی و جمعیت شناسی آن، ساغالان به شکل سهو ماغالان

#### ۴-۱۴) کتاب اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان، تاریخ نامشخص

در کتاب اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان نوشته امیر هوشنگ انوری نقشه های فراوانی از آذربایجان معرفی شده اند. نام روستا در نقشه ۱۸۹ که در کتابخانه مجلس شورای تهران با شماره آرشیو (m16285) نگهداری میشود، مطابق شکل زیر، ساآلان (Saalan) قید گشته است. همانطوریکه در مقاله ساغالان هم ذکر شده، ساآلان گویش بومی رایج فعلی خود این روستاست و شبیه ترکی استانبولی تلفظ ساغالان میباشد.



شکل ۱۵: نقشه کتاب اطلس تاریخی نقشه ها و تصویرهای جغرافیایی آذربایجان و ساآلان اطلاعات و تهیه کننده این نقشه به هر دلیل در دسترس نیست.

منابع

۱- ساغالان (بازخوانی یک سند تاریخی)، قدرت ابوالحسنی سهلان و جلیل یاری، ماهنامه اوزان، چاپ تهران، شماره ۲۰، فروردین ماه سال ۱۴۰۰ شمسی

۲- دیوان لغات الترك، شیخ محمود کاشغری، ترجمه دکتر حسین محمدزاده صدیق، چاپ اول، نشر اختر، تبریز ۱۳۸۳

۳- ریشه شناسی نام روستای سهلان، قدرت ابوالحسنی سهلان، ماهنامه ائل بیلمی، چاپ تبریز، شماره ۷۸، سال ۱۳۹۵

۴- تاریخ جهانگشای نادری، میرزا مهدی خان استرآبادی، نسخه دیجیتال کتابخانه هندوستان:

<http://ndl.iitkgp.ac.in/document/QTdodkltb1RLQkJOYKYzMW5BaVp3NDdidxPR1JSRTJmU1dy2Z1iUEE4MD0>

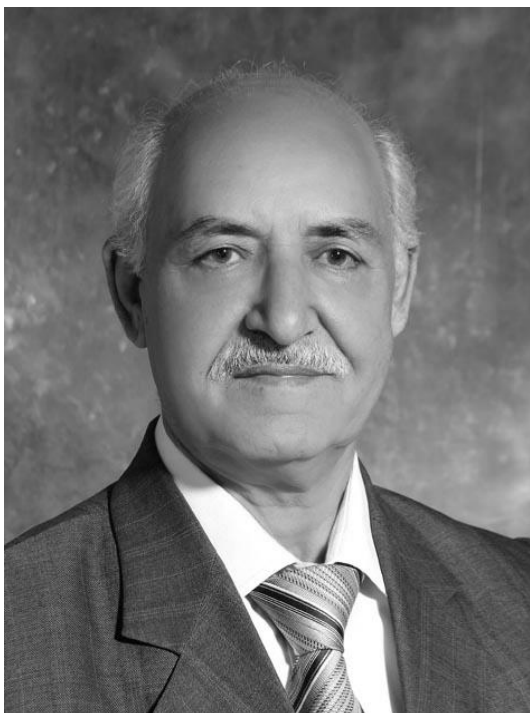
۵- سفرنامه جیمز مویه جلد ۲

[Second voyage en Perse, en Arménie et dans l'Asie \(Mineure: fait de ..., Volume 2](https://books.google.com/books?id=zFJCAAAAACAAJ&pg=PA211&lpg=PA211&dq=James+Justinian+Morier+sahal+an&source=bl&ots=8rzbItPKf&sig=ACfU3U3LElje3j4Mq1HUrXK2QyUodoUGtA&hl=en&sa=X&ved=2ahUKewjh9v)

By James Justinian Morier)

<https://books.google.com/books?id=zFJCAAAAACAAJ&pg=PA211&lpg=PA211&dq=James+Justinian+Morier+sahal+an&source=bl&ots=8rzbItPKf&sig=ACfU3U3LElje3j4Mq1HUrXK2QyUodoUGtA&hl=en&sa=X&ved=2ahUKewjh9v>

## عبدالعلی مجازی (آسلان) آذربایجانمیزین دیرلی فولکلور شیناسی



خدافرین درگیسی امکداشلاری دا  
دیرلی استادیمیزی آد گونو  
مناسیتیله تبریک ائدیر. اوزون عمر  
و جانساغلیغی دیله بیر.

مریم مجازی

۱۳۲۵ نجی ایلین اسفند آییندا تهراندا مهاجرت  
ائتمه مجبوریتینه معروض قالمیشام. ۱۳۴۶ نجی  
ایله تاهل اختیار ائدیب ائولنمیشم، اونون  
حاصیلی ایکی اوغلان بیر قیز دیر.

یوخاریدا یازدیغیم سوزلرین شرحینه گؤره  
کتایمدا چاپ اولان شعرین بیر قسمتینی  
گتیریرم، اولسون کی بو بیتلر بیوگرافیانی  
آچیقلاسین .

اون یاشیمدا منده گلدیم تهرانا  
یولوم دوشدو، لاله زارا، مهرانا<sup>۱</sup>  
قالمیش ایدیم مات و مبهوت حئیرانا  
آیاق آچدیم، اونداهارستانا<sup>۲</sup>  
قالانی سیزر سالین حسابا  
کاغاذ توتماز، گرک یازیم کتابا  
اوندان سونرا، نه لر گلدی باشیما  
فلک گونده آغی قاتدی آشیما  
آنا اولدو، منه خبر گلمه دی  
سانمایین کی، بو خبر بیر کلمه دیر  
ائتدیم کی، آنام چوخدان اولوبدور

۱۳۱۳/۷/۴ ایله آذربایجانین گؤنئی ماحالی،  
شبستر شهرینین شمالیندا، میشوو داغینین  
سولو - چاپلی، چشمه لی- بولاقلی، گول-  
چیچکلی، باغ- باغاتلی، خوش هاوالی اتکلرینده  
یئرلشن شانجان کندینده بیر اثرکن ال صنعتلی،  
مال- داوار ساخلایان، اکینچی لیک ائدن و شال  
توخوماقلا ایمرار معاش ائدن بیرعائله ده آنادان  
اولموشام.

آذربایجانین وضعیتتی قولای اولدوغونا و  
تحصیل ایمکانی اولمادیغینا گؤره ۱۱ یاشیما قدر  
سوادسیز ایمیشم، ۱۳۲۴دن ۱۳۲۵ نجی ایله قدر  
فرقه دمورات زمانی، تحصیل اجباری، عمومی و  
رایگان اولدوغونا گؤره بیر ایل آنا دیلیمده درس  
اوخوماغا نائل اولموشام. ائله بو ایلرده مهربان  
آنامین سؤز- سووندان، باشلارینا گلن قضوو  
قدرلردن، شاهلاردان، خانلاردان، بهی لردن، قدیم  
کندلرین و ائولرین تالانماسیندان، قادینلارین  
قورخودان تندیرلرده گیزلنمه لریندن، باهالیقدان،  
آجلیقدان، طاعون، وبا خسته لیگیندن، دبلردن،  
رسملردن، دوزگونلوکدن، ایماندان، قیامتدن و  
شیرین- شیرین ناغیل لاریندان فایدالانمیشام . ۱۲  
یاشیمدا میلی حؤکومت دییشیلندن سونرا همان



یئنه آرزوم دوشدو قالدی اؤتوشدوم  
 چوخ کتابلار آلیب، بیغیب، اوخودوم  
 کلمه‌لری بیر-بیرینه توخودوم  
 بحث ائله‌دیم<sup>۸</sup> انجمنلر ایچینده  
 سانکی رشیر<sup>۹</sup>، قالیب چۆلده، بیچینده  
 هر نه یازدیم سۆزوم باشا یئتمه‌دی  
 آرزولاریم، یئنه قالدی، بیتمه‌دی  
 گئندمه‌دیم مکتبیمه سون قویام  
 تحصیل اوچون تامارزی‌یام، یانقی‌یام  
 بؤیوک آرزو منه درس اوخوماق دیر  
 درس اوخوماق، سانکی فرش توخوماق دیر  
 شعر یازدیم، اؤز اؤزومه باغلاش‌دیم  
 «اصلانی» یادیم سالیب آغلاش‌دیم  
 اونا گۆره «آسلان»<sup>۱۰</sup> آدی سئچیلدی  
 پالتار تکین دوز اگنیمه بیچیلدی  
 لیاقتیم اولسا اونو ساخلییام  
 «آسلان» اوچون من هامی دان حاقلییام

هر حالدا ۲۵ ایلدن سونرا یئنه درس اوخوماغا  
 باشلایب، ادبی دیپلم آلدیم و سونرا مدیریت و  
 فنی تعمیرات رشته‌لرده دیپلم آلیب و اداره آب  
 تهراندا کارمندلیق ایشینه مشغول اولدوم.

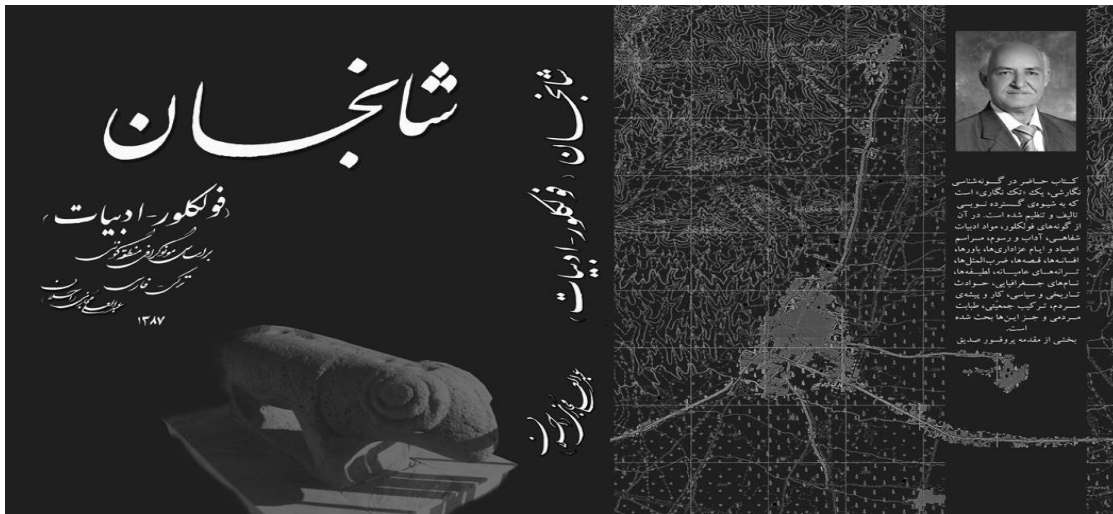
۷۵ ایل تهراندا یاشادیغیما و فارس دیلی و  
 ادبیاتیندا ادبی تحصیل آلمایما و ۲۵ ایل  
 اداره‌لرین دفتر و یازی ایشلرینده ایشله‌مک و  
 مختلف مدیریت و اداری دۆره‌لری گۆردوگومه  
 باخمایاراق، آنا دیلیمده یازیب یاراتماقی اؤزومه  
 بیر یوکسک بورج بیلیمیشم.

اوشاقلیق‌دان تورک دیلینه عاشیق اولدوغوما و  
 بیر ایل ده اوشاقلیق‌دا تورکجه اوخوماغیما گۆره و  
 آنامین شیرین- شیرین لایلالاری سینما پرده‌سی  
 کیمی گۆزومون اؤنوندن کئچر و یادیم دوشرکن  
 هر هارادا روزنامه، کیتاب و نشریه تاپسایدیم،  
 آلاردیم اوخویاردیم و ساخلییاردیم، ایندییه‌دک

نه‌دی- نه وار؟ (سینه‌پهلو)<sup>۳</sup> اولوب‌دور  
 ایکی ایلدن سونرا خبر وئردیلر  
 گولربیمین چیچک‌لرین دردیلر  
 ائشیتدیم کی آنا اولوب ایکی ایلدی  
 قوهوم- قبله، بیر-بیریندن سئچیلدی  
 ایکی ایلده آناسیزام بیلیم‌دیم  
 آغلام‌دیم، گۆز یاشیمی سیلم‌دیم  
 بیلن گوندن دائم قارا گئیردیم  
 فلکه ده اوزو قارا دئیردیم  
 باجی-قارداش، قالیب کتده اوزاقدا  
 یئتمیم اوشاق، او دا قاردا، سازاقدا  
 قورخولو تهراندا<sup>۴</sup> نئجه یاشاردیم  
 ناشیلیغی سوودوم، بیر آز باشاردیم  
 نئچه کرن<sup>۵</sup>، اولوم‌لردن قورتاردیم  
 چوخ قویونو باشا کیمی اوتاردیم<sup>۶</sup>  
 قراریمدا کیشی کیمی، دوراردیم  
 حساب‌لاردا اؤزه زیان ووراردیم  
 باش ساخلا‌دیم یار یولداشین ایچینده  
 دوز یاشادیم، مین اووباشین ایچینده  
 بحث ائله‌دیم، سیاسته قاریش‌دیم  
 کوسموشودوم، دوستلار ایله باریش‌دیم  
 درس اوخودوم بیر آرزوما یئتیش‌دیم  
 آما بؤیوک آرزوم ایله آتیش‌دیم  
 هرئیله‌دیم، بو آرزوما چاتمادیم  
 آما هئچوقت هدفیمی آتمادیم  
 بیر آز یئنه، درس اوخودوم اولمادی  
 بیر قیراندان<sup>۷</sup> چوخ سحره قالمادی  
 مجبور اولدوم تحصیلی ترک ائله‌یم  
 تحصیل اوچون عهدیمی برک ائله‌یم  
 ایگیرمی بئش ایل او زماندان گئچنده  
 ائوله‌نیبم آرواد اوشاق ایچینده  
 تحصیل آلیب درس اوخودوم تازادان  
 ائله بیل‌کی، اوندا اولدوم آنادان  
 گئجه گوندوز درس اوخودوم یاتمادیم  
 هئچوقت علمی آیری زادا ساتمادیم  
 عالیم‌لره، گئتدیم، گلدیم، قاتیش‌دیم



- نئجه دؤنه يازديقلاريم و كيتابلاريم جيريلىب
- ايسلانيب و يانيبدير، يئنه او مسئلهلره باخمايلاق، انقلابدان (۱۳۵۷ش) بويانا تورك ديلينده هر نه كيتاب، روزنامه و درگى چاپ اولوبدور، چالشميشام كي آليم، اوخويوم و ساخلاييم. ايندى ۸۸ ياشيمدا و گوزلريمين خستهليگينه باخمايلاق اؤز ائو كتابخانامدا اوخويوب يازماقلا باشيمي قاتيرام.
- توركون تكميلي ادبي ديليني اؤيرنديگيم اوستادلاريمدان مرحوم دكتور تيمور پيرهاشمي، دكتور حميد نطقى، پروفيسور محمد تقى زهتابى، پروفيسور غلامحسين بيگدلى، پروفيسور حميد محمدزاده، اوستاد عبدالكريم منظورى خامنه، دكتور على كمالي، على تبريزى، دكتور جواد هيئت، دكتور حسين محمدزاده صديق، اوستاد يحيى شيدا و اوستاد محمد على قوسى فرزانه و... آدلاريني قيد ائتمهلييم.
- آنادان اولدوغوم كندين(شانجان و شبسترين) ادبيات و مونوگرافياسيني «شانجان- فولكلور و ادبيات» آدلى كتابيني ۶۵۰ صفحهده يازميشام كي ۱۳۹۰ ايلين بهمن آييندا انتشارات اندیشه نو توسطى ايله چاپدان بوراخيليب. شانجان كيتابيندا بو موضوعلارى اوخويا بيلرسيز:
- گونئى منطقه سيندن جغرافى و اقتصادى بير تحقيق
- آذربايجان و گونئى فولكلوروندان اؤرنك
- چيله مراسملرى
- آخر چرشنبه و چرشنبه آخشامى: (بازارا گئتمه، چرشنبه ليك، اؤد يانديرماق، كلید سالماق، تاباق آپارماق، باجاليق يا شال ساللاماق، قاشق چالما، بؤرك آتما، سودان آلتانماق، يومورتا بويماق و يومورتا دؤيوشدورمك و ...)
- نوروز بايرامينين تاريخى مسئلهلرى و مراسملرى: (چيل ياسين سويو، نئيسان سويو (آب نيسان)، سايلار و سايانچيلار، كؤسالار و كؤساجيلار، تكه چيلر، چؤمچه خاتون و ساير...)
- چاووشلار، درويشلر، تشكيل دولانديرانلار، باشاق ييغانلار
- دبلر، ادبلر، ايناملار و افسانهلر: (قورخو توكمك، دعا يازماق، يومورتا يازماق، يئره ميخ چالماق، جين وورماق، ال آروادى، قارا باسملار و ...)
- آذربايجان فولكلوروندا ناغيللار
- معاصر دؤورده يارانان فولكلور
- گولمه جهلر
- اوشاق فولكلورو
- پئشهلر: (توكانچيليق، آل وئرچيليك و تجارت، مالدارليق، اكينچيليك، قوروقچو



ایلدن باشلانیب ایندییه قدر (۱۴۰۱ شمسی) ادبی درنگرده مستمر ایشتیراک ائدیپ و شعرلر تقدیم ائتمیشم کی، بیر آزی شانجان کتابیندا چاپ اولوب و قالان شعرلر و مقاله لیریمی اگر عؤموردن قالارسا اونلاری دا چاپ ائده جگم. باکی شهرینده اولان «یازیچیلار بیرلیگی» نین فخری عوضوو و تهراندا «صابیر ادبی انجمن» و شبسترده «انجمن ادبی شیخ محمود شبستری» نین ده عوضوویام.

صابیر رستمخانلی، نصرت کسمنلی، محمد آراز، بختیار وهابزاده و گول نیگار رحیملی نین شعرلرینی عرب الفبامیزا کؤچورموشم و مهد آزادی روزنامه سینده چاپ اولوبدور. همچنین عزیزه خانیم جعفرزاده نین یازدیقی عاشیق پری مجلسی نین شاعره لریندن گولشاد خانم و سایره لریندن ده کؤچورموشم کی اونلار دا مهد آزادی روزنامه سینده چاپ اولوبلار.

میرزا عباسعلی واثقی «واثق» نین بیوگرافیسی و شعرلرینی ییغیب اونو غروب مجله سینده معرفی ائتمیشم.

فولکلور ساحه سینده «سایالار، کوسالار، قوچ قاتما، دول گلمه، ساغین، قیرخیخ» و «نوروز بایرامی و آخیر چرشنبه مراسیملری، چیلله گنججهری، چیل یاسین سویو، نیسان سویو»، و «اکین و بیچین دبلری، ایناملار، افسانه لر، روایتلر، ناغیللار، توپلار،

بوستانچیلیق، پتکچیلیک، شالچیلیک، باغدارلیق، بینا سالماق، دییرمانچیلیق، داغچیلیق، تورپاقچیلیق، دلک (سلمانی)، حامامچیلیق، پینه چیلیک، داشچیلیک، چلنگر و چوبتچی، چرچی خیرداجی، اووچولوق، کهلیک توتماق، غربت چیلیک و مکتوب گلمه)

- ائل طبابتی: (بوغاز باسما، قولاق چیرتماق، قارین باغلاما، سینیق چیلیق، حجات و ...)
- ساخلامالار: (سود، یوقورد، پنیر، آلمالار، قاخلار، قووون - قارپیز، میلاق (اوزوم)، قوز - بادام، کیشمیش، قووورما، دری ساخلاما، رشته کسمک، لپه، یارما و ...)
- گونئی منطقه سی حادثه لرده: (جیلوولار، قیتلیق ایلر، ملی تاریخلر، چالدیران موحرابه سی، قیز قالاسی و قیز کؤرپوسو و ...)
- گونئی ادبیات تاریخیندن اؤرنک
- مؤلفین عمومی و اختصاصی شعرلری: (مشاعره لر، تعریفلر، غمنامه لر، دانیشیقلا و ...) و سایر موضوعلار...

قید ائتمه لیم کی «انجمن ادبی استاد شهریار»، «گونئی مدنیت اوجاغی» و «میشوو کولتور درنگی» نین مؤسس عضولریندن اولموشام. ۱۳۶۲



گله‌جه‌گینه اولوسلار آراسی فولکلور سمپوزیوملاری»-ندا ارائه ائتمیشم.

-ژانویه ۲۰۰۳ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله‌جه‌گینه بیرینجی اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی» سایالار و کوسالار مقاله‌سی؛

-مارس ۲۰۰۴ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله‌جه‌گینه ایکینجی اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی» نوروز بایرامی مقاله‌سی؛

-نوامبر ۲۰۰۵ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله‌جه‌گینه اوچونجو اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی»، آخیر چرشنبه و آخیر چرشنبه آخسامی شبستر ماحالیندا مقاله‌سی؛

-نوامبر ۲۰۰۶ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله‌جه‌گینه دوردونجو اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی»، آذربایجان و گونئی منطقه‌سی‌نین فولکلوروندان اورنک: چیلله مراسیم‌لریندن، چارچار، چیلله، کیچیک چیلله، جریان بولاق، کوسالار.

-اکتبر ۲۰۰۷ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله‌جه‌گینه بئشینجی اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی»، آذربایجان و گونئی منطقه‌سینین فولکلوروندان اورنک: کوسالار و کوساچیلار، کوسا بی‌لرین تعریفی، تکه‌چیلر، چووش یا چووش، درویش‌لر، شکیل دولاندیرانلار، باشاق ییغانلار.

-نوامبر ۲۰۰۸، آذربایجان فولکلوروندا ناغیل‌لار، ناغیل‌لارین باشلانیشی و قورتالیسی، کئچل و قاضی، اشرف عمی‌نین ناغیلی.

یاسلار، آغی‌لار، قارقیشلار، چووشلار و اوشاق فولکلورو و شعرلری» باره‌ده و گونئی‌ده توی مراسیم‌لرینی، اویون‌لارینی، شنلیکلرینی و فولکلوروموزون نئجه داوام تاپماسینی، عاشیق‌لارین سالی سؤزلرینی و سالی ناغیل‌لارینی، تاپماجالارینی و آیری-آیری قونولاردا تحقیقات آپاریب و مقاله‌لر یازمیشام کی مختلف درگی‌لر و قزئت‌لرده چاپ اولوبدور. اولناردان نئجه‌سینی‌ده قید ائدیرم کی، هله‌لیک کتاب شکلینده چاپ اولماغا ایمکان تاپمایبلار.

- اؤز خاطرهلریم (تلخ و شیرین) فارسجا ۲۵۰ ص؛ - سون اون ایله یازدیغیم شعرلر؛

- زلیمخان یعقوبون «من بیر داغ چایی‌یام» و «ؤلمپه گئدن زلیمخان» کتاب لارینی عرب الفباسینا کؤچورموشم کی هله چاپ اولمایبیدیر. آشاغی‌دا آدلاری گلن درگی‌لر و گونده‌لیکلرین هامی‌سی دفعه‌لرله فولکلور ساحه‌سینده منیم یازدیغیم مطلب‌لر و شعرلریمی چاپ ائدیبلر:

ارمغان آذربایجان، وارلیق مجله‌سی، اختر، مهد آزادی، فروغ آزادی، یول، اسلامی بیرلیک، نوید آذربایجان، فجر آذربایجان، جوالدوز، دیلماج، ائل بیلمی، بهار زنجان، بایرام زنجان، سینای همدان، پیام شبستر، میشوو هفته‌نامه‌سی، گونئی مدنیت اوجاغینین داخلی نشریه‌سی، میشوو کولتور درنگی‌نین داخلی نشریه‌سی، آذری، خوی نگار، تپش قلم، آغری، خدافین، غروب.

بورادا قید اولونان مقاله‌لری، آذربایجان رسپوبلیکاسی‌نین فولکلور انستیتوتوندا کئچیریلن «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک



فولکلور قیلاوووزو، گولدورلو ولینین، بهروانین و صمد مرادینین شعر مجموعهسی، محمد رضا کریمینین آذربایجان فولکلورو، هاشم ترلانین گوموشو پنچک کتابی، حسن جعفرزادهنین آتالار سوزونون کؤکو، و علی دنیابینین عؤموردن اؤتن ایلر کتابی.

سحر تلویزیونونودان پخش اولونان نئچه برنامهده ایشتیراک ائدیب و فولکلوروموزا راجع جانلی دانیشیق آپارمیشام.

۱۳۶۸- دن تقاعددا یاشاماغیما باخمایاراق، اوتوز ایله یاخین گونئی منطقهسی و خصوصی ایله آتا-بابا یوردوم و اورکدن سئودیگیم شانجان کندی و گونئی منطقه سینین مونوگرافیا سین، تاریخ ادبیاتین، فولکلورون، اونلارا قوشدوغوم شعرلری و آتا-بابا سؤزلرینی الیمدن گلن قدر یازیرام.

گونئیده توی مراسیملرینی، اویونلارینی، شنلیکلرینی و آیری کندلرده فولکلوروموزون نئجه داوام تاپماسینی، عاشیقلارین سالی سؤزلرینی و سالی ناغیللارینی، تاپماجالارینی یازماقلا باشیمی قاتیرام.

## آذربایجان اوغلو

آذربایجان اوغلو شانجانلیام

عطیرلی دیر یوردوم باللی شانلیام

افتخاریم بو دور دوز نیشانلیام

ؤز یولومد دوز گئدرم قورخمارام

هنج اغیارین قیهاسینا آخمارام.

آذربایجان اوغلو من مجازی یام

وفالی ائلترین من بیر آزی یام

گونئی ماحالینین اینجه نازی یام

من دئییرم هامی گرک دوست اول

انسان گرک دوستلاریلا راست اول.

آذربایجان اوغلو اسلانام بیلین



نوامبر ۲۰۱۰ «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله جگینه آلتینچی اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسی»، شبستری حسین (حسین کرد شبستری) پهلوانین حیدرآباد سفری.

بو کنفرانس لاردا ارائه ائتدیگیم مقاله لرین هامیسی «اورتاق تورک کئچمیشیدن اورتاق تورک گله جگینه، اولوسلار آراسی فولکلور کنفرانسینین ماتریال لاری» کیتابلاریندا چاپ اولونوب. قید ائتمه لییم کی، بو کنفرانس لارین هامیسی آذربایجان میلی علملر آکادمیاسی (AMEA)، فولکلور اینستیتونون طرفیندن کئچیریلیب.

ترکیه ده ۲۰۱۱-جی ایل ژانویه آیینین ۱۰-دا حاجی بکتاش ولی کولتور درنگی طرفیندن کئچیریلن «اولوسلار آراسی، حاجی بکتاش عاشورا گونو» کنفرانسیندا، محرمده عاشورانین تاریخسل مسئله لری حاقدا مقاله ارائه ائتمیشم.

آدی گلن کیتابلاری تصحیح ائتمگه ایمکان تاپمیشام: مئشین کیتابی، دده قورقود کیتابی،

پاريلدايان و نورلا دۇلان يئره راست گلنده آغزى  
آچيق قالاردى.

۲- بهارستان: همان بهارستان مئيدانى كى؛ ميللى  
شۇرا مجلسى اوردادى، اۇردا هر گون نمايش،  
ميتىنگ، چيخيش و تظاهرات اولاردى.

۳- سینه پهلو: فارس ديليندهدير، انسانين  
سینهسینه سۇيوق دگنده تنگه نفس اولار و  
سینهسى آغرييار، ائله بو ساده مسئلهيه گۆره انا  
اؤلوموشدو.

۴- قورخولو تهران: تهران مخوف آديندا بير كتاب  
وار، اونو اوخويون! او زمان تهرانين ان قورخولو  
زمانى ايدى. هرگون چوخلو اوشاق يا بۇيوك آدام  
يۇخ اولاردى، ساواشماق، اوغرولق و ظولوم  
حددن آشميشدى. اصغر بروجردى (اصغر قاتيل)  
معروف ۱۳ اوشاغين باشيني كسميشدى كى  
اعدام اولدو.

- نئچه كرن: نئچه مرتبه: دفعه: دؤنه - دؤنه.

۶- باشاكيمى اوتارديم: تورك مثل لريندن  
بيريدير، او دا منفي يئرده ايشلنر، دئيرلر  
«فلان كس كيمسнин قوينون باشاكيمى  
اوتارمايبيدير» آما من باشا كيمى اوتاريرديم.

۷- بير قيران: اوشاقلينغيمدا تهراندا درس  
اوخوياندا، او قدر بئكار قالديمكى، يالنيز بير (۱)  
ريال وار دؤولتيم قالميشدى، اونا دا بير دنه  
چورك وئرديلر. اونا گوره يئنهده تحصيلى ترك  
ائتديم.

۹- رشبر: رنجبر سؤزونون توركلشميشى، بورادا  
اكينچى يئرینه ايشلنير و بورادا، اونون گون  
قباغيندا تكجه و يالقيز و كؤمكسيزجهسینه  
چالشماسينا اشارهدير و منيم ده يالقيز جا ....

۱۰- آسلان شانجان: جوان قارداشيم امير اصلانين  
اؤلومونه گوره آسلان تخلص ائديرم.

عاشقى يم يوردون هم انا ديلين  
گلين اورگيمدن بو پاسى سيلين  
اوندا يوز ياشارام ائللر ايچينده

### ائل يادىما دوشوبدور

شانجان دياريندان اوزاغام دوستلار  
داريخميشام، ائل يادىما دوشوبدور  
دوستلاريم بير دسته گول باغلاديم  
اوزاق - اوزاق يول يادىما دوشوبدور  
گزدىگيم او يئر يورد، ياشيل چيمنلر  
عطير ساچان گول يادىما دوشوبدور  
تورپاغينا قوربان انا يوردومون  
ميشو داغى ذيل يادىما دوشوبدور  
انام منه لايلى دئييب بو يئرده  
اوندان قالان ديل يادىما دوشوبدور  
سوسنى لر گوى چيمنلر سۇيودلر  
تحويلدارين گؤل يادىما دوشوبدور  
جوانلىق چاغيمدا گزدىگيم يئرلر  
مغان ايله ميل يادىما دوشوبدور  
سولو چايلى چؤل يادىما دوشوبدور  
«اسلان» ام دئييرم اورك سؤزومو  
بهار فصلى سئل يادىما دوشوبدور  
عبدالعلى مجازى «اسلان»

۱۴۰۰/۱/۲۲

ايضاحلار:

۱- لالهزار و مهران كوچهسى: ايكي شلوع خيابان  
و كوچهكى، قديم تهرانين ان بيرينجى گرمهلى  
يئري ايدى و منيم كيمي كند اوشاغى، و كنده  
بئش ليك لامپادان باشقا بير چيراغ گۆرمهين آدام،  
ايندى بو جوهره گؤزل و برقين ايشيغيندان هر يان

## میرزا علی اکبر صابر

رحمتلیک پروفیسور دکتور حسین

محمد زاده صدیق (دوزگون)

قید ائتمه لیم کی اونون مرآت، فاضل، آغلار گولن، ابونصر شیبانی، سودایی، بوینوبوروق، هوپ هوپ و صابردن علاوه بیر امضاسی دا دین دیره گی ایدی.

صابر ایکی جبهه ده ساواشان بیر مبارز مسلمان شاعر ایدی. ایلك جبهه آوروپا و روس تبلیغاتینا آلدانانلار کی ظاهرده اؤزلرینی ترقی پرور گوسترسه لرده، مسلمان ملتیرین بیری - بیریندن آیریلما سینی اؤزلرینه هدف ساییردی لار. ایکینجی جبهه خلقین پاک و معصوم مذهبی احساساتیندان سوء استفاده ائدن خرافه و اوهام تبلیغ ائدن ملانمالار کی حتی نئجه کی سید عظیمی، صابری ده تکفیر ائتدیلر.

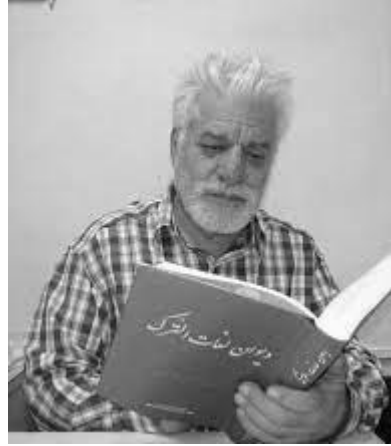
او سون نفسلرینده فارسجا بیر رباعی ده دئییر:

راهم بدهید رو به راه آمده ام،  
بر درگه حضرت الاله آمده ام.

بی تحفه نیامدم، نه دستم خالی است،  
با دست پر از همه گناه آمده است.

۲. ایکینجی بو کی صابر اؤز نفسی ایله جهاد ائتمیش یعنی «جهاد نفس» اصلینه رعایت ائتمیش و مجاهد بیر مسلمان کیمی فداکارلیغا باشلامیشدیر. علی اکبر ده خدا بو ساحه ده یازیر:

«صابر مجدد بزرگ ادبیات ترکی آذربایجانی است. وی، اشعار را وسیله ی ستایش و تملق گویی به این و آن قرار نداد و به روش مستقیم رئالیزم و حقیقت پرستی به اصلاح جامعه و انتقادات مؤثر پرداخت و طبع خلاق و مصور او به نقاشی و مجسم کردن عیوب معاصر در شکل و مقیاس بسیار برجسته و جالب توجهی آغاز کرد و با ریزه کاری های بسیار دقیق و ظریف حقایق را برملا



صابر تخلص ائدن میرزا علی اکبر طاهرزاده ۱۲۷۸ هـ. ده دنیا یا گل میش و ۱۳۲۹ هـ. ده وفات ائتمیشدی.

۱. اولاً بو کی صابر مسلمان شاعر دیر، داهای دوغروسو او اهل بیت<sup>(ع)</sup> شاعری ایدی. مذهبی بیر عائله ده دنیا یا گل میشدی اوشاقلیق و یئنی یئتمه ایلرینی مکتب خانادا قرآن و ادبیات اوخوموشدور، جوانلیغیندان نوحه یازماغا باشلامیشدیر و بیر طرفدن ده سید عظیم شیروانی نین شاگردی اولموش و حقیقی اسلامی یاخشی تانیمیشدی هم اسلام دشمنلری و همده اؤزلرینی مسلمانچیلیغا ووران ریاکارلاری و همده جوره جوره خرافه لری اسلام دینی آدینا تبلیغ ائندلری افشاء ائدیردی. او، فلسفی، تعلیمی و مذهبی شعرلری یانیندا طنز ی اؤزو اوچون ان مهم مبارزه ساحی سئچمیشدی.



دئییرم هجو، سؤزوم دوغرو، کلامیم شیرین،  
اهل ذوقه وئررم نشئه بو خوش شربتدن.

۳. اوچونجو بو کی صابر اؤزونون دئیگی  
کیمی «آجی گولوش» و یا طنز  
شاعریدیر. آروپالیلارین ساتیرا Satire  
دئیگی بیری ادبی قول، بیز طنز  
دئییریک. یعنی طنز، «گولوش» مقوله  
سی نین بیری قولو سایلییر. لکن ایراندا بو  
کلمه بیری بیرله چوخ فرقلی اولان  
معنلار داشیمیشدیر. ادبیاتین گولوش  
بؤلومو و قولوندا ایچه ریک، محتوا و  
اوینادیغی رول باخیمیندان نچه فرعی

دالار و شاخه لر واردیر. مثال اوچون:

۱. مزاح ۷. استهزا ۸. مسخره ۱۴. ظریفلیک یا  
ظرافات
۲. شوخلوق ۹. نیشخند ۱۵. کمدی
۳. هزل ۱۰. یانشاقلیق ۱۶. اله سالما
۴. هجو ۱۱. گه وه زه لیک ۱۷. طنز یا  
آجی گولوش
۵. جوک ۱۲. فکاهی ۱۸. اوغازا قویما  
۱۹. لاغ ائتمه

۱. هر بیری اؤزل و خاص بیری موضوع و محتوا  
داشییر. مزاح ساده جه گولدورمک و طرف  
مقابله بشاشلیق و سئوینج ایجاد ائتمه اوچون  
ایشله نر و اوندا هئج بیری سیاسی، اجتماعی،  
توهین، تهجین اولماز. مثلا عالیملر و معلملر  
اوزون موعظه و درس زمانی، سؤزون اورتاسیندا،  
موضوع ایله اویغون بیری گولمه لی جمله دئمکله،  
هامی نین هم گولمک و بشاشلیقلارینا سبب  
اولارلار و همده دانشیلان سؤزه توجه و دقت  
چکرلر.



ساخت و مبتکر طرز ادا و شیوه ی بیان خاصی  
شد. وی از افکار و از نویسندگان عصر خود، قرن  
ها پیش افتاد و در تشریح مسائل اجتماعی و  
سیاسی ید بیضا کرد و یکی از طرفداران جدی  
آزادی و حکومت مشروطه بود و در ریشه کن  
کردن استبداد، همه را تحریض و ترغیب کرد.  
جرائد و مجلات وقت مانند: حیات، فیوضات،  
رهبر، دبستان، ملانصرالدین، الفت، ارشاد، گونش  
صدا، حقیقت، یئنی حقیقت و معلومات از نبوغ  
قلمی وی استفاده می کردند.»

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی الذریعه اثرینده و  
مرحوم مدرس تبریزی ریحانه الادب تذکره  
سینده اونو اصیل ایرانلی ساییرلار. مرحوم مدرس  
یازیر: «صابر در مدیحه گویی دروغ اکابر صرف  
وقت ننموده و در جواب اشخاصی که به عدم  
قدرت او در این باب طعن می کرده اند. می گفته  
است:

«اگرچه در مدیحه گویی دروغ به طمع پول  
مقتدر نیستیم. لکن در هجو صادق بسیار مقتدر  
هستیم.» و این اشعار را انشاء نمود:

شعر بیری گوهر یکدانه ی ذیقیمتدیر،  
سالمارام وصف دروغ ایله اونو قیمتدن.

دالیر و فسادہ پردہ سی نین دالینی گؤرور، غم، غصہ و غضب حسلری کئچیریر.

طنزین مهم اؤزلیگی بودور کی صنعتکارلیق ایله ایکی ضد بیر اینانچ، عقیده، رسم و عادت ییری - بیری نین قارشیسیندا قویور و ایکیسیندن بیری نین ایگرنج اولدوغونو آندیریر.

صنعتکار شاعر طنز مقوله لی شعر و نثر اثرینی ائله یازیب یارادیرکی اوخوجو اورادا طنزی حس ائدیر و ایکی ضد اولان ایده یانی قارشلی قارشیا قویور.

طنزده سئوینج قهقهه سی یوخدور، بلکه آجی گولوش واردیر. طنزده اولان گولوش، شماتت و اعتراض گولوشودور و اصلینده اجتماعی بیر تنبه دیر.

صابرین طنزینده آشاغیداکی مقصدلر هدف توتولوبدور:

۱. ظلم و فسادا و ریاکارلیغا اعتراض و تنقید.

۲. موجود وضعیتینی اصلاح ائتمه و دگیشمه قصدی.

۳. جهالت اساسیندا قورولان عادت و سنتلرین افشاء ائدیلمه سی. طنزده توهین، تهجین و تنبلیکدن حاصل اولان گولوش یوخدور. طنز یازانین مقصدی خدمت و اصلاحدیر. طنز یازان عیب لری نمایش وئرمیر بلکه مخاطبینی اونلاری رفع ائتمگه تحریک ائدیر.

### سمبولیزم و تیپیک طنز

طنز، هجو کیمی بیر خاص شخصی نظره آلمیر و قصدی بیر منفور و گولونجک اجتماعی تیپی افشاء ائتمکدیر. مثلا اگر صابر محمد علی شاهین عمللری و ایشلرینه طنز یازیر، اونو تیپیک بیر

۲. هجو ایسه مدح سؤزونون ضدی کیمی ایشله نیر. هجوده ده گولوش وار، لاکن اونون موضوعو بیرینی و یا هر بیر زاده تعریفلمه یئرینه پیسلمه و آشاغیلاما واردیر. یامان یاووز و مسخره لر ایله دولودور و حتی اوندان توهین و تهجین واردیر.

۳. هزل ایسه جدّ سؤزونون ضدی دیر. بورادادا یاناشقلیق و یاوا دانیشما و گه وه زه لیک اوستونلوک داشیبیر و هزل یازانین هجج بیر انسانی و تعلیمی قصدی اولماز.

۴. جوک گولوش مقوله سی نین ان آشاغی سویه لی دالی و شاخه سی سایلییر. جوک دئییه یین قصدی اؤزونون منسوب اولدوغو توپلومون، بحث موضوعو ائدن بیر باشقا توپلوم قارشیسیندا کیچیک لیک و آلچاقلیق حسّ ائتمه سینی جبران مقصدی ایله او قوم، ملت و توپلومو آشاغیلاما قصدی ایله قوراشدیردیغی بیر گولمه لی سؤزه دئییریک کی البته بورادا یالیز بیر طرف گولور و ایکینجی طرف یعنی مخاطب و یا بحث موضوعو اولان هر کس ناراحت و اینجیک حالا گلیر. نئجه کی مرحوم شهریار «الا تهرانیا» شعرینی بو اینجیک لیک اساسیندا یازمیش. جوکدا تهجین، توهین و آشاغیلاما واردیر.

لاکن طنز، درین و بؤیوک معنا داشیبیر و طنز یازما اوچون فداکارلیق، شجاعت، قایغی کئشلیک و اجتماعی - سیاسی مبارزه روحولازمدیر. جمعیت آراسیندا اولان هر بیر توپلوم و هر بیر صینیفین ظلم، فساد و اگریلیک لری نتیجه سینده بروز ائدن آجی حقیقت لری گولوش یولو ایله افشاء ائتمک سایلییرکی جدّی و رسمی شکیلده دیله گتیرمک اولماز.

طنزده انسان اول گولمگه باشلابیر و یاواش یاواش گولوش دوداقلاریندا سولور و انسان دوشونجه یه

میرزا علی اکبر صابریں اوستادی سید عظیم شیروانی نین یارادیجیلیغی نین گۆزه چارپان بیر حصه سی طنز و ساتیریک شعر و نثرلیدی. حتی او بو مقوله ده «سیچان و پیشیک» منظومه سینا ده یاراتمیشدیر.

#### ۴. صابر یارادیجی و خلاق بیر شاعر دیر.

#### ۱-۷. ایکی دوره

صابریں ادبی یارادیجیلیغی ایکی دؤورانا بۆلمک اولار:

بیرینجی دؤوران ایگیری ایله یاخین سورموشدور. یعنی اونون شعر دئمه گی و شاعرلیگی نین باشلانغیجینی اون اوچ یاشیندان حساب ائتسک، او، ایگیری ایله یاخین، یعنی اوتوز اوچ یاشینا قده ر (۱۲۸۴ ش. / ۱۹۰۵ م.) یالنیز شاماخی شهرینده تانینان بیر یاخشی نوحه، مرثیه، طنز، غزل و قصیده یازان یئرلی شاعر کیمی ایدی.

اونون چاپ اولان ایلک شعری ۱۹۰۵ نجی ایل شرق روس روزنامه سی نین نشری مناسبتی ایله یازدیغی تبریک شعری دیر. همین روزنامه بو شعرین باشیندا بئله یازمیشدیر:

«شاماخیلی علی عظیم اف برادریمیزین اداره میزه خیرخواهانه مکتوبوندان لقینده کی صابر تخلص لو بیر شاعرین کلامیدیر.»

ایلک چاپ اولان شعر بئله باشلائیردی:

شکر الله کی آفتاب سخن،

شرق معنادان اولدو چهره نما.<sup>۱</sup>

اونون ملانصرالدین مجله سینده نشر ائتدیگی ایلک شعر بودور:

سس سالما یاتانلار آییلار قوی هله یاتسین،

اجتماعی عامل کیمی و ظلم و فسادین سیمبولو کیمی نظرده توتور.

اصلینده طنز، اعتراض و فریاددان دوغور، ائله اعتراض کی ادبی و صنعتکارانه بیر دیل ایله بیان اولور.

شاهلیق استبدادی، اربابلیق و فئوداللیق حاکمیتی، جهالت و ساوادسیزلیق، خرافه لره اینانماق، خصوصیه خرافه پرست، قادین لار، ریاکار ملانمالار، اعتیاد و آلیشقانلیق، چوخ آروادلیلیق، تاجرلرده انصاف سیزلیق، باهالیق، یئنی علملره یئیلنمه حرکاتی و بو کیمی مسألر، اونون طنزی نین اساس موضوعلاری ساییلیر.

آذربایجان ادبیاتیندا طنز بیر چوخ شاعرلریمیزین اثرلرینده ایشله نییدیر.

صائب اعتقادی بیر طنزده دئییر:

اعتقاد تو به زر بیشتر از اعجاز است،

فال مصحف پی تذهیب طلا می بینی!

و اجتماعی سیاسی طنزده:

شرم و حیا چو لازمه ی چشم روشن است،

این کور باطنان ز چه شرم و حیا کنند؟

بر هر طرف که روی نهند این سیه دلان،

در آبروی ریخته ی خود شنا کنند.

دنبال زرد رویی حرص اوفتاده اند،

چون برگ کاه پیروی کهربا کنند.

مصحف به زیر پای گذارند از غرور،

دستار عقل از سر جبریل واکند.

هر جا که بگذرد سخن از سوزن مسیح،

خود را به زور جاذبه، آهن ربا کنند.

صائب بیر شعرینده طنزی اصلینده نصیحت

آدلاندیریر و اونون مدح، هجو، هزل و طمعدن

فرقلی اولماسینا - تأکید ائدیر:

از مدح و هجو و هزل و طمع شسته ام ورق،

پند و نصیحت است سراسر کلام من.

<sup>۱</sup> بو معلومات اوچون باخ: صابر گولور، ص ۱۳.

دگیشیک حالا سالماق و دالی قاباق ائتمک. بو  
اوزه للیک صابردن قاباقلکی شاعرلرده گؤرونمه یین  
و سابقه سی اولمایان بیر حال ایدی.  
سن کی شریعت چی سن، ای بینوا،  
قیل حیا!  
شرعده آخر نه بیر احسان دا وار،  
حق مسلمان دا وار،  
ایندی گئت انصاف ائله.

۲-۲-۷. بوتون شعر فورمالاریندا طولی  
وحدت یاراتماق. بئله کی بیر قطعه شعرین  
بوتون بیتلرینده معنا باغلیلیغی ساخلانیلیر. حال  
بوکی قاباقلکی شاعرلر هر بیتده خاص مضمون و  
معنا حفظ ائدیردیله و شعرده عرضی وحدت وار  
ایدی.

من بیلمز ایدییم بختده بو نکبت اولورموش،  
عزت دؤنوب آخردا بئله ذلت اولورموش.  
چرخین عجباً سیری ده مین بابت اولورموش،  
ملت آیللیب طالب حریت اولورموش.  
ملتده ده یاھو بئله بیر غیرت اولورموش،  
گئتدی منیم ملت الیمدن،

توپراق باشیما چیخدی بوتون عزت الیمدن.  
۳-۲-۷. هر جوره ابتدالان اوزاق گزمه. بئله  
کی شاعر اؤزونو مجبور و موظف ائدیردی درین  
اجتماعی- سیاسی مضمونلاری شعره داخل ائله  
سین. اونا گؤره هر مصراع و هر بیت اوخوجونو  
فکره و دوشونجه یه وادار ائدیردی.

۴-۲-۷. تکرار اولونمازلیق. بئله کی صابر شعر  
مکتبینه مضمونلار یئنی دیر، تکرار اولونماز دیر و  
قاباقلجاندان اوخوجو مضمونون نه اولدوغون حدس  
وورا بیلیمیر. حال بوکی صابردن قاباقلکی شاعرلرین  
شعرلری نین مضمونلاری، یار و دلداردا خلاصه  
اولوردو و اوخوجونون قولاغی دولو ایدی.  
مثال اوچون بعضی غزللری نین مطلعلری:

یاتمیشلاری راضی دگیلم کیمسه اویاتسین.  
تک تک آپیلان وارسادا حق دادیمه چاتسین،  
من سالم اولوم، جمله جهان باتسادا باتسین.  
ملت نئجه تاراج اولور  
اولسون نه ایشیم وار،  
دشمنلره محتاج اولور  
اولسون نه ایشیم وار؟

بو شعر ایله صابر یارادیجیلیغی نین ایکینجی  
دؤورانی باشلاپیر. خصوصیه بیر ایل سونرا  
ملانصرالدین نشریه سی و اونون آردینجا چیخان  
نشریه لرده دواملی و دالبادال چاپ اولان صابرین  
شعرلری بو دؤورانین محصولودور.  
صابر یارادیجیلیغی نین ایکینجی دؤورانی بئش  
ایل چکدی و بو بئش ایله، او، عباس صحت  
دیلیجه دئسک: شعرده عظیم بیر انقلاب وجودا  
گتیردی.

صابرین بو بئش - آلتی ایلیک دؤورانین دا  
یازدیغی شعرلری، اوندان قاباق بوتون قرنلر یازان  
شاعرلرین هئچ بیرسی نین شعرلرینه بنزه  
میردی. اونون شعرلری، تامامیه، هم شکل و قالب،  
و هم مضمون و محتوا باخیمیندان یئنی ایدی و  
بئله لیکله یئنی صابر مکتبی یارانماغا  
باشلامیشدیر.

۲-۷. صابر شعری نین خصوصیت لری  
صابر شعر مکتبی نین ایلك اؤزه للیگی و  
خصوصیتی، اسکی شعر فورمالاریندا دگیشیکلیک  
لر یاراتماقلا برابر، فورمالارا عائد اولان سنتی  
مضمونلاری دگیشدیرمه ایدی. صابر شعر مکتبی  
نین سبک و اسلوبوندان دانیشارکن بعضی اؤزه  
للیک لرینی بئله سایا بیله رم:

۱-۲-۷. شعر مصراعلارینی آرتیقلی (=)  
مستزاد) حالینا گتیرمک و بونولا برابر، قافیه لری



و حقیقی دینی اینانجلاری محکم لندیرمگه چالیشدی.

هر نه وئرسن وئر مبادا وئرمه بیر درهم زکات، قوی آجیندان اؤلسه اؤلسون بینوا کندلی وقات.

\*

قارداش بیله جک بیر - بیرینی شیعه و سنی، هر امرده هم رای و هم افکار اولاجاقدیر.

\*

۸-۲-۷. صابر سبب اولدوکی منحرف و ساپیق عشقندن سؤز ائدن ابتدالچی شاعرلر، یاواش - یاواش قیراغا چکیلسینلر و فیلسوفلار، متفکرلر، واعظ لر، ناصح لر و دوشونجه صاحبلری شعر دئمگه باشلا سینلار.

۹-۲-۷. صابر شعر مکتبی نین ان مهم و گۆزه چارپان اۆزه للیگی، سیاسی و اجتماعی مسأله لره اعتنا ائتمک دیر. شعر شاهلارین قصرلریندن و درویشلرین مورگوله دیکلری خانقاهلاردان چیخیب قارا جماعتین ایچینه گلدی.

۱۰-۲-۷. صابر دیلیمیزده اولان مثلر، کنایه لر و آتالار سؤزلریندن بوللوجا استفاده ائتمگه چالیشدی و فولکلوروموزدن نوعلارینی شعره چاغیردی. عارف شاعرلرین ایشی یالینیز عرفانی شعرلر یازماق، نوحه یازانلارین ایشی فقط مرثیه قوشماق و ... ایدی. قصیده یه میل گؤسترنلر قصیده، غزلچیلر غزل و رباعی قوشانلار ایسه یالینیز رباعی قوشوردولار. ولاکن صابر، هم مضمون و هم فورماجا هر جوره فکره و هر جوره قالیبا یول وئرن بیر شاعر حساب اولونور.

۱۱-۲-۷. صابرین شعرلری نین بیر باشقا مزیتی بودورکی اولار چوخ ساده و آنلاشیلان دیلده یازمیشدیر. بیر صابرشناس سین دئدیگینه گۆره،

المنه لله که دبستان دا قاپاندی،

بیر باد خزان اسدی گلستان دا قاپاندی.

\*

من بئله اسراری قانا بیلمیرم،

قانماز اولوب دا دولانا بیلمیرم.

\*

بیر مرحمت اعیانلارینا شکر خدایا،

بو صاحب میلیونلارینا شکر خدایا!

\*

داش قلبلی انسانلاری نئیلردین الهی،

بیزده بو سویوق قانلاری نئیلردین الهی!

\*

ای خواجه چالیش، صورت ظاهرده قشنگ اول،

ایسترسن اوزون سیرت معنادا جفنگ اول.

۵-۲-۷. صابر بوتون شعر فورمالاری، خصوصاً

غزل فورماسینی بی مزه مغازله لردن نجات

وئردی، قورودو و ساخلادی. اونون سلفی صائب

تبریزی ده بئله ایش گؤرموش ایدی. صائب ایله

صابرین بو ایشده فرقلری اوندان عبارت ایدی کی

صائب شعری تعلیمی و اخلاقی مضمونلار ایله

دولدوردو، صابر ایسه شعره، طنزی و سیاسی -

اجتماعی معنالار گتیردی.

۶-۲-۷. صابر، شعری یوکسک درجه لره

چاتدیردی، بئله کی دوشونجه، تفکر و عقل

چیلیگی شعره داخل ائتدی و شاعری دنیا یا

سطحی باخماقدان قورتاردی و شعرده فلسفی

گؤروشلر و اجتماعی دوشونجه لره یول آچدی.

۷-۲-۷. صابر شعر وسیله سی ایله اسلام دینی

نین حقیقی و ایچ اوزونو گؤسترمگه چالیشدی و

دینیمیزه داخل اولان خرافات و موهوماتی افشاء

ائدرک اوخوجونو اسلامین عظمتینه ساری آپاردی

کی نئجه اهل قلملر، بوراخیب جانیم غملر،  
قاریشیب درد به هم لر،  
اوره گیم ایندی ورملر،  
غازتته، ژورنالہ بو کفرشیم لر،  
نئجه جراتله رقم لر یازیب،  
اسلاما ستملر ائله ییرلر کی،  
گره ک عالم اسلامدا، هر اؤلکه ده،  
هر شهرده، دینار و درملر ساچیلیب،  
مکتب نسوان آچیلیب.

صابر عمومیتله شعرلرینی عروض بحر و وزنلرینده یازمیشدیر. لاکن موضوعلاری نین یئنی لیگی و تکرار اولونمازلیغی سبب اولموشدو کی بیر سنت اولاراق ردیف و قافیہ لری ایسته دیگی کیمی دگیشسین و کهنه قایدا - قانونلاری یئنی لتسین. گرچه مخمس، مسدس، رباعی و بو کیمی قالبیلاردا شعر یازمیشدیر، آنجاق اونلاری خلقین باشا دوشمه دیگی سؤزلر ایله یوخ، بلکه تام عادی دانیشیق دیلینده اولان کلمه لر و جمله لر ایله بزه میشدیر. اونلاری خلقین مالی ائتمیشدیر.

۷-۲-۱۵. صابرین بیر هنری ده شعر قهرمانینی دیندیرمه، و اونلارین دیلیجه دانیشما و شعر یازمادیر. اونون شعرینده خان، بیگ، قوجا، جوان، شاه، وزیر، عوام، قارا جماعت، قادین و هر کس اؤز دیلی و شیوه سی ایله دانیشیرلار و هر کس اؤز سؤزلری ایله اؤزونو افشاء ائدیر. ساتیرام، فهله، اوخوتمورام ال چکین ا، ایکینجی، آخ نئجه کئف چکمه لی ایام ایدی و باشقا شعرلری بو اسلوب ایله یازیلیمیشدیر.

صابر، ایران فارس و تورک ادبیاتینا اؤز عصرینده درین و یارادیجی تأثیر بوراخمیشدی. بیر چوخ مبارز شاعرلر اونون آردینجا گئدیب، حتی اونون طنز شعرلرینی فارسجا یا ترجمه ائدیب گئنیش یایدیلار. مثال اوچون روحانیت لباسیندا اولان

اونلاری بئش یاشیندا اوشاق بئله اوخوسایدی،  
آنلاشیلماز بیر سؤز تاپماز ایدی.<sup>۲</sup>

۷-۲-۱۲. ان مهم اؤزه للیک بوکی، او زمان، هر کس صابرین شعرلرینی اوخوماغا و ازبرلمگه باشلادی. هئج کیمسه اؤزونو اوندان احتیاج سیز گؤرمه دی. هر کس صابره احتیاج حس ائتدی و صابرین شعر باره سینده دئدیگی آشاغیداکی سؤز تحقق تاپدی:

خلقین اوخومادیغی و ازبرلمه دیگی شعر،  
شعر دگیلدیر.

۷-۲-۱۳. صابرین خلایقتینده، موضوع گئنیشلیگی واردیر. بئله کی او، عائله حیاتی نین ان عادی مسأله لریندن توتوموش، دنیانین مهم سیاسی حادثه لرینه قده ر میدان آچیر و شعرلرینده هر بیر مسأله یه یول وئره بیلیر. بیز بیلیریک کی مداح شاعرلرین ایشی یالنیز مداحلیق، عاشق پیشه شاعرلرین ایشی فقط عاشقلیک ایدی.

۷-۲-۱۴. صابر اؤز زمانیندا بیرینجی دفعه اولاراق شعر قالبیلارین آلت اوست ائله مگه و سیندیرماغا باشلادی. بو ایشی ائله مهارت و جسارت ایله یئرینه قویدوکی اؤز زمانیندا یاشایان کهنهچی شاعرلرین هئج بیرسی اونا قارشی چیخا بیلمه دی. هامی اونو بگندی و سئودی.

ای فلک! ظلمین عیاندیر،

بو نئجه دور زماندیر،

که ایشیم آه و فغاندیر،

منی یاندیرما اماندیر،

گؤزومون اشکی رواندیر،

اوره گیم دوپ - دولی قاندیر،

هامی غمدن بو یاماندیر،

<sup>۲</sup> حاج ابراهیم قاسم زاده، اقبال نشریه سی، ش. ۴۰۹.

- گوژمه! - باش اوسته، یومارام گوژلریم.  
 - دست مزن! - چشم، ببستم دو دست،  
 - دینمه! - مطیعم، کسه رم سؤزلریم.  
 - راه مرو! - چشم، دو پایم شکست.  
 مولدایی، سالمادی ائل دیل بوغازا.  
 حاجی، بازار رواج است رواج،  
 عیبی یوخ، گرچه قویلودوق لوغازا،  
 کو خریدار؟ حراج است حراج!  
 یاز بو اعلانیمی ده بیر کاغازا:  
 می فروشم همه ی ایران را،  
 آچمیشام ری ده گئیش بیر ماغازا،  
 عرض و ناموس مسلمانان را،  
 چوخ اوجور قیمته هر شئی ساتیرام،  
 رشت و قزوین و قم و کاشان را،  
 آی آلان! مملکت ری ساتیرام!  
 بخرید این وطن ارزان را،  
 یزد و خوانسار حراج است، حراج!  
 کو خریدار؟ حراج است حراج!  
 بیر قوجایام چاق نر کیمی یاشارم!  
 گرچه من پیرم و خم گشته ز پیری کمرم،  
 از جهان بی خبرم!  
 دؤرد آروادی بیر - بیرینه قوشارام!  
 چار زن دارم و در فکر عیال دگرم،  
 از جهان بی خبرم!  
 بلای فقره دوشدون، راضی اول، بیچاره، صبر ائيله!  
 صبر کن، آرام جانم، صبر کن...  
 اوزون اولدویسه گر کلفت یانیندا قاره، صبر ائيله.  
 صبر کن دردت به جانم، صبر کن ...  
 بیر آی سونرا نسیم شمال ین ۴۵ نجی نمره  
 سینده بو شعری چاپ ائله دی:  
 حاجی، بازار رواج است رواج،  
 کو خریدار؟ حراج است حراج.  
 می فروشم همه ی ایران را،

سید اشرف گیلانی اونا چوخ حرمت بسله میش  
 و شعرلرینی ترجمه ائتمیشدیر.  
 مثلا صابر دئییر:

بو ایسه پس او لعینین ده ایشی قلایی دیر،  
 دینی - ایمانی دانیب یولدان آزیبیدیر بابی دیر.  
 سید اشرف گیلانی ده بئله یازیر:  
 پس یقین آن سگ بی دین عملش قلایی است،  
 ایها الناس بگیریید که معلون بابی است.  
 البته نسیم شمال صابرین شعرلرینی گاه ترجمه،  
 گاه اقتباس ائتمیش و گاه دا استقبال ائدرک  
 اونلارا نظیره یازمیشدیر.  
 مثلا:

پاه آتونان نه ته هر یاتدی بو اوغلان اولوبه!  
 نه ده ترپنمه بیر اوستونده کی یورقان اولوبه!  
 شعری اصلینده ۱۰ بیتدیر. سید اشرف ایسه اونو:  
 وای بر من مگر این ملت نادان مرده،  
 داد و بیداد مگر این همه انسان مرده.  
 باشلیغی آلتیندا ۲۷ بیت اولراق تنظیر  
 ائتمیشدیر.

و یا صابرین بو شعرینی:  
 وار ایمیش روسیه ده مین - مین پریزاد، اردبیل،  
 بیرده نامردم اگر اتسم سنی یاد، اردبیل.  
 صابر بئله تنظیر ائتمیشدیر:  
 حال در روسیه می بینم هزاران نازنین،  
 احمقم من گر ز قزوین آورم یاد، ای پدر!  
 اَشْهَدُ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،  
 باز شده وقت سخن پروری،  
 صاحب ایمانم، آشیروانلیلار!  
 جعفری ام، جعفری ام، جعفری،  
 یوخ یئنی بیر دینه یقینیم منیم،  
 اَشْهَدُ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،  
 کهنه مسلمانم، آشیروانلیلار!  
 در خط اسلام منم مستقیم!

4. دوردونجو مکمل نشر ایسه ۱۹۶۳ نجی  
ایله **عباس زمانوف و حمید  
محمدزاده** طرفیندن حاضرلانیب مصور  
اولوب و ۴۸۴ صحیفه ده چاپ اولدو.  
متنی چاپا حاضرلایان مرحوم **حمید  
محمدزاده** یازیر:

«شاعرین منظوم اثرلرینی و مکتوبلارینی احاطه  
اادن بو کتاب چاپا حاضرلارکن، بوتون متن  
(ایلك منبع لری هله معلوم اولمایان بیر نئچه  
شعر استثنا ائدیلمکله)، بیرینجی دفعه نشر  
اولدوغو غزئت و ژورناللارداکی متلر ایله،  
همچنین هوپ هوپ نامه ایلك اوچ نشری ایله  
توتوشدورولموش، کئچمیش نشرلرده کی بیر سیرا  
تحریفلر اصلاح ائدیلمیش، هابئله صابره مخصوص  
اولمایان، لاکن هوپ هوپ نامه نین مختلف  
نشرلرینه سهوا داخل ائدیلمیش بیر نئچه ساتیرا  
(= طنز پارچاسی) کتابدان چیخاریلمیشدیر.»<sup>۳</sup>  
ایندییه قده ر دفعه لر ایراندا و خارجهدا همین چاپ،  
افست طریق ایله چاپ اولموشدور.

5. کریل و لاتین الفبالارینا کؤچورولوب نشر  
ائدیلن هوپ هوپ نامه لرده یوخاریدا قید  
ائدیگیمیز ۴ نجو چاپین اوزوندن  
کؤچورولموشدور.

6. دفعه لر هوپ هوپ نامه دن سئچمه لر و  
«گزیده» لرده ایراندا و خارجهدا چاپ  
ائدیلمیشدیر.

7. ۱۳۵۸ نجی شمسی ایلینده تهراندا  
مرحوم **محمد علی فرزانه** طرفیندن  
هوپ هوپ نامه رنگلی تصویرلر ایله ۳

عرض و ناموس مسلمانان را،

رشت و قزوین و قم و کاشان را،

بخرید این وطن ارزان را،

یزد و خوانسار حراج است حراج!

هابئله شهریار اونون بیر نئچه شعرینی فارسجایا  
ترجمه ائتمیشدی. مثلا:

ای در به ر گزیب اوره گی قان اولان چوچوق  
شعرینی بئله ترجمه ائتمیشدی:

ای پا برهنه دربدر کوچه ها یتیم،

گوید زبان حال تو با من چه ها یتیم.

چون در اشک خود چه شدی بی بها یتیم،

دامان آبرو مکن از کف رها یتیم.

اشک ببین و حسرت بی

انتها یتیم،

ای پا برهنه در بدر کوچه ها یتیم.

**هوپ هوپ نامه نین نشرلری**

**میرزا علی اکبر طاهرزاده** صابرین شعرلری اوز  
حیاتیندا کتاب حالیندا چاپ اولمادی. **سید  
حسین** اؤز خاطره لرینده یازیرکی، صابر  
اؤلوموندن قاباق اونا دئتمیشدی:

«گؤرونور، من ده حاج سید عظیم کیمی اؤز  
کتابیمی گؤرمه دی حسرت ایله اؤله جه گم.»

1. هوپ هوپ نامه نین ایلك چاپی ۸۰

صحیفه ده ۱۲۱۹ ش. (۱۹۱۲ م.) ایلینده

صابرین دوستو **محمود عمی** توسطی

ایله بوراخیلیمیشدیر.

2. ایکینجی چاپ، بیر ایل سونرا (۱۹۱۳ م.)

حجملی بیر کتاب شکلینده رسمی

اولارق بوراخیلدی.

3. اوچونجو چاپ، **حبیب صمدزاده** نین

نظارتی ایله ۱۹۴۸ نجی ایله ۱۹۴۸ نجی

ایله نشر اولدو.

<sup>۳</sup> صابر، میرزا علی اکبر، هوپ هوپ نامه، به کوشش حمید محمدزاده، باکو،



اصل ملا ایله بگ خان قاپیسیندا سپلنگ اول  
تحریف

میرزا ایله ... (ص ۲۱۰)

هابئله «نئچون مکتبه رغبتیم اولماییر» شعرینده  
(ص ۳۱۲) <sup>۵</sup> بئش مصراعلی بیر بندى،  
«قورخورام» شعرینده (ص ۱۳۳) <sup>۶</sup> بیر بیت،  
«بوندان سورا» شعرینده (ص ۲۲۳) <sup>۷</sup> بیر بیت و ...  
حذف ائتمیشدیر و بعضی شعرلری «یاللعجب»<sup>۸</sup>  
شعری کیمی تاممیله حذف ائتمیشدیر. هابئله ای  
عمو (ص. ۲۵۴) و فسنگان (ص. ۲۵۳)  
شعرلرینی کلا حذف ائتمیشدیر.

3 - بعضی یئرلرده یئرسیز اولاراق کلمه لری  
دگیشمیشدیر. نمونه اولاراق:

سؤیله مه ← سؤیله (ص ۱۹۲)، عبد ← عهد  
(ص ۱۵۵)، اونون ← او گون (ص ۱۷۰)،  
قاچمازدی ← چاتمازدی (ص ۱۷۵)، سنین ←  
سنه (ص ۱۷۶)، عمر ← عصر (۲۱۲)، ائل ←  
اول (ص ۲۵۰)، طمعین ← طعمینی (ص ۲۵۳)،  
سیئزد ← قورولتای (ص ، ۱۳۸)، هاردا ←  
داردا (ص. ۳۱۲) ائتمیشدیر.



<sup>۵</sup> اوخور بوندا هر کس ... (حاضرکی نشر، ص ۳۳۹).

<sup>۶</sup> گاه شفق تک ... (حاضرکی نشر، ص ۴۹۴)

<sup>۷</sup> دین گندير، مذهب گندير ... (حاضرکی نشر، ص ۲۴۷).

<sup>۸</sup> حاضرکی نشر، ص ۳۲۵.

نجو چاپ اساسیندا یئنی دن چاپخانادا  
دوزولوب نشر اولوندو.

8. ۱۳۸۱ نجی ایله مرحوم حمید آرش  
آزاد طرفیندن کؤچورولوب ۳۹۲ صحیفه  
ده بیر داها تیریزده چاپ اولدو.

9. ۱۹۹۲ نجی ایله بیر داها باکی شهرینده  
هوپ هوپ نامه یازیجی نشریاتی  
طرفیندن چاپ اولموشدور. بو نشره، او  
زمانا قده ر چاپ اولمامیش بیر نئچه  
شعرده سالینمیشدیر.

10. هوپ هوپ نامه اثری بیر داها  
اردبیلده شیخ صفی الدین انتشارتی  
طرفیندن ۱۳۸۷ نجی ایله نشر اولدو. بو  
نشرین قاباکی نشرلرده گؤره هئج بیر  
یئنی لیگی یوخدور. یالنیز اونا رسول  
اسماعیل زاده طرفیندن یازیلان بیر اؤن  
سؤز واردیر. او، ناشر اولاراق اصلینده  
حمید محمدزاده نین ترتیب ائتدیگی  
هوپ هوپ نامه نی، اونون یازدیغی  
ایضاحات ایله و اوندان هئج آد آپارمایاراق  
چاپ ائتدیرمیشدیر. بو نشرده تحریفله  
ده راست گلمک اولار. مثال اوچون:

1 - بیر چوخ یئرده «ملا» کلمه سینی  
«میرزا» یا تبدیل ائتمیشدیر. حال بوکی  
صابر کتابین هر یئرینده ملا، ملادای،  
ملاعمو و بو کیمی کلمه لردن قصدی،  
ملانصر الدین نشریه سی و اونون باش  
یازاری جلیل محمدقلی زاده دیر.

2 - بعضی بیتلری تحریف ائتمیشدیر. مثلا:

اصل هاردا مسلمان گؤرورم قورخورام.

تحریف داردا مسلمان گؤرورم قورخورام. (ص ۱۳۳)<sup>۴</sup>

<sup>۴</sup> صحیفه نمره لری اردبیل، (شیخ صفی الدین انتشاراتی) چاپینا اشاره دیر.

## قاراباغ باياتيلاريندا خوجالى فاجعه سينين عكسى

### QARABAĞ BAYATILARINDA XOCALI FACİƏSİNİN ƏKSI

Doç.Dr.FƏRİDƏ HİCRAN VƏLİYEVA

دوچنت دکتور فریده هجران ولی اوا

شکيلده آچيلير. خالقيميزين يورد حسرتی، وطنه اولان محبتی ده قاراباغ باياتيلاريندا اؤز عكسینی تاپير. محض داها چوخ کؤرپه لرین قيرغینینا يۇنه لن بو وحشيلين باياتيلاردا ايفاده سی ارمنی ميللت چيلرينين خالقيميزين سويقيريمينا سعی گؤستردیکلرينی بير داها تصدیقيلير .

#### روسجا خلاصه

Отражение Ходжалинской трагедии в Карабахских байатах.

В статье раскрывается один из старейших жанров фольклора из всех исторических периодов байаты, который отражает горе и в целом духовный мир народа. В этом контексте также участвует исследование трагедии Ходжалы. Байаты в которых отражен замерзшие младенцы от мороза на равнинах Кетик, на горах Шелли, ужас, который прожили пожилые люди, сгруппированы. Проанализированы фольклорные примеры до Ходжалинской трагедии и поэтические образцы после той страшной ночи трагедии, в отдельности. Плач народа, тоскующий по стране, любовь к Родине, находят свое отражение в Карабахских байатах. Геноцид, направленный на убийство младенцев, отражение этого варварства в байатах, является еще одним свидетельством армянского геноцида над нашим народом.



#### خلاصه

قاراباغ باياتيلاريندا خوجالى فاجعه سينين عكسى مقاله ده، فولكلورون ان قديم ژانرلاريندان اولان باياتيلاريميزين بوتون تاريخی دؤورلرده خالقين دردینی، سرینی، بوتؤولوکده معنوی عالمینی اؤزونده نئجه عكس ائتديرمه سی آچيق لانير. خوجالى فاجعه سی ده بو کونتئکسده آراشديرمايا جلب اولونور. کندین دوزلرينده، سرت داغلاريندا شاختادان دونموش کؤرپه لرین، قوجالارين ياشاديقلاری دهشتلی وضعيتلری عكس ائدن باياتيلار قروپلاشديريلير .

توپ لانان باياتيلارا آیری-آيریلیقدا نظر ساليير، خوجالى فاجعه سيندن اوله عاييد اولان فولکلور نومونه لری ايله بو مودحیش گئجه نين فاجعه سيندن سونرا يارانان پوئتيک نومونه لر موقايسه لی شکيلده تحليل اولونور. اينسانين بوتون دويعولارینی رفته گتيره ن بو فولکلور قايناغيندا حيله گر ارمنی ميللت چيلرينين ايچ اوزو آيدین



### خوجالی سويقيرىمى قاراباغ باياتيلاريندا ...

آچار سۆزلر: خوجالی، سويقيرىمى، مودحیش گئجه، قيرغین، اهالی، باياتى

**گيريش:** فولكلورون ان قديم ژانرلاريندان اولان باياتيلاريميز بوتون تاريخى دؤورلرده خالقين درد-سرينى، بوتؤولوكده معنوى عالمينى عكس ائتديرهن ان الوئريشلى پوئتيك واسطهلردن بيرى اولوب. قريبلين يانغىسى، اوولاد ايتكى سينين آهو-زارى، وطن جسترى كيمي حسلرين تائيريندن قريپ نغمهسى تك اوخونان باياتيلار اينسان اوولادىنى اوووندوران

بير ياشانتى و عىنى زاماندا دويغولارين عكسى سداسىدير. بورادا اينسانين حسلرى پوئتيك بير ديبله ايفاده اولونور. بو ژانرين اووزونمخصوص ايسپئسيفيك خصوصيتلريندن بيرى ده اودوركى، باياتى هر هانسى بير حادثه نين مغزىنى چوخ تائيرلى سئمانتيك چالارلارلا عكس ائتديره بيلير و اينسانين روحونو ريقته گتيريب، اونو تائيرلنديرير. بو باخيمدان قاراباغ باياتيلارى خصوصيله سئچيلير. قاراباغ باياتيلاريندا عكس اولونان درين فلسفى دويغولارين سداسى، اينجه متبعليلرين وورغولانماسى، دردين-سرين قلب آغرىسى، ان ظريف حسلرين اويانماسى بو بؤلگه نين هم ياشادىغى كئشمكئشلردن، هم ده موسيقى بئشى كيمي غيرى-عادى ميستيك طبيعتيندن ايرلى گلير .

**ائل كوچ ائيلر بو داغا،**

**قوشلار قونماز بو داغا**

**ائله كى من دؤزوره م**

**هئج كس دؤزمز بو داغا (۲۳، ۱)**

بو باياتى دا قاراباغين آدى چكىلمهسه ده ، دؤزولمز دردين اولدوغو وورغولانماقلا بير كؤچكونلوك

آجىسى دا آجىقلانير. حتى. قوشلارين دا ياد بوداقلارا قونماق ايسته مة مةسى وورغولانير . قاراباغ باياتيلارينين قديم و ميللى كولوريتى بو گون ده اوژ ماهيتىنى ايتيرميش و معاصر باياتيلارلا مقايسه ده ايلكين تائيرىنى ساخلا يارق يئنى لرین يارانماسيندا انوى گوجونو گؤسترميشدير .

قاراباغ اهلى هر سؤزون، هر كلمه نين ريتمىنى توتماغى باجارميش ان ساده ايفادنين بئله سئمانتيك چالارنى نوتا كؤكلميين اوستاسى اولموش دور. قاراباغ طبيعتينين اعجازكارلىغى دا بوتون بو ياشانتيلارين سببلريندن بيرىدير. لاکين ان اساس سبب بو خالقين زامان-زامان سينه سىنى دلهن يورد آغرى لى يارالارى اولموش دور. خالق قلب يارالارينين، عذابلارينين آغرى سىنى كؤنوللريندن آخان باياتيلاردا عكس ائتديرميشدير. چوخ قديم تاريخله سسلشن و قاراباغ دا داييم سسلنن بير باياتيا دقت ائدك :

**قاراباغ دا تالان وار،**

**زولفون سوياسالان وار**

**دوشوب غربت ائلره**

**گؤزو يولدا قالان وار... (۱۶۲، ۱)**

فرق لنیر. «قاراباغدا تالان وار» میصراعسی ایله باشلایان بایاتی قاراباغین داها اوزاق کئچمیشی ایله باغلی اولسا دا، آیری-آیری زامانلارین نقارتینه چئوریلیمیش دیر. بئله لیکله، حادثه لرین تکرار و اوخشارلیغی همین بایاتی دا بو گونون ده آغری سینی یاشادیر. سانکی همین بایاتی دا بیر مدریکلی اؤنجه گؤرومو وار. بایاتینین ایکینجی میصراعسینداکی «زولف» آنلامی دا تصادفی وئرلمه ییب. ناله سی ارشه چکیلین زولفو پریشان اولار. تانری دان سون سوز بیر ایسرارلی دیلی اولانین زولفوندن کسب پیره آپارماغی، قارداشی ایتکین دوشه ن باجیلارین بیر ساچینی آغ، بیر ساچینی قارا هؤروب یول گؤزله مه لری، حتی بو گون ده بئله اوغول ایتیره ن آنالارین ساچلارینی آغ پریشان ساخلا ییب، دولانمالاری و یا عکسینه، تزه گلینه تئل کسيلمه سی، توی دا- بایرام دا یاش لیلارین ساچینا خینا قویولماسی عنعنه سی زولفون کدرده و سئوینجده ایشتی راکی ایله باغلی بیر مزمو ن فورمالاشدیریب. گؤزو یوللاردا قالان قریب، هئچ ده زولفونو تصادفی اولاراق سویا سالمیر. او سو کولتو ایله زولف، ساچ اینانجینین سینتئزینی یاراتماقلا وطنه قاییتماق، یوردونا قوووشماق دیلینی داها اصرارلا تجسسوم ائتدیرمک ایستیر. طریقت دنیا گؤروشونده ده زولف عاشیقی معشوقا بیرلش دیره ن بیر واسطه، پریشانلیق ایسه حسرت رمزی دیر. او زامان زولف ایله باغلی آلقیش، یالواریش دیلین گرگین مقامی، ان یوکسک زیروه سی و سونونجو واسطه سی کیمی وورغولانیر و سانکی بو اینسان ناله سینین کولیمیناسیا نقطه سی اولور. علی هر یتردن اوزوله ن زولفونه ال آتار. طبیعی کی، بو چوخ قدیم آیینلرین، عنعنه لرین ایزلری دیر و بو تصویر قدیم ده اولسا قاراباغدان توپلانان

بو میصراعلاردا هله ۱۹۰۵-جی ایلدن، بلکه اوندان دا اول دایم قاراباغدا گؤزو اولان، بو یوردو چاپیب-تالایان یادئل لی ایشغال چیلارین بد عملرینه ایشاره وئرهن قلب آغریلارینین اینیلتی سی دویولور. منفور ارمنی تجاوو زکارلاری قاراباغین قونشولوغونا کؤچورولوب یئرلشدیریلدی زاماندا همیشه بو تورپاغا گؤز دیکمیش، آرخالاندیقلا ری منفور قوه لردن گوج آلاق دفعه لرله یوردوموزو ظبط ائتمه یه تشبوت ائتمیشلر. (۲)، محض ائله بونا گؤره ده قاراباغلار دفعه لرله یارا آلمیش، ایچلرینده وطن حسرتینین کؤورک حیسسلی، اینیلتی لی دویغولاری هر زامان جوشوب داشمیش دیر :

**عزیزیم داغ دادی،**

**قریب سؤیود باغ دادی .**

**جیسمیم یاد ائلرده دی**

**روحوم قاراباغ دادی (۲)**

هم یوخاری دا گؤستريله ن، هم ده بو بایاتیلاردا عکسینی تاپان «تالان وار»، «تونقال کیمی قالاندی» و «روحوم قاراباغ دادیر» ایفاده لری نه محاربه، نه ده موباریزه مضمونونو کسب ائدیر. بورادا وطنیندن آیری دوشه ن بیر قاراباغلیغینین یورد حسرتی اؤز ایفاده سینی تاپیر .

**عزیزیم تالاندی،**

**دئیيله نلر یالاندی،**

**یوردوما اود ووردولار،**

**تونقال کیمی قالاندی. (۲)**

اصلینده بو ایفاده لر خالقین ایچ دونیاسیندان قویان دهشتلی بیر آغرینین، فریادین عکس سداسی دیر. بو میصراعلار اؤز مضمونو ایله باشقا- باشقا بؤلگه لردن توپلانان بایاتیلاردان چوخ



سون گونلرینی اؤز یوردلاریندا کئچیره بیلجکلرینی آرزولادیقجا آه چکیب، ناله دئییب، بایاتینی، بایاتییا جالایارق فریاد ائدن قوجالارین تانرییا اوز توتوب کؤمک دیلمه‌لری داها تأثیرلی دیر :

**تانریم بو نه حشردی؟**

**وحشی اهلشردی**

**کۆرپه باشین کسنلر**

**نئجه وحشی بشردی (۲)**

هئچ بیر خبردارلیق ائدیلمه‌دن، غفلتا دینچ خالقا قارشى تۆره‌دیلهن سویقیریمی ترورونا عصیانی عکس ائتدیره‌ن بایاتیلاردا، قانونا سیغمايان اورتا عصر وحشی لیکلرینین تطبیقی تصویر اولونور .

قاراباغ تالانلارینین، خصوصاً خوجالی سویقیریمینین او مودحیش گئجه‌سینین فاجعه‌سیندن سونرا یارانان بایاتیلارین مغزی باش وئره‌ن حادثه‌لرله مقایسه‌لی شکیلده تحلیل اولوندوقجا حيله‌گر ارمنی میللت چیلرینین ایچی اوزونون یادداشلاردا قویدوغو ایزلر آچیلیر.

او، قانلی گئجه‌نین سحری یوک ماشینلاریندا داش اوزینه اینسان جسدلری داشینیردی. بو جسدلرین آراسیندا قاچا بیلمه‌یه‌ن قوجالارلا برابر مظلوم، گونا‌ه‌سیز کۆرپه‌لرین جسدلری داها چوخ ایدی .

آذربایجان خالقینین، سویکۆکونو قوروتماغا جهد گۆستره‌ن ارمنی وحشیلرینین کۆرپه‌لری قیرماقدا مقصدی آیدین ایدی. بایاتی‌دا گۆستریلدی کیمی توپون-توفنگین گورولتوسوندان مئشه‌دن قاچان وحشی حیوانلار اهیلشیدی حالدا، کۆرپه‌لری قیران ارمنیلر قان گۆردوکجه قدارلاشیب، وحشیلشیردی :

بایاتیلارین بؤیوک اکثریتینده اؤز عکسینی تاپیر. توپ‌لانان ایکی معاصر بایاتی‌دا ایسه، بیرینجی بایاتی‌دان فرق‌لی اولارق روحونو عظمت‌لی داغلاردا آرایان اینسانین اؤزونو بار وئرمه‌یه‌ن، کیم‌سه‌سیز سؤیوده بنزتمیی عکس اولونور و بورادا ناکام سؤیودون اؤز یئرینده اولماییب، باغ‌دا اونا یاد گلن بار آغاجلارینین آراسیندا گۆرمه‌سی ده چوخ تأثیرلی دیر. بونون نه قدر دهشت‌لی اولدوغونو بایاتینین اوچونجو و دۆردونجو میصراعلاری تصدیق‌لییر. بورادا جیسمین جان‌دان آیریلما‌سی بیر طرف‌دن مزار قریب‌لیینی گۆستره‌ ده، دیگر طرف‌دن اؤزو اوچون ان قیمت‌لی اولانینی ایتیره‌ن اینسانین ترکی-دونیا‌لیلیگی‌لا باغ‌لی دیر؛ «جیسمیم بوردا اولسا دا، روحوم قاراباغ‌دادیر» دئمکله یوردونو، یوواسینی ایتیره‌ن قریب دیری-دیری اؤلدویونو اظهار ائدیر. اوچونجو بایاتی‌داکی میصراعلاردا ایسه قاراباغین تالانیب داشینما‌سیندان سونرا اود وورولوب تونقال کیمی قالانما‌غیندان بحث اولونور. بورادا یاد ائلل‌لی ایشغال‌چیلارین، منفور ارمنی جلال‌دلارینین قانلی خیصلتی داها آیدین تجسسوم اولونور .

**یئر گۆی چالخالانیب‌دی،**

**قاراباغ تالانیب‌دی**

**دونیا نیه سوسورسان**

**ائل-اوبامیز یانیب‌دی (۲)**

آغدام رایونونون چمنلی کندیندن توپ‌لانان بو بایاتی‌دا کدرینی، دردینی، اومو-کوسوسونو دونیا ایجتیماعیتیندن اومان صاف و ساده خالقین سسی دویولور .

نئچه ایللردن بری ائلیندن، اوباسیندان آیری دوشه‌ن، اوزاق گزه‌ن ننه‌لرین بو پوئتیک متنده ناله‌سی ارشه چکیلییر. هئچ اولما‌زسا اؤمرلرینین

اڭلار گل سين ييغيل سين  
 قدار دونيان داغيل سين.  
 يوزلرله كۆرپه اۆلدو  
 بو يورد كيملره قال سين؟

هومانيست خالق بو گۆرونميش قانلى فاجعه نين  
 صلح له عوض اولونماسيني طلب ائدير، بو  
 دهشتلى باسقينا، بو قانلى تجاوززه اعتراض ائدير.

كۆتل سويون ليلله ندى  
 كۆرپه لر گولله له ندى  
 تالاناندا قاراباغ  
 لال ديل آچيب ديلله ندى .

داغلار باخيب آغلا سين  
 دونيا قارا باغلا سين  
 بو كۆرپه جسدلرين  
 تورپاق نجه ساخلا سين؟ (۲)

بو ناله نى چكن آنالارين فريادلاريندا عذابلا  
 اۆلدورولهن اؤولادلارينين يانغى سى ايله برابر،  
 ييه سيز قالان يوردون دا اؤز ياشانتى سى وار.  
 داغلارى، دره لرى، «دونيانى» ديلله نديرمكله  
 بوتون دونيا ايجتيماعيتينه اوز توتان خالق هر  
 كسى بو فاجعه دن قورتارماق اوچون كمكه  
 چاغيرير. بورادا كۆرپه ياشيندا گولله ياراسيندان



چوخ مارقالى اينجه بير ايفاديله «كۆتل چايينين  
 بولانماسى» تصادفو سؤيلنمير. بو دئييم تا قديم  
 زامانلاردان قاراباغ دا سؤيلنن بير روايتين  
 مضمونوندان دوغوموش دور. (فولكلور شوناس بهلول  
 عبدالله نين «آلكيشلار و قارغيشلار» توپلوسو  
 كيتابيندا «سويون بولان سين» كيمي ايفاده  
 اولونان بير قارغيش نومونه سى ده وار كى، همين  
 ميصرعنين مضمونو ايله پارالل ليك تشكيل  
 ائدير. (۸، ۱۲)

«دئييله نره گۆره شريف بي دئييله ن قاراباغ  
 بيلريندن بيرى هر سحر حياطينين اتيندن آخان  
 چايا گئدر و او چايلا دردلشرميش. گۆردويو

نالنه جكه رك سيزيلدايان عليئو ائلشن آبيل  
 اوغلونون فوتوسو و دقيقه لرله قيد اولونان حيات  
 حكايه سينه دقت ائدك: « بئش ياشلى زاواللى  
 ائلشن بو فوتو چكيله ندن سونرا جمعى ۵ دقيقه  
 ياشايا بيلدى، ارمنى تجاوزكارلارينين آتديغى  
 راکت اونون آغ جيريني پارجالاميش دى.

جراحيه عملياتي اونا كۆمك ائتمه دى،  
 عملياتدان آلتى گون سونرا اونون سون  
 دقيقه لرى چوخ نيسگيللى كئچدى، او خفيف -  
 خفيف اؤسكوروب غفلتا قان قوسدو، او قان  
 عادى قان دئييلدى. او قان كۆرپه قلبينه  
 توش لانان قدارليغين رمزي ايدى. (۳، ۴۵)

باياتيلاردا دا اؤز ايغاده سيني جوخ آيدين تاپيب.  
ائل آراسيندا مثال وار، دئيرلر كي، «آشيق  
گۆردويونو چاغيرار». خوجالي سويقيرى مى  
خالقين قان يادداشينا اوشاقلارين، قوجالارين  
وحشيجه سينه اؤلدورولديوو صحنه لرى هكك  
ائتدى .

گون دولانار، آي باتماز  
بو قيرغينا درد چاتماز  
بالاسى اؤلن آنا  
اوزون گنجهنى ياتماز(۲)



جمعى دؤرد ميصراعدان عبارت اولان بو باياتى دا  
خوجالي قيرغينينين هئج بير دردله موقاييسه  
اولونمايان دهشتى عكس اولونور، گؤزونون  
قارشى سيندا اؤولادى اؤلدورولهن آنالارين آه-  
ناليسى ياشانير، اوزون گنجه لرى يوخوسوز  
كئچيرهن، سون اوميدىنى آيا-گونشه باغلايان  
خوجاليلارين ايظيرابلارى عكس اولونور :

يئريمه قور دولوب دو،  
يوردوما سار دولوب دو  
بالام قانلار ايچينده

گول بدهنى دونوب دو(۲)

ميصراعلاردا آنانين پسيخولوژى وضعيتى ده  
وئريلير. فاجعه ده بالاسيني ايتيرهن آنا سحره قدر  
ياتا بيلمير. سانكى، يئرينه كؤز توكولوب، اونو  
يانديرير. يئرينين ايچينده قيوريلان آنا، يوردوندا

يوخولارى، گون عرضينده راستلاشديغى  
حاق سيزليقلارى چايا سؤيلير، سو آيسيندن ان  
چتين ايشلرينين حلى اوچون اوغور ديليرميش،  
چاي نه واخت بولانيق گلرميش سه، بو زامان او  
حساب اندرميش كي، همين گون بير  
اوغورسوزلوقلا قارشيلشاجاق، - بئله ده  
اولارميش»(۲)  
او زاماندا بير اينانچ اولاراق سويون بولانيق  
گلمى ائل آراسيندا ايشلرين اوغورسوز اولاجاغينا  
ايشاره وئرهن علامت كيمي قتيلاشيب.

(بو مضموندا اولان روايتلر قاراباغ دا گنجيش  
يايلىب، طبيعى كي، بو باشقا بير آراشديرمانين  
مؤوضوسودور) بو حادثه نين بئله  
علامتلمه سينين اساسيندا، چوخ گومان كي،  
فلاكتلر توره دن سئل دايانير. بوتون بو فاجوى  
جينايترلرين باياتيلاردا عكسى بير طرف دن دونيا  
خالقلارينا آجيقلاما وئيرسه، ديگر طرف دن ايسه  
خالقين تاريخىنى يارادير. آذربايجان مهاجيرت  
فولكلورشوناس ليغى آدى موقرافىيادا بئله بير  
فيكيير وورغولانير: « فولكلور ائتوسون مين ايللر  
عرضينده كي، ياشامى ايله باغلى اولدوغوندا  
بوتؤولوك ده خالقين اؤزونون تظاهروودور. يالنيز  
فولكلوردا خالق اولدوغو كيمي گؤرونور" (۵،۹)  
خوجالى دا قيرغينلارين دهشتلى صحنه لر نين  
اؤلچويه گلمز مقاملارى محض كؤرپه لر نين  
وحشى ليكله قتله يئتيريلمه سي دير كي، بو دا

بیر فولکلور ژانری اولاراق بایاتیلار اینسانین بوتون حیسس و هییه جانلارینی، عذاب و ایستیرابلارینی چوخ رئال شکیلده ایفاده ائده بیله جک تأثیر گوجونه مالیک دیر.

حادثه لری ییغجام و اویاتدیغی تأثیرله وحدتده ایفاده ائده بیلن بایاتیلار خالقیمیزین یاشانتیلارینی نسیلدن-نسله اؤتوره بیله جک ان قیمتلی نومونه لردیر. AMEA نین ترتیب ائدیبا بایاتیلار و مانیر آدلی مونوقرافییادا گؤسترلیلر کی، خالق ادبیاتینا دایر بو جور توپلاما ایشلری آپارماق یالنیز خالقین صاف و تمیز یارادجیلیق منبع لرینی اؤیره نمک ذؤوقونو دادماق دئییل، هم ده خالقین لیسانیه، ائتوقرافیایا و تاریخینی اؤیره نمک باخیمیندان چوخ اهمیتلی دیر. (۶،۹۷) قاراباغ دا باش وئرن خوجالی سوی قیری می ارمنی تجاویز کارلیغینین ان باریز نومونه لریندندیر. ارمنیلرین ساده ملکی اهالی سی اؤز لری ده بو قانلی فاجعه نین دهشتلرینی وحشی لیک حساب ائدیرلر. کسین کؤرپه باشلاری، سویولان قوجا آغیرجک و آغساققال ننه- بابالارین جسدلری اینسان فانتازیاسینا سیغیشمایان دهشتلی قتل حادثه لریدیرکی، بونلاری ارمنی داشناکلاری خوجالی سویقیریمی گونو حیاتا کئچیرمیش دیرلر .

ایستیفاده اولونان ادبیات :

۱. آذربایجان بایاتیلاری ، توپ. تر. اندنلر: بهلول عبدالله، ائلخان ممدوو، باکی، علم نش، ۱۹۸۴، ص .
۲. توپلاما، آغدام ، جمعه نلی، ساری حاجی لی، سیدلی اهالی سیندن .
۳. قاراباغ دا تالان وار، فریده هیجران ( ولیثوا ) باکی، گنج لیک نش. ۱۹۹۲، ص .
۴. آذربایجان فولکلورو، AMEA نظامی گنجوی آدینا ادبیات اینستیتوتو ، باکی ، صاباح نش. ۱۹۹۴، ۱۲۰ ص .
۵. آذربایجان مهاجیرت فولکلور شوناس لیغی ، فریده هیجران ( ولیثوا) علمی تحصیل، باکی - ۲۰۱۴، ۱۴۳ ص .
۶. بایاتیلار و مانیرلر، AMEM، باکی، سدا ۲۰۵، ۱۰۰ ص .

دوشمن گزدینی ده اونومور و ارمنی تجاویز کارلارینی سار آدلانان بیرتیجی قوشا بنزتمکله، وحشیلرله موقاییسده اونلاری داها قددار گؤرور :

آخشاملار آی آخشاملار

گئجه یانار آغ شاملار

یورد-یوواسی داغیلان

گۆره ن هاردا آخشاملار؟ (۲)

دونیا دا باش وئرن بوتون فاجعه لرین ان دهشتلی سی اولان خوجالی سویقیریمیندا حتی بئش-آلتی آیلیق کؤرپه لره توتولان دیوانی اونوماق اولماز. بونو بایاتیلارین مضمونو دا ایفاده ائدیر. لالین دیل آچیب دیلنمی اصلینده مومکون اولمایان بیر حادثه حساب اولون سا دا، تاریخده سون سوز هیجان، قورخو حیسنین یاشایانی بعضا لال اینسانین دیلینن آچیلما سینا سبب اولدوغو دا چوخ وورغولانیب. بو تیپده ده قبول اولنوموش حادثه دیر. بایاتینین اساس مضمونوندا دا بو دهشتلرین اینسان فانتازیاسینا بئله سیغمایان سون سوز هیجان، قورخو، حیرت حیسنین یاراتدیغی تصویر ائدیلیر .

منی یارالامایین

یورددان آرالامایین

قول-قیچامی سیندیریب

آغا جا باغلامایین. (۲)

بو بایاتی دا، اؤلدورولندن سونرا قولو-قیچاسی دوغرانا ن، حتی دریسی سویولوب، گؤزو چیخاریلیب آغا جا سارینان گونا هسیز سویداشلاریمیزین دیلیندن سؤیله نیلن نومونه لردن بیریدیر. بو جور فاکتارلار خوجالی فاجعه سینده کیفیت قدر چوخ موشاهیده اولوندوغو کیمی بایاتیلارین مضمونوندا دا تئز-تئز راست گلینیر .

آغ، سلیقه‌لی کۆبئینین سول قولو یان طرفدن شالوارینین ایچری سینه کئچیریلیمیش دی... دقتله باخاندان حیسس اولونوردو کی، اونون بیر قولو دیرسکدن آشاغی یوخ ایدی...

یاشجا یوخاری صینیفده اوخودوغو بللی اولان قاراشین اوغلان کند اوشاقلارینی باشینا توپلایاراق جاوان معلمین قولونو گۆستریب یولداشلاری ایله خیسینلاشادی... اوشاقلارین مذاکیره اوبئیکتینه چئوریلن معلم ساکیت، حزین آدیملارلا مکتب بیناسینین پیله لرینی قالخیب، گولمممده سالاملاشادی، -بابا صاباحین خیر، نئجه سن؟ -ساغ اول آی بالا، الله کمکین اولسون، -گولمممده قاپینی آچیب، فخرله نوه سینی ایچری، مکتبه اؤتوردو...

رحمت لیک اوغلو فرماییلین یئگانه یادیگاری اولان نوه سینی بؤیودوب کند معلمی گۆزندک، نه قدر عذاب-اذیت چکمیشدی گولمممده... اوزو سرتلشن مکتب گۆزتیچی سی قاراشین اوغلانی یانینا چاغیردی. اما چؤهره سینده کی غضبی گیزلیدی، حلیم سسله دئدی، -سیره نئچه دفعه دئمیشم کی، منیم نوه می گۆره نده خیسینلاشما یین...

قاراشین اوغلان گوناهاکار جاسینا باشینی آشاغی سالیب دئدی، -بابا، معلمین قولونا نه اولوب آخی؟ گولمممده ساکیت سسله، -قوش اولوب اوچوب، -دئدی.

هئج نه آنلاماییب، چیینلرینی چکن قاراشین اوغلان باشینی آشاغی سالیب گئتدی... دئدی سؤزدن هوپوخان گولمممده، دؤیوکوب اطرافا باخدی. دوداقلاری آراسیندان غیری- ایختیاری چیخان کلمه لره گۆره اؤزونو قینادی. قوجالیرسان گولمممده. بو سیرری نئچه ایلردی اورینده ساخلامیشدی... نوه سینی یاریمقول

## حکایه - اویکو

### Hekayə

## شانا پیپیک

### şanapipik

VAHİD MƏMMƏDLİ

واحد ممدلی



کند خوروزلاری چوخدان بانلامیش، سحرین دان یئری سؤکولموش دو... یاشیل تپه لیکدن اوزو آشاغی کند یولو آغاریردی. یولون کناریندا کی مکتبین حیاطتینده دجل کند اوشاقلاری اورا-بورا قاجیشیب، ظارافاتلا شیردیلار...

مکتبین گۆزتیچی سی گولمممده گیریش قاپی سینین قارشى سیندا وار-گل ائدیر، کند ائولریندن مکتبه دوغرو اوزانان یولا باخیب گولومسیردی...

ایگیرمی اوچ یاشی یئنیجه تامام اولموش کند معلمی مکتب بیناسینین قارشى سیندا گۆرونو.



او مدحیش حادثه ده همین گونلرین بیرینده باش وئردی...

فرماییل و گولگز حیاطده کی چارداغین آلتیندا اوتوروب، شیرین-شیرین صحبت ائدیردیلر. گولممم ده ائوده ایدی. ایوانداکی تاختدا اوزانمیشدی.

بیردن بیر شاناپیپیک حیاطده کی چینارین بوداغینا قوندو. آرتیق اووچولوقدا ماهیر اولان فرماییل تعجبله شاناپیپیه باخدی. ماراقلی دیر، شاناپیپیک همیشه دوزده، کوللوقدا اولار، چینارا قونماز. گوره سن بو شاناپیپیه هانسی کولک آذریریب بورایا گتیریب؟ فرماییل حیرتله بیر ده شاناپیپیه باخیب، چینلرینی چکدی...

گولگز ده شاناپیپیه گورموشدو... بیر آن سونرا او، آغیر-آغیر نفس آماغا باشلادی. سانکی گولزلی یومولوردو. فرماییل آروادینین بو حالینا دقت یئتیریب اوزونو ایتیردی. تاشلا سوروشدو: -سنه نه اولدو، اوزونو پیس حیسس ائدیرسن؟ گولگز گوجلنه نفس آلیرمیش کیمی فرماییلی تلسدیردی:

-تئز اول، او شاناپیپیه وور!  
فرماییل، -گولگز سن نه دانیشیرسان، شاناپیپیه وورمازلار، -دئدی...

گولگز سانکی همیشه کی مهربان، گولر اوزلو گلین دئییلدی. آیاغا دوروب، ائوه طرف قاچدی. توفنگی گتیریب فرماییل اوزاتدی، -تئز اول وور دئدیم، اونو بیشیریب یئمه سم اولرم.

گولگز فرماییلین یئرینده دونوب قالدیغینی گوروب، قیشقیردی، -وورررر، او قوشو یئمه لیم، یوخسا... اوشاغیم دا اولجک...

آتش آچیلدی... شاناپیپیک تاپپ ائدیپ سارالمیش پاییز یارپاقلارینین اوستونه دوشدو... گولله شاناپیپین سول قانادینان

دوغولماسینی بوتون کند اهلی بیلسه ده، اصل سببینی بو دونیادا ساغ اولانلاردان یالیز او بیلیردی... گوزتچی گولممم دریندن آه چکیب، خیالا دالدی، ایگیرمی دورد ایل بوندان اؤنچکی حادثه لر گولزلی اؤنونه گلدی...

بو یئرلر داغلارلا، مئشه لرله احاطه اولوندوغوندان کنده هر کس اووچولوقلا مشغول اولوردو. گولممم کندين ان یاخشی اووچوسو ایدی... یئنگانه اوغلو فرمایلی دا بئش-آلتی یاشلاریندان اووا آپاریر، اوون سیرلرینی اورکله اوغلونا اؤیردیردی. اوغلونون قوشو گوزوندن وورماسی، گئت-گئده گولممم دین اوزوندن ده ماهیر اووچو اولماسی، بیر آتا کیمی اونو چوخ سئویندیریدی...

آیلار، ایللر اؤتدو... فرماییل گنج، ایگید بیر اووچو اولدو. کنده اونون حاقیندا افسانه لر دولاشیردی. اوونو بیر دفعه باخیب، سونرا اوزونو چئویریب آتش آچدیقدا بئله، فرماییلین گولله لری شیکارینا دیریدی.

اوغلو ایله گونو-گوندن داها چوخ قورور دویان گولممم، فرماییلین ائوله نمک واختی چاتاندا سونونجونون هاییل ماییل اولدوغو سئوگی لیس، کندين ان گوزل قیزی گولگری توی ائدیپ اوغلونا آلدی.

واخت چاتدی، وعده یئتیشدی، گولگز هامیله قالدی...

گولگری دلیجه سینه سئوهن فرماییل آروادینین هر بیر ایستیننی یئرینه یئتیرمه یه چالیشیر، هامینین سبیرسیرلیکله گولزدی کورپه نین دونیایا ساغلام گلمه سی اوچون گولگزین هر سؤزونه باش اوسته دئییب، اونو هیجانلانماق دان، عصب دن اوزاق توتوردو. حامیله لیین سون گونلری گولگز داها دا اؤتکه م و صبرسیر ایدی.



کند خسته خاناسینین دوغوم شعبه سینین قارشى سینا خیلی اینسان توپلاشمیشدی. سحره یاخین گولگزين آغریلاری توتמוש، فرماییل اونو دوغوم شعبه سینه چاتدیرمیشدی...

اوزون گۆزلنتی دن سونرا دهلیزده حکیم گۆرون دو. فرماییل یاخینلاشیب ساکیت سسله، -اوغلون اولدو،- دئدی. فرماییل سئوینمه یه ماجال تاپمامیش، کیم تلسیک گولممده یاخینلاشدی، -باشین ساغ اولسون گولممد عمی... گولگزی ایتیردیک،-دئدی.

سونرا ایسه یاواش و گوناھکار بیر سسله ، -اما نور توپو کیمی بیر نوهن...

حکیم سۆزونون آردینی گتیره بیلمه دی، هۆنکوره رک پالاتایا آددیملایب قاپینی چیرپدی...

دوغوم شعبه سینین قارشیسیندا آغلاشما سسلری عرشه چکیلیردی. پالاتاداکی گولممد و فرماییل گولگزين جان سیز چۆهره سینه باخیردیلار...

فرماییل کۆرپه اوغونو قوجاغینا آلدی... حیرت دن گۆزلی برلمیشدی... حکیمین دئدی کیمی نور توپونو خاطرلادان کۆرپه نین سول قولو دیرسک دن آشاغی یوخ ایدی. دیرسینین اوجونداکی اوچ عدد چیخینتیلار ایسه سانکی شاناپیپیک قانادلارینی خاطرلادیردیلار ...

دییب، گۆوده سینه کئچرک قوشو اۆلدورموشدو. گولگز چینارا دوغرو قاچدی. اۆلموش شاناپیپی گۆتوره نده قوشون سول قانادینین یاریسی قوپوب یئره دوشموش دو...

گۆز قیرپیمیندا مطبخه کئچدی، چایدانان تاوایا ایستی سو تۆکرک اۆلموش قوشون توکلرینی ایسلادیب یولدو. تر-تمیز ائدی قوشون جانسیز بدنینی دوغراییب تاوایا ییغدی.

گولله سسینه یئریندن دیک آتیلیب، حیرتله اوغونو و گلینینی ایزله ین گولممد اونلارا تپنیب ایرادینی بیلدیرمه یه چالیشسا دا بوغازی قوروموشدو... نه ایلا له ائتسه ده سۆز تاپا بیلمه دی...

قیزارتدیغی شاناپیپی سون تیکه سینه قدر تکباشینا یئین گولگز سانکی بوندان سونرا بیر قدر توختادی...

فرماییل سئحیرلنمیشدی. نه باش وئردینی، شاناپیپی نیه ووردوغونو هله ده آنلامیردی. گولگزين، او قوشو یئمه لیم، یوخسا اوشاغیم دا اؤلجک،-سۆزلی هله ده قولاغیندان گئتمیردی...

بايقان بری یئرینده دونوب قالان گولممد ایسه اللرینی گۆیه قالدیریب «الله اوزون کۆمک اول»،-دئدی.

## آذربایجان یاخین تاریخ ده

ایشتیراکچی سی اولان شیخ محمد خیابانی  
(۱۸۷۹-۱۹۲۰) باشچیلیق ائدیردی .

شیخ محمد خیابانین باشچیلیق ائتدی  
آزادلیق مجاهدلری داخیلی ایرتیجایا و یاد ائل لی  
ایشغال چیلارا قارشی موباریزه آپارماقلا برابر، اؤلکه  
میقاسیندا یئنیلشمه دموکراتیک دییشیک لیکلر  
آپاریلماسینی طلب ائدی، بوتون ایراندا خالق  
اینقیلابین غلبه سینه، شاهلیق رژیمین لغوینه  
و جمهوریت تیپلی دئموکراتیک دؤولت  
یارادیلماسینا چالیشیر، یئنی یارادیلماق  
دئموکراتیک ایران دؤولتینین ترکیبینه گونئی  
آذربایجانا موختاریت وئرلمه سی اوغروندا موباریزه  
ائدیردیلر. گونئی آذربایجان اهالی سنین واحد  
جبهه حالیندا آزادلیق موجدیله سینه قالماسیندا  
آذربایجان دموکرات فیرقه سی (آدف) مهم رول  
اوینا بیردی. آدف-نین مرکزی کمیته سینه شیخ  
محمد خیابانی رهبرلیک ائدیردی .

خیابانین گؤستریشی ایله حرکت ائدن  
دموکراتلار تبریز، اردبیل، خوی، اورمو، سراب،  
زنجان و ب. آذربایجان شهرلرینده اهالینی  
میتینقلره قالدیریر، اینگیلیسپرست ایران  
حکومتینین استئفاسینی و اؤلکه ده دئموکراتیک  
اصلاحاتلار کئچیریلمه سینی طلب ائدیردیلر .

میللی آزادلیق حرکتینین گئنیشله نمک ده  
اولدوغو بیر شرایطده — ۱۹۱۸-جی ایلین  
اولرینده روس قوشونلاری گونئی آذربایجاندا  
چیخاریلدی. بوندان ایستیفاده ائدن اینگیلتره اؤز  
حربی قوه لرینی گونئی آذربایجاندا یئرلشدیرمه یه  
باشلادی. اینگیلیسلر باکی نفتینه جان آتیردیلار.  
اینگیلتره حکومتی، علاوه اولاراق، ایرانا ژنرال  
دئنسترویلین باشچیلیغی ایله یئنی حربی قوه لر

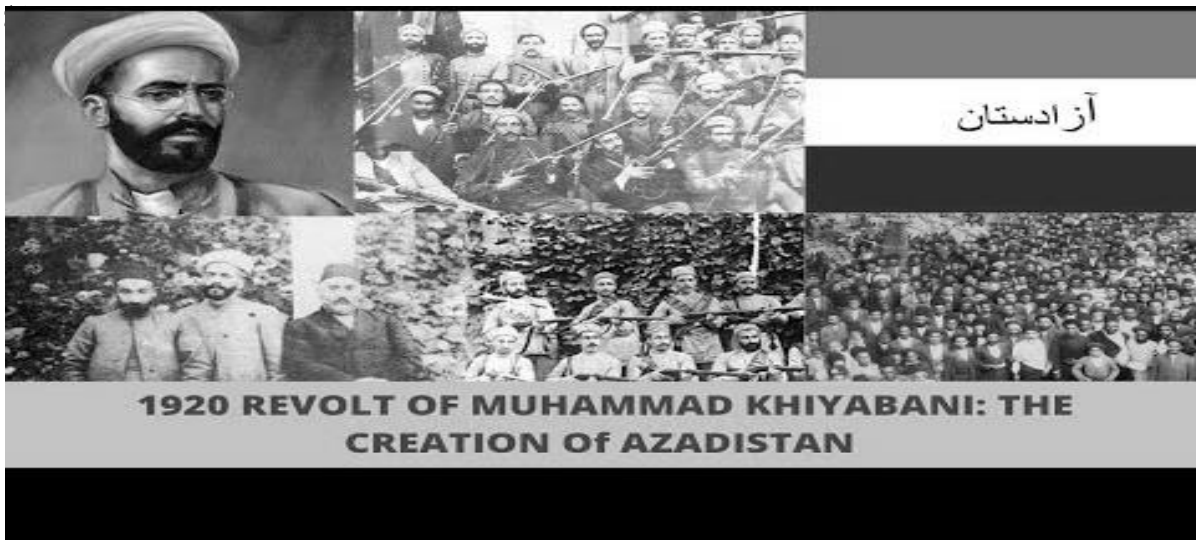
به کوشش : دکتر حسین شرقی دره جک

بیرینجی دونیا محاربه سنین دوغوردوغو تاریخی  
شرایطده، قوزیبی آذربایجاندا اولدوغو کیمی،  
گونئی آذربایجاندا خالق اؤز میللی  
دؤولت چیلیک عنعنه لرینین دیرچلیشی اوغروندا  
موباریزه قالدی .

محاربه ایللرینده ایران اراضی سی، او جمله دن  
اؤلکه نین شمال-قربینی احاطه ائدن گونئی  
آذربایجان تورپاقلاری دا خارجی دؤولتلرین حربی  
عملیات میدانینا چئوریلیمیشدی. ایرتیجاع و یاد  
ائل لی ایشغال چیلارین آغالیغی خالقین اونسوز دا  
آغیر اولان وضعیتینی، اؤلکه داخیلینده کی  
ضدیتلری سون حده چاتدیرمیشدی. روسیادا  
فئورال اینقیلابی نتیجه سینه چار مطلقیتی  
دئوریلسه ده روس قوشونلاری هله ده گونئی  
آذربایجان ایشغال آلتیندا ساخلا بیردیلار. شاهلیق  
رژیمینه و خارجی ایشغال چیلارا قارشی بوتون  
ایرانی احاطه ائدن خالق حرکتی، اساسلی  
قورولوش و دئموکراتیک دییشیک لیکلر اوغروندا  
موباریزه، چوخ چکمه دن، گونئی آذربایجاندا میللی  
آزادلیق حرکتی کاراکتری آماغا باشلادی .

روسیادا باش وئرن حادثه لر، آذربایجانین  
قوزیبیندا آزادلیق حرکتینین غلبه سی، میللی  
دؤولت چیلیک عنعنه لرینین دیرچلیشی و  
آذربایجان خالق جوهوریتینین حیاتا کئچیریدی  
اصلاحاتلار اؤلکه نین جنوبوندا میللی آزادلیق  
حرکاتینی داها دا قوووتلندیردی .

گونئی آذربایجاندا میللی آزادلیق حرکتینا  
۱۹۱۱-۱۹۰۵-جی ایللر ایران اینقیلابینین فعال



آذربایجان اراضی سینده ده خالقیمیزا قارشی حیانا کئچیریلن سویقیریمین قارشی سی آلیندی. لاکین تورکیه اوچون یارانمیش چوخ آغیر بین الخالق شرایطده تورک حربی قوه لری ۱۹۱۸-جی ایلین نوپابریندا گونئی آذربایجانلی ترک ائتمه لی اولدولار. بوندان ایستیفاده ائدن اینگیلیس لری تبریز ده داخیل اولماقلا بوتون گونئی آذربایجانلی ایشغال ائتدیلر. بئله لیکله، ایران اراضی سی تامامیله اینگیلیس لری نظارتی آلتینا کئچدی .

۱۹۱۹-جو ایل آگوستون ۹-دا ایشغال چیلارین تضییقی آلتیندا ایرانلا اینگیلتره آراسیندا سازیش باغلانندی. سازیشین شرطلرینه اساساً ایران اینگیلتره دن آسیلی دؤولته چئوریلیدی. اودور کی، ۹ آگوست سازیشی خالق حرکتینی داها دا آلواندیردی. بوتون ایران، او جمله دن گونئی آذربایجان بو آلچالیدی سازیشه قارشی آیاغا قالخدی. گونئی آذربایجانین هر یئرینده ایزدیحاملی میتینقلر و نوماییش لری باشلانندی. ۱۹۱۹-جو ایلین اوکتیابریندا عصیانا قالخان تبریز مجاهیدلری ایران والی سینی شهردن قوودولار. بوندان چوخ کئچمیش تبریز اهالی سینین طلبی ایله اینگیلیس حربی حیصه لری ده شهردن چیخاریلیدی .

میلی آزادلیق حرکتی گئتدیکجه داها آردیجیل کاراکتر آلدی و اؤزونون حللندیجی مرحله سینه

ده گؤندردی. گئنرال دنستروپله انزلی، رشت و باکینی اله کئچیرمک باره ده گؤستریش وئرلمیشدی .

اینگیلیس لری، گویا "تورک تهلوکه سینی" "قباقلماق" مقصدیله، گونئی آذربایجانین تورکیه ایله همسرحد رایونلارینی اله کئچیرمه سی و بونولا بوتون ایرانی نظارت آلتینا آملاری اولکده نارازیلیغی داها دا آرتیردی، گونئی آذربایجاندا میلی آزادلیق حرکتینی داها دا قوووتلندیردی .

بئله بیر شرایطده کئچمیش روس ظابطلری طرفیندن سیلاخلاندیرلمیش ارمنی قولدورلاری شرقی آنادولو و قوزیبی آذربایجاندا اولدوغو کیمی، گونئی آذربایجانین تورکیه ایله سرحد بؤلگه لرینده ده آذربایجان تورکلرینه قارشی سویقیریمینا باشلادیلار. فرانسیز ظابطلری و آمریکا میسیسیونئرلری طرفیندن قیزیشدیریلان آیسورلار و کوردلر ده آذربایجان خالقینا قارشی توره دیلن بو قانلی قیرغیندا فعال ایشتیراک ائدیردیلر. یارانمیش آغیر وضعیتده قارداش تورکیه نین حربی قوه لری گونئی آذربایجان تورکلرینین کمکینه چانندی. ۱۹۱۸-جی ایلین مارتیندن باشلایاراق ماکو، اورمو و سالماسی ایشغال چیلاردان و ارمنی-آسوری-کورد قولدورلاریندن تمیزله یین تورک حربی حیصه لری تبریزه داخیل اولدولار. بئله لیکله، گونئی

ايرتيجايا و اينگيليس آغالغينا قارشى عمومخالق ناراضيلغينين بوتون ايرانى احاطه ائتدى شرايطده تبريز عصيانچيلارى داها قطعى آددىملار آتماغا باشلايدىلار. ۱۹۲۰-جى ايل ايونون ۲۳-ده تبريزده شيخ محمد خيابانى باشچىلىغى ايله مىللى حكومت يارادىلدى. آد فاعللاريندان عبارت اولان مىللى حكومتين تركيبى اهلينين موختليف طبقه لرينين نماينده لريندن عبارت ايدى .

مىللى حكومتين فعاليتده باشلايدىغى ۲۴ ايون گونو تبريزده اومومخالق بايرامينا چئوريلدى. بوتون موسسسسلرده، تدريس اوجاقلاريندا ايش دايداندىرىلدى، بازارلار باغلاندى. مىللى حكومتين قرارى ايله، مركزدن گؤندريلميش بوتون دؤولت مأمورلارى، ايران والىسى ده داخيل اولماقلا، تبريزدن چىخارىلدىلار. بو، فاكتيكى اولاراق، گونئى آذربايجاندا مرتجع شاهلىق رژىمينين - ايران حاكميتينين دنوريلمهسى و مىللى دؤولتچىلىك عنعنه لرينين ديرچلىشى دئمك ايدى. شيخ محمد خيابانين باشچىلىق ائتدى مىللى حكومت ايسه مستقىل دموكراتىك رئىسپوبلىكا فونكسياسينى يئرینه يئتيردى .

بونونلا بئله، خالقين تاماميله مستقىل ياشاماق عزمينين عليه ينه اولاراق، مىللى حكومت بوتون ايرانين دموكراتىكلىشىدىرىلمهسى و اولكدهده قانونى قورولوش يارادىلماسى، داخىلى ايرتيجايا و اينگيليس آغالغينا سون قويولماسى اوغروندا موباريزه ختتىنى داوام ائتديرير، گونئى آذربايجانا قارشى يئرىدىلن آيرى-سئچكىلىك سياستينه قارشى چىخىش ائديردى .

بئله ليكله، خالقين تام مستقىل ليه جان آتماسينا و فاكتيكى اولاراق، اؤزونون مستقىل دموكراتىك جمهوريتىنى ياراتماسينا باخمايلاق، مىللى

داخيل اولدو. ۱۹۲۰-جى ايل آپرئلين ۷-ده شيخ محمد خيابانين رهبرلىگى ايله تبريزده سلاحلى عصيان باشلاندى. بوتون تبريز اهالىسى عصيانچيلارين مدافعه سينه قالدى. عصيانى ياتيرتماق اوچون مركزدن گؤندريلميش پليس دسته لرى بونا جسارت گؤسترمه يرك شهرى ترك ائتديلر. خالقين مىسلى گورونمىش فعال ليغى نتيجه سينده ۱۹۲۰-جى ايلين ۷ آپرئل عصيانى قان توكولمه دن قاليب گلدى.

عصيانين قاليب گلدى ۷ آپرئل گونو خالق قارشى سيندا چىخىش ائدن شيخ محمد خيابانى همين گوندن اعتباراً آذربايجانين آدينين ديشديريله رك "آزادىستان" ("آزادلىق اولكهسى") آدلانديرىلاجىغىنى بيان ائتدى .

تبريز عصيانچيلارى درحال عملى فعاليتده باشلايدىلار. مركزدن گؤندريلميش دؤولت مأمورلارى و حربى قوللوقچولار وظيفه لريندن كنار ائيدىلر. بوتون دؤولت ايداره چىلىگى آد فاعللارينين عليه كئچدى. بئله ليكله، بوتون ايران اراضى سينده دموكراتىك ديشىكلىكلر و يئنىلشمه اوغروندا باشلانمىش حركات، نتيجه اعتباريله، مىللى آزادلىق حركاتينا چئوريلدى. آذربايجانين مستقىل دؤولتچىلىك عنعنه لرينين ديرچلديلمه سينه باشلاندى. خالق آزادلىغا جان آتير، اؤزونون مستقىل، مىللى دؤولتىنى ياراتماق ايستىردى .

تبريزده سلاحلى عصيان قلبه چالدىق دان سونرا خوى، اردبيل، آستارا، ماراغا، اهر و زنجاندا دا عصيانلار باش وئردى. گونئى آذربايجاندا باش وئره ن مىللى آزادلىق حركاتى ايرانين باشقا يئرلرينده ده داخىلى ايرتيجادان و اينگيليسلردن ناراضى اولان قوه لر طرفيندن رغبتله قارشىلاندى .



اصلاحاتینا باشلاندى. بو مقصدله يئنى ايداره لر، موسسسهر، ناظرليكلر ياراديلدى .

گوروندويو كيمي، ميللى حكومتين حياتا كئچيردي بوتون تدبيرلرين، هابئله نظرده توتولان اصلاحاتلارين اوزو ده، اصلينده، گونئي آذربايجاندا جمهوريت تپلى مستقىل، دموكراتيك دؤولت ياراديلماسينا يۇنلميشدى. ياراديلماق دا اولان مستقىل آذربايجان دؤولتى آزادىستان مملكتى آدلانيردى. بونا مووافق اولاراق بوتون رسمى سندلرده، بلانكلاردا، هابئله ناظرليكلرين، ايداره و موسسسهرلرين آدى عكس اولونان لؤوحه لرده آذربايجان آدى "آزادىستان" لا عوض اولوندو .

خيابانى اوز دوغما خالقيني دايم معاريفلنمه يه، اينكيشاف نامينه مباريزه يه چاغيرير، مستقىلليين، آزادليغين يالنيز بو يوللا الده اولوناجاغينا اينانيردى. او، تبريزين شهر باغيندا تشكيل اولونموش ييغين جاقلاردا ترققيرور فيكيرلرينى تبليغ ائديردى. شيخ محمد خيابانينين ۱۵ ايون ۱۹۲۰-جى ايلده سؤيلدي نيطقينده اونون مباريزه سينين اساس ايدئيلارى اوز عكسينى تاپيب :

"- منليينى سئومك طبيعى و عمومى بير قانوندور. هر بير آدام، هر بير جانلى بشر اوزونو باشقاسيندان چوخ سئور. بونا گوره ده بير جمعيت اوز رفاه حاليني ياخشىلاشديرماغي باشقاسيندان گوزلهمه ليدير. خصوصيله اوزونه نيسبتا رابطه و ياخينليغي اولمايانلاردان يارديم و خيدمت گوزلهمك يئرسيزدير. اوز شخصيتينه حورمت ائتمك، اونا اينانماق دا منليينى سئومكله بير سيرادا قويولمالىدير. بير خالق، بير جمعيت تكبورلو و اوزونه بدگمان اولمامالىدير. اينسان اوز شخصى اعتمادينين اساسيني اخلادان آلچاقليغي، آجيزليك قدر تواضكارليغي قبول

حكومت گونئي آذربايجانين تام مستقىلليكي اوغروندا دئييل، يئنى ياراديلجاق دئموكراتيك ايران دؤولتينين تركيبينده ميللى مختاريت حقوقو الده ائتمك اوغروندا مباريزه آپايردى .

ميللى حكومتين رهبرلى اينانيردىلار كي، تبريزدن سونرا بوتون ايران آياغا قالخاجاق، شاهليق ايداره اوسولو دئوريله جك، خالق حاكميته گله جك و بوتون اؤلكه ده جمهوريت قورولوشو برقرار اولاجاق دير؛ يئنى ياراديلجاق عموم ايران خالق حكومتينين تشكيلينده آذربايجانلilar مهم رول اويناياجاقلار. خيابانى امين ايدى كي، "تبريز ايرانا نجات وئره جك دير!"

بئله ليكله، قارشى سينا ايراندان آيريليب مستقىل آذربايجان دؤولتى ياراتماق كيمي سياسى وظيفه قويمايان ميللى حكومت اقتصاديات، معاريف، صحيه و ب. ساحه لرده اصلاحاتلارا باشلادى. ايلك نؤوبه ده دؤزولمز وضعيته دوشموش يوخسول اهالينين، او جمله دن تبريزليرين وضعيتيني ياخشىلاشديرماق اوچون موختليف كاراكتئرلى تدبيرلر گورولدو. ساوادسيزليغين لغوينه باشلاندى. ميللى مکتبلر، خسته خانالار آچيلدى. تبريزده يوخسول اوشاقلارى اوچون پولسوز قيز مکتبى فعاليته باشلادى. يئنى آچيلميش ميللى مکتبلرده درس دئتمك اوچون باكى دان، توركيه دن، هابئله تيفليس دن معلملر دعوت اولوندو. ميللى اوردو ياراديلماسى اوچون حاضرليق ايشلرينه باشلاندى. ميللى حكومتين اوز ژاندارم و پليس دستهلر ياراديلدى. پليس مکتبى آچيلدى. عيني زاماندا يئنى ايش يئرلى آچيلماسى، پول اصلاحاتى كئچيريلمه سي، بانك-ماليه سيستمي ياراديلماسى، بلدييه سئچكيلرى كئچيريلمه سي اوچون حاضرليق ايشلىرى گورولمه سينه، تورپاق

فاکتیکی اولاراق، اؤزونون جمهوریت تیپلی دموکراتیک دؤولتینی یاراتماغا باشلامیشدی .

آزادیستان مملکتینین اوغورلاری بوتون ایرانی حرکتی گتیرمیشدی. لرزه یه دوشن شاهلیق رژیمی، همچنین، ایرانی اؤز آسیلیغیندا ساخلاماغا چالیشان و باکی نفتینه جان آتان اینگیلیسلر رئال تهلوکه قارشیسیندا قالمیشدیلار. اودور کی، ایران ایرتیجاسی و اونا یاخیندان کؤمک ائدن اینگیلیسلر تهراندا میلی حکومتی قارشى قصد حاضیرلاماغا باشلامیشدیلار .

تهران رژیمى بیر طرفدن میلی حکومتین باشینی قاریشدیرماق اوچون شیخ محمد خیابانی ایله دانیشیقلا آپاریر، مختلف و دیر و ئیر، دیگر طرفدن ایسه تبریزه هوجوم پلانی حاضیرلایردی. بوتون حاضرلیق ایشلری باشا چاتدیریلدیق دان سونرا ۱۹۲۰-جی ایل شهریورین ۲۲-ده تپه دن دیرناغادک سیلاخلانمیش ایرتیجاسی قوه لری تبریزه هجوم ائدیله. تبریز عصیان چیلاری ایکی گون عرضینده قهرمانجاسینا مقاومت گؤستردیلر. لاکین سایجا چوخ اولان و یاخشی سیلاخلانمیش نظاملی حکومت قوه لری اوستونلویو اله آلا بیلدی. شهریورین ۲۴-ده خیابانی اؤلدورولدو و عصیان قان ایچری سینده بوغولدو. بئله لیکله، آذربایجان خالقینین استیقلال مباریزه سینین داها بیر پارلاق صحیفه سی تاریخه قوووشدو. قوزیبی آذربایجاندا شوروی روسیاسینین قانلی بولشئویک رژیمى آذربایجان خالق جومهوریتینین وارلیغینا سون قويدوغو کیمی، گونئی آذربایجاندا دا ایرانین شوونیست شاهلیق رژیمى آزادیستان مملکتینی قان ایچینده بوغدو. واختیله گولوستاندا و تورکمنچایدا آذربایجانى اؤز آرالاریندا ایکی یئر پارچالامیش قوه لر اونون آزادلیغا چیخماسینا یول وئرمه دیلر.

ائتمه مەلی دیر. بشریت بوتون عضولرینین بیرلیکده اولان فعالیت و یاردیمینا محتاج دیر. ائله تصوور ائتمه مەلی دیر کی، دونیادا یاشایان کیچیک بیر خالق بشریت خیر وئره بیلمز و اونون وارلیغینا اعتیناسیز مناسیبت بسله مک اولار. چوخ تأسف اولسون کی، بیز اؤز قدیر و قیمتیمیزی چوخ آز بیلیمیش، بلکه ده اؤزوموزده اولان منلیکدن خبر توتمامیشیق. بو، فردلرین حیاتیندا تجروبه دن کئچیریلیمیشدیر. یوکسک خصوصیته مالیک اولان، عالی فیکیرلره خیدمت ائدن، اؤز درجه و حیثیتینی قیمتله ندیره ن و بونون قورونماسی اوچون چالیشان شخصلر همیشه یوکسک مقاما چاتمیشلار. محض بونا گؤره دیر کی، بیر چوخ ادیب و فیلسوفلار اؤز شخصیتلری نامینه عالی درجه یه چاتمیش و پادشاهلاری بئله اؤز زحمت و قدرتینه قارشى حؤرمت ائتمه یه مجبور ائتمیشلر. اولار سارایلاردا ان پارلاق یئر توتوموشلار. خالقلار دخی بو عظمتی، معنوی قوه نی، منلیگی و اؤز وارلیغینا ائتمادی اوزه چیخارماقلا ترققی و اینکیشافا نایل اولار بیلرلر. آزاد و مستقیل اولماق ایسته یین بیر خالق، اؤز حیاتینا و اجتماعی مسئله لره لاقید قالا بیلمز. بیز دخی موترققى خالقلار جرگه سینه چاتماق اوچون اؤز فیکیر و حیسیسیاتیمیزی اولارین درجه سینه قالدیرمالیییق .

بیر خالقین شرافتی اوچون بیرینجی شرط اونون مستقیل اولماسی دیر .

مستقیل اولمایان بیر خالقین عزمی و حؤرمتی یوخدور. خالقین استیقلالیتینی اونون اخلاقی فضیلتی ساخلایا بیلر. هر بیر خالقین استیقلالیتینی قورویان اونون مردلیک و شجاعتی دیر . "گونئی آذربایجاندا میلی آزادلیق حرکتی درینلشمکده ایدی. آذربایجان خالقى،

## ترس از مرگ اساس اغلب ترس های ماست

به کوشش: علی محمدنیا

استفاده از نظریه ای در روانشناسی اجتماعی که به آن TMT یا نظریه مدیریت وحشت می گویند می باشد.

ساز و کار های مقابله با نگرانی مرگ طبق این نظریه ما ترس از مرگمان را با تغییر حواس مربوط به مفهوم بخشی به زندگی تحت کنترل و مدیریت می گیریم. ما برای این کار به دستاورد های شخصی و دوستانمان فکر میکنیم و برای اینکه بتوانیم خاطرات زیبایمان با دوام باشند بارها و بارها از خود و دیگران عکس می گیریم. همچنین ممکن است به کلیسا یا مسجد رفته و به زندگی پس از مرگ هم اعتقاد داشته باشیم.

این رفتار ها باعث خواهند شد اعتماد به نفس ما بالاتر رفته و در برابر مرگ احساس قدرت کنیم. با این حال برخی زمان ها پیش می آید که ترس از مرگ خود یا کسانی که دوست داریم باعث پاسخ های غیر مناسب و پاتولوژیکی می شوند.

افراد می توانند ترس از مرگ را با ترس های دیگر که قابل کنترل تر و مدیریت پذیرتر باشند، نظیر ترس از عنکبوت ها یا ترس از میکروب جایگزین کنند. چنین ترس هایی امن تر از ترس از مرگ بوده و کنترل بیشتری روی آن ها قابل اعمال است.

### عکس گرفتن

انسانها برای اینکه حس فناپذیری را در خود تقویت کنند عکس های بسیاری از خود و دیگران می گیرند.

این منطقی است. زمانیکه با دقت به نشانه های بسیاری از ناهنجاری های ناشی از نگرانی نگاه می کنیم تم مرگ در آن ها به صورت واضحی دیده می شوند. زمانیکه کودکان از اختلال نگرانی



### - ترس از مرگ

برخی افراد ترس از مرگ را با ترس های قابل کنترل تر و کوچک تر جایگزین کرده و بر روی آن ها متمرکز می شوند.

آگاهی از فناپذیری انسان بخشی از هویت ما را تشکیل می دهد. همان طور که نویسنده و فیلسوف اگزیستانسیالیست ابروین یالوم گفته است ما تحت تاثیر سایه ابدی مرگ هستیم و همواره می دانیم پس از رشد و شکوفایی نهایتاً خواهیم مرد.

تحقیقات دانشمندان در رابطه با نگرانی های طاقت فرسای انسان از مرگی حتمی هر روز بیشتر می شود. همچنین با توجه به این که به طور قطع نمی دانیم مرگ چه زمانی به سراغ ما خواهد آمد نگرانی های فزاینده ای نیز در این رابطه داریم. یک راه فهمیدن این که چگونه نگرانی ها، رفتار و باور ما از خود را تحت تاثیر قرار می دهند

کسانی که در شستن دست و سواس دارند زمانی که ترس از بیماری و مرگ دارند بیشتر کاغذ های توالت را استفاده می کنند.

مطابق فرضیه TMT نگرانی از مرگ می تواند باعث پاسخ های عصبی و پر از تشویش شود.

تحقیق جدید از تکنیک مشهور "القای میرایی برجسته" استفاده کرده است. در این تکنیک ترس از مرگ در افرادی که ناهنجاری فوبیا دارند برجسته تر می شود. این تکنیک مستلزم آن است که شرکت کننده احساساتی که زمان فکر کردن به مرگ دارد را به روی کاغذ بیاورد و همین طور با جزئیات بنویسد که فکر می کند زمانی که در حال مرگ است چه اتفاقاتی خواهد افتاد. همچنین از شرکت کننده خواسته میشود بنویسد فکر می کند پس از مرگش چه اتفاقات دیگری رخ خواهد داد.

ترس از عنکبوت ها که ناشی از ترس از مرگ باشد باعث واکنش های شدید عصبی به عنکبوت ها خواهد شد. این واکنش ها می توانند به قدری شدید باشند که فرد از نگاه کردن به عنکبوت ها هم سرباز زند. این تفاوت افرادی است که ترس از مرگ دارند و در عین حال ترس از عنکبوت را جایگزین آن کرده اند تا بتوانند بهتر با آن مقابله کنند. در مقابل افرادی هم هستند که ترس از عنکبوت به صورت طبیعی دارند. در این افراد ترس به صورت افراطی افراد پیشین مشاهده نمی شود. همچنین افرادی که به صورت وسواسی دستان خود را می شویند زمانی که دلیل این کارشان ترس از مرگ باشد بیشتر از افراد دیگری که دستان خود را به صورت وسواسی می شویند از کاغذهای توالت استفاده می کنند و حساسیت آن ها در این مورد بیشتر خواهد بود.

جدایی رنج می برند ترس فزاینده ای در رابطه با از دست دادن یکی از حامیان زندگیشان نظیر والدین یا دیگر اعضای خانواده دارند ( این ترس به شکل ترس از بروز حوادث رانندگی، فاجعه ها و مریضی های شدید است که می تواند اعضای خانواده کودک هراسان را از بین ببرد).

افرادی که از مرگ وحشت دارند و وسواس واری هم دارند بارها و بارها اجاق گازشان را چک می کنند و مراقب اینند که مرگشان به دلیل حوادث فرا نرسد. کسانی که از ترس دستهای خود را به صورت وسواسی می شویند می ترسند که بیماری های کشنده و مزمن بگیرند.

افرادی که ناهنجاری وحشت دارند معمولاً نزد دکتر می روند زیرا می ترسند که از حمله قلبی بمیرند. در عین حال آن هایی که سابق بر این در روانشناسی به آن ها مالیخولیایی می گفتند معمولاً بارها و بارها از بدنشان آزمایش های طبی گرفته و به دنبال نشانه های بیماریهای جدی در بدنشان هستند.

در نهایت ترس های فوبیایی خاصی هم هستند از جمله ترس از ارتفاع، ترس از عنکبوت، ترس از مار و ترس از خون که همه آن ها به نوعی به ترس از مرگ بر می گردند. مثلاً پاسخ ترسی که عنکبوت ترسها از دیدن یک عنکبوت می دهند معمولاً شامل بالا پریدن، جیغ زدن و لرزیدن است. برخی متخصصان بر این باورند که این پاسخ های افراطی در واقع جایگزینهای منطقی به ترس های جدی تری نظیر ترس از دیدن یک فرد با سلاحی در دست می باشد.

### ترس از مرگ برای درمان فوبیا

شستن دست ها - بیماری فوبیا

را چک می کنند زمان زیادی از زندگی خود را صرف رفتار هایی می کنند که بر ترسشان غلبه کنند و به همین دلیل این افراد در برابر آتش، دزدی از خانه، میکروب یا سایر تهدید هایی که بر آن ها و یا کسانی که دوست دارند روا شود بسیار حساسند.

همینطور افرادی که فوبیا دارند (ترس افراطی) می توانند به قدری در ترس خود غرق شوند که در شرایطی که با موردی که باعث ترس آن ها می شود مواجه شوند عکس العمل های بسیار شدیدی از خود نشان دهند. وقتی افکار و رفتار این افراد باعث شود انجام کارهای روزمره ی این افراد با مشکل روبرو شود دیگر ترسشان طبیعی محسوب نمی شود.

یکی از روش های درمانی این ترس ها درمان شناخت رفتاری می باشد که طی آن روانکاو از استراتژی ها و راهکارهای جدیدی برای پی بردن به منشا ترس افراد استفاده می کند و معمولا به این نتیجه می رسد که ریشه این ترس ها در اغلب افراد ترس از مرگ می باشد.

بدون بهره گیری از روش های درمانی، شیخ مرگ ممکن است به قدری افرادی را که افراطی از آن ترس دارند در خود فرو برد که دیگر برای درمان دیر شود.

مدیاسافت منبع : buttun



افرادی که ترس از اجتماع دارند و علاقه ای به شرکت در انجمن ها و گروه های اجتماعی ندارند زمانی که به آنها مرگ را یاد آور می شویم ترس از اجتماع در آنها تشدید خواهد شد زیرا حتی با دیدن چهره های شاد و عصبانی افراد مختلف هم آشفته می شوند چون از نظر آن ها این چهره ها چهره هایی هستند که ترس آنها را قضاوت می کنند. در حالیکه چهره های خنثی از دید این افراد زیاد تهدید کننده به نظر نمی رسند.

**آیا ترس از مرگ عادی است؟**

**ترس از مرگ - قبرستان**

**ترس از مرگ بخشی از زندگی انسان است.**

با توجه به این که همه می دانیم زمانی خواهیم مرد ترس از مرگ بخشی عادی زندگی انسان شده است. برای بسیاری از ما فکر کردن در مورد مرگ باعث ترس از دست دادن عزیزان، درد، رنج و همچنین تشویش و نگرانی خواهد شد.

طبق نظریه مدیریت وحشت، ترس از مرگ از جهت مثبت یا منفی میتواند به قدری در ما تاثیر گذار باشد که زندگی خوب یا بدی را برای خود فراهم کنیم.

این ترس می تواند در ما این انگیزه را به وجود بیاورد که کسانی که دوست داریم را بیشتر با محبت خود همراه سازیم و خاطرات زیباتر و بادوام تری با آن ها بسازیم و به دنبال امیدها و رویاهای خود برویم، به توانایی های خود ایمان بیاوریم و تلاش کنیم تا موفق تر شویم.

ترس و نگرانی از مرگ زمانی غیر طبیعی خواهد شد که باعث افکار و رفتارهای پاتولوژیکی و آسیب زننده شود و رفتار عادی ما را مختل کند. بسیاری از افرادی که به صورت وسواسی و افراطی دست های خود را می شویند و همچنین کسانی که به صورت وسواسی و افراطی تمام وسایل خانه



## مراسم «چیلله گئجه‌سی» آذربایجان یادگاری از دوران اساطیری

فروردین با جشنی بزرگ یاد می‌شد، شب چله نیز تولد نور و امیدواری بود برای مردمان قدیم. مهرداد بهار اسطوره شناس برجسته و پسر ملک الشعرا بهار معتقد بود که نوروز جشنی آریایی نبوده بنابراین چیلله گئجه‌سی نیز جشنی آریایی نخواهد بود.

خورشید در اساطیر آذربایجانی جنس مذکر دارد و شایسته احترام و ماه جنسی مونث. بی دلیل نبود که موقع خورشید گرفتگی، اجدادمان برای خلاصی خورشید مقدس از چنگ به زعم آنها



اژدها با کوبیدن ظروف مسی سعی می‌کردند خورشیدشان را از دست اژدهای بدطینت برهانند. آیین خورشیدپرستی در میان رومی‌های باستان نیز رواج داشته و آنچنان قدرتمند بود که بعد از گرویدن رومی‌ها به مسیحیت، جشن تولد خورشید به جشن تولد عیسی مسیح تبدیل شد بطوریکه امروزه ۴ روز بعد از شب چلله، مسیحیان، میلاد عیسی مسیح را جشن می‌گیرند حال اینکه براساس شواهد جدی و حتی متن خود انجیل عیسی در فصل گرمی متولد شده است. حتی در سده ۱۷ میلادی، آیزاک نیوتن بحث می‌کند که روز تولد مسیح تنها به این دلیل

دکتر توحید ملک زاده



یکی از قدیمی‌ترین مراسم‌های رایج در آذربایجان که همچون جشن سال نو و یئنی گون ( اول فروردین) ارتباط نزدیکی با نجوم دارد مراسم چیلله گئجه‌سی می‌باشد که هر سال با شکوه فراوان در میان خانواده‌های آذربایجانی برگزار می‌شود. آمادگی برای این شب به یادماندنی از چندین روز قبل شروع می‌شود و با شب نشینی در آخرین شب آذر به اوج می‌رسد.

اساس این جشن هماهنگ با سال اعتدالی و براساس تقویم ترکان در زمان سلجوقی یعنی تقویم جلالی - به افتخار سلطان جلال الدین ملکشاه سلجوقی- موقع تحویل ماه جدی (آذر) به قوس ( دی) پایه‌ریزی شده است. شب این تحویل، طولانی‌ترین شب سال است و مردمان قدیم برای درامان ماندن از شر شب طولانی و در ضمن خوشحالی از تولد خورشید و نورانیت به جشن و پایکوبی می‌پرداختند.

در اساطیر ملل شرق، این شب را شب تولد خورشید می‌دانند و ارتباط آن با آیین‌های قدیمی مورد اتفاق تمام محققین می‌باشد. همچنان که تولد خدای دوموزی در میان سومریان در اول



۳- گردآمدن در منزل بزرگ و بیاتنی گویی، خاطره گویی، تاپماجا، داستانسرایبی حماسی نظیر کورواغلوو نقل داستان‌های دده قورقوت و شنیدن سخنان اوزان/عاشیق‌های باستانی در اثر گسترش رسانه‌های جمعی و خصوصا تلویزیون و سیاست‌های یکپارچه‌سازی ملی، اخیرا کلمه یلدا به صورت همه گیر وارد فرهنگ و زبان ملل ساکن ایران شده که جالب است چند دهه قبل این مردمان قبلا هیچ اطلاعی از چیلله و به زعم آنان یلدا نداشتند ولی در آذربایجان، تورکان این شب را «چیلله گنج‌سی» نامیده‌اند، می‌نامند و خواهند نامید.

\*\*\*\*\*



انتخاب شده که با تحولات خورشیدی هماهنگ باشد. بدین ترتیب این آیین از این طریق وارد زندگی جمع کثیری از مردم جهان شد. در آذربایجان به سبب دارابودن زمستان‌های سخت این عید و مراسم خیلی ملموس‌تر می‌باشد. در آذربایجان، این شب آغاز چله بزرگ (بویوک چیلله) می‌باشد که ۴۰ روز ادامه دارد. سرما پس از ۴۰ روز زورش را می‌زند تا دوباره سرما را برجهان حاکم گرداند ولی گرم شدن زمین عمر چله کوچک (کیچیک چیلله) را کوتاه‌تر می‌کند و پس از بیست روز بایرام آبی می‌رسد و مراسمات چهارگانه هر هفته در هر چهارشنبه شروع می‌شود. اهالی آذربایجان چهارشنبه اول را سو ( آب ) ، چهارشنبه دوم را اود ( آتش )، چهارشنبه سوم را یئل ( باد ) و چهارشنبه آخر را آخیر چرشنبه یا تورپاق ( خاک ) می‌نامند.

**از مراسم جنبی و در عین حال اصلی شب چلله می‌توان نام برد:**

- ۱- پای گوندرمه (هدایایی برای فرزندان خصوصا نوعروسان) - رسمی که با جدیت و علاقه فراوان در آذربایجان اجرا می‌شود.
- ۲- چیلله قارپیزی و استفاده از میوه‌های قرمز رنگ (سیب قرمز و انار) برای سمبولیزه کردن خورشید و گرمی، حلوهای مخصوص گردو و ... آجیل و میلاخ

قاضى نىن جانينا اوشوتمه گليب، سويوق تر بورودو. جلسنين سونونو اعلان ائديب، يئنه سون حؤكمو تاخيره سالدى.

نه منصفه هئيئته، نه ده خانيمينا گوردويو عجاييب منظره دن سؤز آچا بيلمزدى. دادگاه بونو سزسه يدى، يقين كى عاغلينين زوالينا حؤكوم وئريب، اونون قاضى ليك صلاحيتيني باطيل ائدردى.

اود ايله سو آراسيندا قالميشدى. نه دن بئله بير اولاي باش وئردىگيني دوشونموردو. كيمسه يه ده اونا نه كئچديگيني سؤيله يه بيلميردى.

نهایت كى منصفه هئيئتى نين فيشارى آلتيندا و جلسله رين چوخ اوزانديغينا اعتيراضلارينا خاطر، سون امضاءنى ووروب اوغلانين اعدام اولماسينا حؤكوم وئردى.

صباحيسى گون، آلا- تورانليقدا، آدان واختى، مامورلار دوستاقين قاپيسيني آچديلار. قاپينين سسى دوستاقخانانين سحر سسسيزليگينده بومبا كيمي پارتلادى. اوغلانين اوره يينه قان دامدى. اونو آدى ايله سسله ديلر. دوستاقخانانين زاليندا كى بير تالا ايشيق مامورلاردان قاباق ايچرى جومدو. گونش و سحر عاشيقى اولان اوغلانين، ايشيغى گوردوكده، اوره يينده عبث بير اومود فيدانى ديرچلدى. اوزونه بلكه بير «قورتولوش يولو اولاجاق» اومودو وئردى.

گوزلرى قاماشدى. اللرينى گوزلرينه كولگه ليك توتدو. مامورلار اونو ايكي طرفدن حصره سالديلار. بيرى قارا اورتوكله گوزلرينى باغلادى. قوللاريني قاندالادى.

اونو سورويوب ائشيگه چيخارتديلار. سحرين سويوق يئلى نازيك زيندان پالتاريندان ايليكلرينه دك يئرىدى. برک تيتره دى. أمما بير

## حكايه – اويكو – hekayə

### ويجدان

#### سحر خياوى



گؤزلويونو گوزوندن گؤتوروب، گؤزلرينى قيبب يئنى دن متهمه باخدى، تار گؤرسه ده، ايكي مامور آراسيندا اوتورموش، گنج اوغلو ايدى؛ اللرينى ديزلرينين اوستونه قويوب ملولجا اونا سارى باخيردى. او قاضى نين اونا كسديي سون حؤكمونو گوزله بيردى!!

يوخ، بو موطلق دوغرو اولاي بيلمزدى. اونون تزه درسيني بيتيرميش اوغلو، كيلومترلر بوردان اوزاقدا، ياد اؤلكه ده، پرفئشنال طب اوزه ره تحصيل آليردى!!

قاضى گؤزلوگونو ماسانين اوستونده اولان كاغيذ دستمال ايله سيليب يئنى دن گوزونه ووردو. قارشيسيندا كى اوغلو يوخ، تقريبن اوغلو ياشدا گنج متهم ايدى، بوينونو چيگنينه قويوب حزينجه اونا سارى باخيردى!!

ایپی بونونا سالدیلار. مامور چارپایینی آیاغینی  
آلتیندان چکمک اوچون قاضی نین سون حۆکمونو  
گودوردو.

او ساعاتاجا گۆزونه یوخو گئتمه یین قاضی اوزو یوخاری  
متهمه ساری باخدی. داها شوبهه یئری یوخ ایدی،  
متهم اوغلو ایدی، او گنج اوغنونون اۆلومونه فرمان وئره  
بیلمزدی. هم ده ها چک- چئوپر ائلهدی، اونون سوچو  
اعداملیق حدیدینه دئییلدی.

نه اولور اولسون اۆز- اۆزونه دئدی. بیر ایش گۆرملی یم.  
سونرا مامورا زنگ ائتدی:

— اعدام حۆکو لغو اولدو، متهمی آزاد  
بوراخین... یئنی دن محاکمه ائتمک گره کیر

متهم ائشیتدییینه اینانا بیلمیردی. سان کی بدینه  
یئنی بیر جان گلدی. هووله سک اوزونو قومساللیغا  
توللایب، وار گوجو ایله یئری قوجاقلادی. سان کی  
حیاتدان آیریلماق ایسته میردی. سونرا کائیناتین و  
مامورلارین شاشقین گوزلری قارشیسیندا هۆنکورتو  
ایله آغلادی.

قاضی ائوینه قاییدارکن صینیف یولداشی علی نین  
سۆزو یادینا دوشدو: «سن اینسانی رشته سینی یالیز  
حقوق رشته سینه عاشیق اولدوغونا سبب سئچسن ده،  
بو اوره یی کۆوره کلیک الینه ایش وئره جک. سن  
یاخشی قاضی اولما بیلمزسن، قاضی نین عاغیلی  
اوره یینه حاکیم اولمالی دیر، سن بیر پارچا اوره کسن،  
عزیز دوستوم»، — دئمیشدی.

آخشام ماذونلوق پالتاریندا، هله لیک سون شکیلی  
اولان اوغلو راضیقلارمکه دن اونا گولومسونوردو.  
صاباحیسی نه اولاجاغینی بیلمیردی، بلکه ده اونو  
ایشدن چیخاراجاقدیلار، اؤنملیسی بو ایدی کی، بیر  
لک کیمی یونگوله میشدی، نچه ایلاردان سونرا،  
راحت و یجدانلا، آنادان یئنی دوغولموش اوشاقلار  
کیمی، دینج باش یاستیغا قویبدو و میشیل- میشیل  
یوخولادی.

او بو ویجدان راحتلیغینی دونیادا هئج نه ییله  
دیشمزدی...

@SheirOcagi

هفته حسرت قالدیغی آزاد هاوانی دویا- سییا ایچینه  
چکدی.

آآخ... یاشام نجه ده دادلی، آزادلیق نجه ده تورشا-  
شیرین ایمیش!!

ایندی دار آغاجینین نجه قدملیگینده نجه ده  
یاشامین دادلی اولدوغونو آرتیق دوشونوردو.

قوللارینی آزاد قوشلار کیمی آچیب، درین بیر  
گرنشکم کونلوندن کئچدی، قوللارینی دارتاندا،  
قاندالی اولدوغونو دوشونرکن، حقیقتین نه اولدوغو،  
آوار کیمی باشینا اوچدو، سان کی بیر قازان قاینار سو  
باشیندان تۆکولدو. ناچار آیقلارینی سوروتله یه-  
سوروتله یه زیندان حیه طینین قومساللیغیندا  
آدیملا دی. آدیملا یارکن یاشلی آتا- آناسی،  
باجیلاری، بیر ده پلان قوردوغو ساییز آرزولاری،  
دوستلاری، خاطیره لری، بیر سینما پرده سی کیمی  
تغز- تغز گوزلرینین اؤنوندن کئچدی. بلکه دینی  
درسینده اوخودوغو «تجسس اعمال» بو ایمیش!!

درین بیر آه چکدی. مامورلار اوزلرینی بیلمه مزلیگه  
وورسالاردا متهمین بو سون آهی، گوزلریندن  
یایینمادی. تاسوفله باشلارینی بوللادیلار.

متهم آچیق- آیدین اۆلومدن قورخوردو. بونو آلا  
قارانلیقدا آی کیمی پاریلدایان بنیزیندن، وحشتدن  
آچیلیمیش گوزلریندن سزمک اولاردی. او دار آغاجینا  
چاتینجا بلکه ده مین دفعه اۆلموشدو، یالیز  
کۆلگه سی سورونوردو. کیم شیرین جانی نین تهلوکه یه  
دوشمه سیندن قورخمازدی کی؟!

آرتیق مقصد چاتمیشدیلار. اونو زورولا نچه پیلله  
یوخاری بیر سکی یه چیخاردیلار. چیخا بیلمیردی.  
قیچلاری طوفاندا کی فیدانلار کیمی آسیم- آسیم  
آسیردی. بیر مامور قولاغینا سون وصیتینی دئه  
سویله دی. تیره ک سس ایله:— منیم سون سوزوم  
یوخدو، یالیز تانری وارسا اۆز و سیز ایله منیم آرامدا  
دوزگون قضاوت ائتسین،— دئدی.

باشیم آغارسا دا، بیر اوغلان کیمی  
 باشیما گلہنی ارمغان کیمی  
 ارکدن خلقیمه سپه جگم من  
 توربت تک توپراغیمی اوپه جگم من  
 موقدس آرزو، گوئل بیر دیلک  
 بو دیلک اوغروندا تقدیم ائده جک.  
 بیر اورگیم وار، بیر اورک.

\*\*\*\*\*

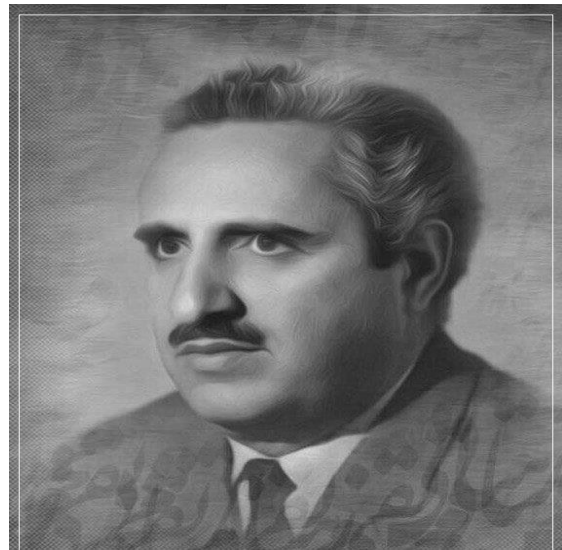
### سالروز اشغال تبریز به دست روسها

در ۱۱۱ سال پیش و در ۲۸ آذرماه سال ۱۲۹۰ خورشیدی، قوای روس پس از چندین روز اردو کشی و محاصره تبریز این شهر را به اشغال خود درآوردند. روسها در حین تهاجم و در دوران اشغال دست به اعدام آزادی خواهان و کشتار در تبریز زدند. آمار دقیق کشته شدگان به طور دقیق معلوم نیست، با این حال گزارشهای مختلف تعداد کشته شدگان در تبریز را حدود ۱۲۰۰ نفر تخمین زده اند.

تصویر مربوط به سنگر مدافعان تبریز در مارالان در زمان حمله روسها در سال ۱۲۹۰ شمسی است



## Tarixdən yarpaqlar تاریخدن یارپاقلار



۱۹۹۸-۱۹۲۳ شہستر

یکم دی ماه سالروز وفات اسرار انگیز پروفیسوز ذہتابی است. پروفیسور محمد تقی ذہتابی از بنیانگذاران فکری و نظری حرکت ملی آذربایجان و نویسنده کتاب "ایران تورکری نی ن اسکی تاریخی" میباشد.

بیر دیلگیم وار

او گون اینتیظارلار باشا چاتاندا  
 ائلیم زنجیرینی قیریپ آتاندا  
 هر یاندا بایراغیم وورولان زامان  
 عدالت دیوانی قورولان زامان  
 شن نغمه سسیندن دولاندا تبریز،  
 ایختیار الینه آلاندا تبریز،



# یست و شش آذر ۱۳۲۵ «روز جشن کتاب سوزان پهلوی سر سپرده...!»

مهندس حسن راشدی

## «خود مختاری» یک ساله آذربایجان با همه موفقیتها و ناکامی هایش!



وقتی صحبت از حاکمیت یک ساله آذربایجان به دست خود، به رهبری سید جعفر پیشه وری بین سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۵ می شود، هر فرد منصف و خارج از تعصبات، اگر کلاه خود را قاضی کرده به قضاوت نشیند، کارهای انجام شده اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و دیگر اصلاحات انجام شده در طول این یک سال را با هر معیار و مقیاسی بسنجد دچار تحسین و شگفتی باور نکردنی می شود!

«ریچارد کاتم» مامور «سازمان سیا»، استاد دانشگاه و نویسنده کتاب «ناسیونالیسم در ایران» می گوید:

«کاری که فرقه در یک سال در تبریز کرد بیش از کارهایی بود که رضاشاه در طول بیست سال انجام داد»\*

شمردن همه کارهای مثبتی که در این یک سال در آذربایجان صورت گرفت خارج از محدوده این نوشته است، تنها اشاره به رسمی کردن و استفاده از زبان تورکی آذربایجانی در تمام ادارات،

چه درد آور است در طول عمر خود یکسال و فقط یکسال و بین سال ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ احساس آدم بودن کنی (۱) و زبان تو زبان دبستان، دبیرستان و دانشگاه و ادارات شود، بعد از یکسال در وطن خود بیگانه به حساب آیی و زبان خود را قورت بدهی (۲) و کتابهای زبان مادریات را بسوزاند و لهله شادی سردهند!

درد آورتر از همه اینها در جلو چشمان کودکان دبستانی و مردم کوچه و بازار، سر سه انسان آذربایجانی در مقابل تانک ارتش شاهنشاهی اعزامی از تهران در شهر خوی بجای گوسفند بریده شود (۳) و دهها هزار انسان بی گناه در آذربایجان قتل عام شوند و همین وحشیگریها مایه مباهات برای انسان نماهای مرکز و مرکزگراها شود و ۲۱ آذر ۱۳۲۵ را «روز نجات آذربایجان» نامند و روز بیست و ششم آذر، روز سوزاندن کتابهای تورکی در آذربایجان را هم در قرن بیست و یکم جشن بگیرند!!

یکی از زندانیانی که خبردار شده بود، یواشکی میگفت که صبح یکی از همسفره‌های اعدام خواهد شد. چند نفری حلقه زده و تا نصفه‌های شب می‌نشستیم و اعدامی لباسهایش را به دوستان یا زندانیانی که ملاقاتی یا خرجی ندارند، می‌داد و پیراهنی برای خود نگهداشته، از ما میخواست که بعد از آزادی آن را به خانواده‌اش برسانیم. ماموران از ترس آنکه مبادا کسی کاری بکند، برایمان نگهبان می‌گذاشتند.

دردناک است که صبح را با خبر اعدام شروع کنی و درد این انتظار این روزها بیش از هر جای ایران در کرج احساس میشود. کرج زمانی نه چندان دور روستایی در بخش ساوجبلاغ حوزه ۱۹ تهران بود و حالا کلانشهر و گلچینی از همه شهرهای آذربایجان است که هر خبر آن، حتی قبل از عصر اینترنت نیز خیلی زود به گوش همه شهرهای ما میرسد و حالا کرج نگرانی و درد را به همه شهرهایمان پمپاژ میکند.

فرهنگ نفیسی، لغت کرج را به معنی چاک و شکاف ذکر کرده که نام رودخانه‌ای بوده و دهی به همین نام نیز در کنار آن وجود داشته است. این لغت از مصدر گرتمک به معنی بریدن و قطعه قطعه کردن است که در زبان تورکی هم‌خانواده‌های زیادی مانند گرکی (ابزار قطعه قطعه کردن چوب) گرگه (هر قطعه از منطقه‌ای، نام دهی در تبریز) و گردی یا گرتی (هر قطعه از زمین زراعی) دارد.

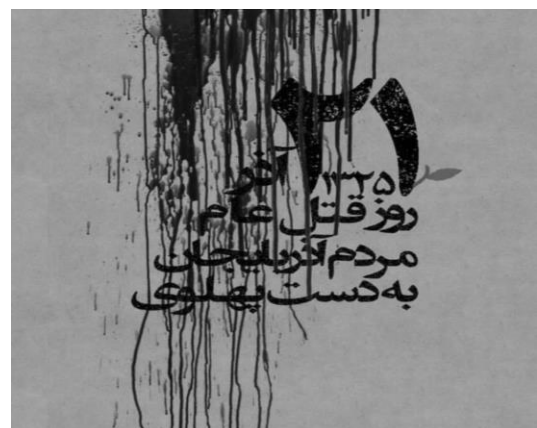
تحریم ظالمانه‌ای که حکومت‌های صد سال گذشته ایران، بر آذربایجان اعمال کرده‌اند مانع توسعه و رشد این خطه شده، باعث کوچ کارجویان آذربایجان به سایر مناطق ایران شد که کرج هم‌زمان و تقریباً نزدیک مناسبترین مکان بود و روستای کرج بخش ساوجبلاغ کم کم به بخش،

محاکمات، مکاتبات، مطبوعات و تدریس آن در همه مدارس آذربایجان و دانشگاه تبریز و انجام کلیه مقدمات و تهیه آنهمه نیازمندیها و تالیف و چاپ کتابهای درسی آنهم فقط در مدت چند ماه، سرعت و عظمت فوق‌العاده کار را نشان میدهد! آنهم در شرایطی که هر روز از طرف حاکمیت قدار پهلوی و دار و دسته مزدورشان چه در خود آذربایجان و چه از طرف تهران مردم آذربایجان مورد تهدید و ارباب قرار میگرفتند.

ملت آذربایجان در پاییز سال ۱۳۲۵ مورد قتل عام و کشت و کشتار دژخیمان پهلوی و مرکزگرایان قرار گرفت که هنوز هم صاحبان چنین تفکر وحشیانه و راسیستی قتل عام آذربایجان را «روز نجات آذربایجان!» می‌نامند! از آنچه در طول یک سال در آذربایجان اتفاق افتاد باید درسها آموخت با همه موفقیتها و ناکامی هایش...!

\*\*\*\*\*

## ابراهیم ساوالان



اعدامهایی که در زندان تبریز دیدم، چنان دردناک بودند که برای فرار از دردشان، سعی در فراموشی خاطراتشان دارم. قبل از خواب

می نامند و امروز در اوج اعتراضات و خیزشی های انقلابی اخیر نیز بر موضع ضد بشری خود اصرار دارند .

همچنانکه از اولین روز تاکید داشتیم این اعتراضات با روندی جریان مرکزگرا و رسانه های بی بی سی و ایران اینترنشنال در پیش گرفته اند ، سرانجام نداشته و جوانان مملکت آماج گلوله و شکنجه و چوبه دار شدند . ترس کلید واژه این خیزش انقلابی بود

ترس حکومت از گسترش انقلاب و از دست رفتن اقتدار و قدرت .

ترس مرکز گرایان از قدرت گرفتن غیر فارسها در نواحی خود در راستای احقاق حقوق ملی شان ومهمتر از همه ترس از دست رفتن سیستم

حکومتی متمرکز با محوریت زبان فارسی

ترس تورک ها و عربها و بلوچها و کرد ها از قدرت گیری مجدد سلطنت طلبها با صبغه ناسیونالیست فارس گرا .

در تضارب این ترسها اعتراضات فروکاست و هیجان اولیه فرونشست و عقلای هر سه طرف با کنار زدن افراد هیجانی فرمان کار را در دست گرفتند .

رسانه در دست مرکز گرایان و حاکمیت مستقر بوده و آنها نیز با اشتراک در هدف نگه داشتن سیستم مرکزگرا با محوریت هویت فارسی با اسم رمز تجزیه به هم پاس گل دادند .

آنچه امروز شاهدش هستیم همنوایی حاکمیت و مخالفان مرکزگرای مقیم داخل و خارج با قرائت سلطنت طلبها از حادثه ۲۱ آذر ۱۳۲۵ است و این قضیه داغ دل آذربایجان را تازه می کند و شخصا قائلم تا از آذربایجان دلجویی نشود و اقدام عملی در اذعان به حقوق ملی و فرهنگی تورکها و عربها و کردها و بلوچها انجام نگیرد هیچ اتحادی انجام

سپس شهر و سال ۳۷ با جمعیت ۳۵ هزار نفری به شهرستان تبدیل شد.

جمعیت منطقه ساووجبلاغ و سایر شهرهای اقماری تهران ظرف پنجاه سال پنجاه برابر شد و آنهایی که برای کار و نان کوچ کرده بودند، شاید به کار و نانی دست یافتند، ولی با سختی‌های بیشتری روبرو شدند و حالا از هیچ مجرای برای بیان فلاکت و اعتراضشان فروگذار نیستند. برای همین است که بیشترین کشته‌های آبان ۹۸ و اعتراضات اخیر، از نسل دوم همان مهاجرانی است که جان به لب شده‌اند و حالا آنهایی که از گلوله و مرگ در خیابان گریخته‌اند، با حکم اعدام مواجه‌اند.

\*\*\*\*\*

## جنايات ۲۱ آذر ۱۳۲۵ و تازه شدن

### داغ آذربایجانیان

دکتر جعفر افشارنیا

۷۶ امین سالگرد روز غم عظیم آذربایجان و از بین رفتن تمام ثروت انسانی ومادی و فرهنگی آذربایجان بدست جلاد تازه به قدرت رسیده به نام محمدرضا شاه پهلویست ذکر وقایع آن روز تکرار مکررات هست و روایت آذربایجانی ها و سلطنت طلبها بر همه آشناست و مدارک تاریخی در ابعاد جنایت انجام یافته گویای همه چیز است ولی بحث مهم جاری بودن این خون در حیات سیاسی مردمان آذربایجان و تازه شدن داغ با روی صحنه آمدن خاندان منحوس پهلویست . زمان جز مطهرات نیست که دستهای خون آلودشان را پست کمرشان مخفی نمایند و ادای همدردی با مردم ایران و ادعای مدافع حقوق بشری نمایند . ۷۶ سال است که روز قتل عام ۲۵ هزار روشنفکر و فعال اجتماعی آذربایجان را روز نجات آذربایجان

شناخته شده هستند، جلوی چشم‌های بهت‌زده کودکی ۷ - ۸ ساله که برادرزاده صغیرش بود، وی با خشونتی هرچه تمام‌تر، سلاخی کردند.

آنگاه این بچه شوکه شده و گریان را با نهایتی از قساوت و حیوان‌صفتی، بر روی جنازه خونین عمویش پرت کردند و خنده سردادند! عمویی که بعد از فوت پدرش، نقش سرپرست خانواده را برای مادر و برادر و خواهران کوچکش داشت. تصور کنید این طفل معصوم در آن لحظات سنگین، شاهد و متحمل چه بار سنگینی از خشونت، غم و مصیبت شده.

بدبختی انگار تمام شدنی نبود. چراکه همان شب که خانواده کنار هم جمع شده و در سوگ عزیز و تنها نان‌آورشان می‌گریستند، به یکباره دسته‌ای دیگر از لات و اوباش وابسته به حکومت شاه که باز نوادگان‌شان هنوز شناخته شده‌اند، به زور و خشونت وارد خانه شده و تمامی اسباب و لوازم حتی مرغ و خروس داخل حیاط خانه را نیز با قولدری غارت کردند تا آن خانواده در کنار سایر خانواده‌های عزادار شهر، بدترین لحظات عمرشان را شاهد باشند.

این کودک اکنون در قید حیات بوده و بعنوان یکی از پیشکسوتان هنر نقاشی رنگ روغن اردبیل و آذربایجان شناخته می‌شود. وی کسی نیست جز همان استاد عبدالعلی گروسی که هنوز هم در همان مغازه می‌نشیند و به آرامی و در سکوتی ژرف، به یاد می‌آورد اتفاقاتی را که در گذر عمر گرانبارش شاهد آن بوده.

به احترام این هندمند بزرگ، این شاهد زنده و به یاد جانباختگان این روز شوم، سر فرود می‌آورم.

نخواهد گرفت و اعتراضات به چند حرکت هیجانی و اظهار تاسف و انزجار مجازی و رسانه ای تبدیل خواهد شد .

۲۱ آذر ۱۳۲۵ و تبعات وحشتناک جنایت رژیم پهلوی همچنان زنده است و تا جان در بدن داریم نه می‌بخشیم و نه فراموش می‌کنی

\*\*\*\*\*

## ۲۱ آذر

رضا زرگری

در این روز که به تعبیر اهالی اردبیل و بسیاری دیگر از شهرهای آذربایجان همیشه درش برف می‌بارد، بر یادآوری غیرمستقیمی از درد، رنج و اندوهی عمومی اشاره و دلالت دارد.

روزی شوم و غم‌ناک که جولانگاه عربده‌کشان و اوباش شد. روزی مصیبت‌بار که مردم شاهد تکه‌تکه شدن و قتل‌عام فرزندان‌شان بودند. روزی خون‌بار که با فریاد و آه و گریه، در هم آمیخته بود. تقابلی شده بود بین مظلوم و دگراندیش، در برابر سیلی از نابخردی، ناجوانمردانگی، و جنایت.

کهنسالان هنوز به یاد دارند صحنه‌های وحشیانه قتل، تجاوز و شکنجه خیابانی را در شهرها و روستاهای آذربایجان، و اذهان عمومی بعد از گذشت دهه‌ها همچنان در کابوس و عذاب صحنه‌های وحشت به سر می‌برد.

یکی از این اتفاقات بسیار تائرانگیز، مربوط است به قتل استاد سلمانی که تنها جرم وی عضویت در شورای (صدر) محله قره‌دینک بود. در این روز برزخی، دسته‌ای اوباش و ارازل، وی را کشان‌کشان به جلوی مغازه‌اش در چهارراه اردبیل آوردند. وی تقلایی نداشت و آرام شاهد سرنوشتش شده بود. جنایتکارانی که کاملا

## پیشه وری نین میرائی و آذربایجان

پیشه وری بیزه میلی بیلینج و اراده اولان یئرده، ظاهرده بوتون ایمکانسیز گؤرون هر شئی، ممکن اولا بیلر و گئچکلشه بیلر حقیقتینی اؤیره تدی.

بونا گؤره ده ۲۱ آذر ایمکانسیزی، مومکون قیلان تورک میلترین آذربایجان وطنینده ان بؤیوک معجزه سی دیر .



میلی حوکومتین دوشونجه سی ایسه، آذربایجان میلی اؤنجولترین یولونا اون ایللرله ایشیق ساچان، یول گؤسترن و میلی حرکتله معنا باغیشلايان بیر دوشونجه دیر.

۲۱ آذر بیر میلترین اراده سینین ظولمه، استعمار، دیکتاتورلوقا، شونیزمه، فاشیزمی و ایشغالا غلبه سی و میلی ظفر بایرامی دیر.

پیشه وری بیز اراده ائتمک باشا بیلریک، درسینی ۲۱ آذر ۱۳۲۴/ ۱۹۴۵ ده بیزه اؤیره تدی.

بیزلر ایسه بیر میللت اولراق بو میرائی رد ائتمک حاقیمیز یوخدور. چونکی بو میرائی رد ائتمک له ابده دک استعمار و استبداد زینداندان قالماغا محکوم اولاریق.

پیشه وری میرائیندا میلی حاکمیت یالنیز دئموکراسی تملینده و میلترین حمایتی اساسیندا قورولوب و قورونما بیلر اؤیره تیسسی واردیر. دیکتاتورلوقا قارشى دئموکراتیک و استعمارا قارشى میلی موباریزه آپارماق فورمولونو پیشه وری و یول آرخاداشلاری بیزه سوندولار.

دئموکراسی و میلی لیبی بیرلشدیریب و میلی یول ایله دئموکراتیک ده یر و دوشونجه لرین بیرله شیمینی ایسه بیز آذربایجان دا محض پیشه وری دن اؤیره نیریک. بونون اوچونده ۲۱ آذر یالنیز بیر خاطره دن عبارت اولان بیر گون یوخ ،

۲۱ آذر آذربایجانین چاغداش تاریخینی ان فخر ائدیجی و شرف زیروه سی دیر. بو گون و اونون آنلامی بیزه میلی سیاسی اولراق بؤیوک پیشه وری نین بوراخدیغی بؤیوک و شانلی بیر میرائیدیر. بو میرائین آدی "میلی حؤکومت" یعنی "میلی دؤولت و میلی دؤولتچی لیک دوشونجه سی" دیر.

میلی حؤکومت بیر میلترین، میلی اگمن لیینی قوروب و بو میلی حؤکومت واسیطه سی ایله میلی طالعینی تعیین ائتمک ایمکانی دیر. بئله بیر ایمکانی درک ائتمه یی و اونون اوغروندا چالیشیب و حرکت ائتمک دوشونجه سینی بیز تورک میللتی پیشه وری و یوز مینلرله اونون یول آرخاداشلارینا بورجلوبوق.

میلی دؤولتچی لیک دوشونجه سی اولمایان بیر یئرده، میلی دؤولت قورماق ایمکانسیزدیر. بونا گؤره ده پیشه وری ۱۲ شهریور ۱۳۲۴ دن باشلایارق عمومی بیر توافق و میلی بیر تفاهم چرچیوه سیندن یولا چیخارق یوز مینلرله آذربایجان فدائی سینین مجادله و مبارزه سایه سینده ۲۱ آذر ۱۳۲۴ ده "آذربایجان میلی حکومتینی" دئموکراتیک بیر حرکت چرچیوه سینده قورا بیلدی.



## روز کتاب سوزی در آذربایجان

قسمتی از کتاب «خوی در وقایع آذر ۲۵» به قلم استاد «علی ظفرخواه»



سطوری تکان دهنده از خاطرات دکتر احمد ساعی استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، مندرج در شماره ۶ ماهنامه وزین «خوی نگار»: کلاس اول دبستان ما، با جریان فرقه مصادف بود. کتاب‌های مان به زبان تورکی بود و معلم، دیکته را هم به زبان تورکی می‌گفت. فکر می‌کنم آذرماه ۱۳۲۵ بود که یک روز آقای مهدی‌زاده مدیر مدرسه، به ما اعلام کرد همه‌ی کتاب‌های مان را به مدرسه بیاوریم.

تل بزرگی از کتاب‌ها جمع شد و همه را آتش زدند. در دنیای بچگی، هم از آتش بازی خوشحال بودیم و هم فکر می‌کردیم دیگر مشق نخواهیم نوشت!

چند روز بعد، مدیر مدرسه بعد از نطق آتشی‌نی اعلام کرد که برای پیشواز ارتش آماده باشید. هنوز ارتش وارد خوی نشده بود که دفتر فرقه دموکرات در طبقه‌ی دوم ساختمانی در میدان مرکزی، به دست مردم افتاد. بلندگوی احمدی را هنگام سخنرانی گرفتند و از طبقه دوم پایین انداختند. کشته شدن یزدانی را دیده‌ام و همه را با جزئیات کامل به خاطر دارم.

می‌للی دئموکراتیک بیر موباریزه نین تام دا آدرسی دیر.

ایلرجه جمعیت اولاراق پیشه وری میراث و دوشونجه سیندن امتناع ائدن آذربایجان، هر گون داها چوخ فاشیزمین قانلی جایناقلارینا معروض قالدی و هر گون داها ال، آیق و ذهنینه وورولان زنجیرله محکوم اولدو. کیملیینه، طالعینه، وطنینه و بوتون میللی معنوی وارلیغینا قاندال ووروب محوینه چالیشان فاشیسم و شونیزمین باتاقلیغینا داها محکوم اولدو. بو ایسه بیزه یا ۲۱ آذر دوشونجه و میراثی و بو دوشونجه میراثین گونجلشمیش شکلینه وفادار قالاغایق یا دا استعمار و استبدادا محکوم اولاجاغینی اؤیره تمک ده دیر. پیشه ورینین میراثی بیزه میلی حاکمیت دیر.

می‌للی حاکمیتی اولمایان بیر میللت ایسه، زامان سوره سینده اؤزگه لره تسلیم اولوب و اؤزگه لر ایچینده حل اولاراق محو اولماغا محکوم دور.

\*\*\*\*\*



یوخ! ..یوخ! من اولرسم ده اگر مسلکیم اولمز اود پارلایاجاق دائم افق لرده گونش تک بیر نور حقیقتدی کی، کورلار اونو گورمز حقسیزیلیه هر نقطه‌ده غالب‌دیر او مسلک...

محمد بن ریا



شرح نمونه‌هایی از تحقیر قومی آن دوران را در کتاب‌ها و نشریات مختلفی که بعد از انقلاب به چاپ رسید، می‌توان مطالعه کرد. (ما که سن‌مان به دوران پهلوی اول نمی‌رسد، ادامه‌ی آن و سرکوب و تحقیر قومی را در زمان پهلوی دوم شاهد بودیم و با پوست و گوشت و استخوان مان لمس کردیم.

قایناق: "ینکن سسی" کانالی

### دیرلی شاعیریمیز

**صدیار وظیفه ائل اوغلو نون**

آتاسینین دونیاسینی دیشمه

خبری بیزی کدرلندیردی. مرحوما

تانریدان رحمت وعزیزلرینه باش

ساغلیغی دیله بیریک. روحو شاد

اولسون. باشینیز ساغ اولسون.

درین حورمتله: دکتر حسین شرقی و

خدافرین درگیسی امکداشلار

یادم می‌آید روز پیشواز از ارتش، هنگام عبور از جلوی منزل آقای فتحی با دیدن جنازه‌ها می‌خکوب شدم. شمردم ۱۹ نفر بودند. در محل معروف به طیاره میدانی ایستادیم و انتظار طول کشید. خسته و نگران مادرم بودم. آیا می‌توانم تنها به خانه برگردم؟

بالاخره کامیون‌های ارتش دیده شد. اولین ماشین که ایستاد، افسری پیاده شد. تا آن لحظه متوجه نبودم که سه نفر با دست‌های بسته بین جمعیت هستند. هر ۳ نفر را دست و پا بسته زمین خواباندند و سر بردند. خونشان روی لباس هایم پاشید. به شدت بر خود لرزیدم و هنوز هم آن لرزش را در وجودم احساس می‌کنم.

شب، وقتی که ماجرا را برای پدرم تعریف کردم، گفت یکی از آنها الله وئردی دباغ بود.

نگارنده باید اضافه کنم سرجوانی به نام منصور را هم در «تزه کند قاپیسی» ورودی شهر، جلو تانک‌های ارتش سر بردند. آمرین معلوم نشد، ولی کسی که سر جوان را برید، یک حمال بود.

فقر و فلاکت عمومی، روابط ظالمانه‌ی ارباب رعیتی، بی‌عدالتی‌ها و بدبختی‌ها، از همه بدتر و پلیدتر، سیاست کثیف توهین و تحقیر قومی حکومت پهلوی مخصوصاً نسبت به تورک‌های آذربایجان به قصد از بین بردن هویت، زبان و فرهنگ تورکی و فارس‌یزه کردن آذربایجان از دلایل قیام آذربایجان بود.

## شاعیر حبیب ساهیر کیم دیر

میر قوام مشروطه زمانی، ساهیر بئش یاشیندا اولاندا، اوغورلانیب و اولدورولوبدور.

بئش- آلتی یاشی اولاندا، سردابا اوستو محلّه سینده بیر ملا مکتبینه درس اوخوماغا باشلاپیر.

سؤنرادان معتمدیه و حمدیه اوخولاریندا درس اوخویور.

حمدیه مدرسه سینده درس اوخویان زمان، تقی رفعت ایله (آدلیم اوگرتمن و فرانسیزجا اوگرتمن) تانیس اولور.

رفعت واسطه سیله تورکیه ده یاییلان درگیلرله تانیس اولور و توفیق فیکرت و جلال ساهیر کیمی یازچیلارین اثرلرین اوخویور.

جلال ساهیرین اثرلرینه بؤیوک سئوگیسینه گۆره یازیلارآن ساهیر امضاسی ایله یاییر و سؤنرالار ساهیر اونون سؤی آدی کیمی سئچیلیر. دیپلومو آلاندا سؤنرا معلمچیلیک ایشیله مشغول اولور.

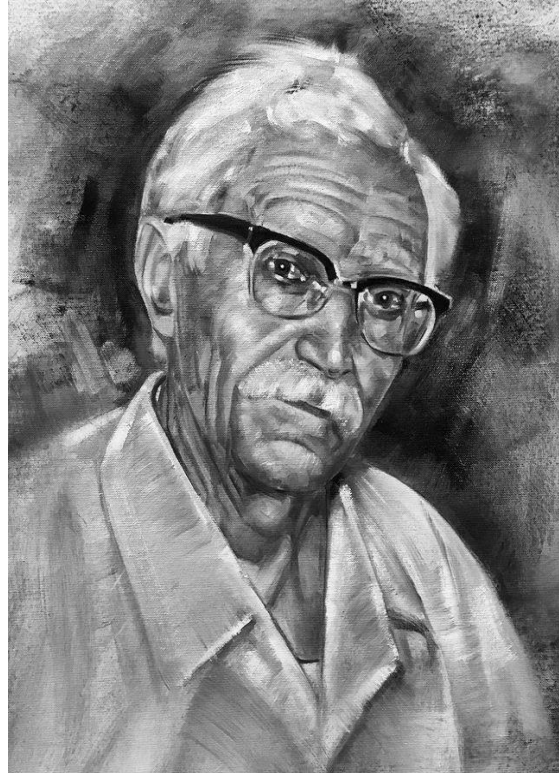
۱۳۰۶-جی ایله عالی تحصیلاتی اوچون استانبولا گئدیر و ۱۳۱۲-جی ایله لیسانس مدرکین آلیر.

۶ ایل استانبولدا یاشایان زمان آمریکالی لارین کلوبوندا یاشاییر و اوردا اولان ایکی کاتولیک کیشیش واسیطه سیله فرانسین یئنی ادبیات باره سینده گئنیس بیلگیلر الده ائدیر.

بو دوره استانبولدا گئدن تورکجه نین یئنی شعر دالغاسیلا و گنج تورکلرین دؤشونجه لری ایله تانیس اولور.

سahیر ۶ ایل استانبولدا یاشایاندا سؤنرا، باکی شهرینه گئدیر.

حبیب ساهیر ۲۱ آذر شاعیری دیر.



حبیب ساهیر، کؤکن میانالی، تبریزده دنیایا گلمیش شاعر، یازیچی آذربایجان تورکجه سی نین یئنی شعر نین آتاسی دیر.

او بوتون ایراندا اولان دیلرینده ده یئنی شعرین آتاسی کیمی ساییلیر.

سahیر ۱۲۸۲-جی ایلین تبریز شهرینده، دنیایا گؤز آچدی.

آتاسی کؤکن میانانین ترک کندیندن تبریزه کؤچوبدورلر.

آتاسی نین آدی میر قوام ایدی.

سَاهيرين خلاقيتى او قَدَر نِيما ياراجليغينداه يئنى شعرينى فارسجا تقليد ائتمه جسارتينه مالِك اولور و «شعر نو» دئييلن يئنى اَسلوب يارادىر.

«نِيما» دفعه لرله «سَاهير» ين استادل ي غ ي ن د ا ن سؤز ائدرکن، اوندان جسارت اَلماس ي ن ا د ا ت ا ک ي د ا ئددير.

تأسفله، اينديه دک سَاهيرين بو بويوک نقشى اينجه لنمه ميشددير.

سَاهيرين شعرلرينه باخاندا، اؤزدهه بونو بيليرميش. «سَاهير»، شهر يار، نِيما، فروغ فرخزاد و باشقا شاعرلره ده استادل ي ق ا ئ ت م ي ش و ا ن ل ا ر ي نصيحت ائتمه دن چکينمه ميشددير.

«سَاهير» نقدلرى ايله شهر يار ي ا و ا ي ا ت م ا ق ا ي س ت ه ي ي ر . ا و ب و ق ص د ا ق چ و ن «مَنْظُوم مَكْتُوب» شعرينى قوشموشدور.

بو، بير منظومه دير.

منظومه دؤرد حصّه دن عبارت دير.

هر حصّه ايلين بير فصلينه اختصاص تاپم ي ش د ي ر و عموم تيله «حيدر بابايا سلام» منظومه سينه جواب اولاراق يازىلم ي ش د ي ر، بورادا، «سَاهير» شهر يار ا خطاب دئير كى، «منصور خانى وصف ائتمك عوضينده، خَلق ي ن ا ج ي ن ا ج ا ق ل ي ح ا ل ي ن ا ي ن م ا ق ل ا ز م د ي ر .»

بئله يَوْم ش ا ق ا ش ت ي ا ق ل ا ر، ا و ن و ن «خاطرات» عنوانلى منظومه سينده ده گلير.

همين منظومه ده شهر يار ا خطاب يازىلم ي ش د ي ر و «كوشن» مجموعه سينه داخل ائدليميشددير.

«كوشن» كتابيندا، «سَاهير»، شهر يار ا گؤزه بير چوخ شعر داخل ائديبير، حتى بير يئرده اوشاقل ي ق خ ا ط ر ه ل ر ي ن د ن د ه د ا ن ي ش ي ر .

«سَاهير» ايله شهر يار ي ن بير مدرسه ده درس ا و خ و م ا غ ي ن ا ب ا خ م ا ي ا ر ا ق، سَاهير «مَنْظُوم مَكْتُوب»

بير مدّت دن سؤنرا تهرانا گئدير و اورانين معارف اداره سينده ايشه مشغول اولور.

١٣١٣- جو ايلده جغرافيا تدريسى ا ق چ و ن ز ن ج ا ن و قزوین شهرلرينه گؤندريلير.

سؤنرالار تدريس اوجون تبريز شهرينه گلير.

١٣٢٥- جى ايل تورکجه شعر سؤيله ديگينه گؤره اردبيل شهرينه سورگون اولور.

بو شهرده سورگ و ن د ه و ا غ ي ر د و ر و م د ا ي ا ش ا م ا غ ي ن ا باخما ي ا ر ا ق ف ا ر س ج ا ا و ل ا ن «اشعار جديد» شعر ت و پ ل و س و ن م ح د و د س ا ي ي د ا ي ا ي ي ر .

٣ ايلدن سؤنرا قزوین شهرينه گؤندريلير.

قزوین شهرينده ١٣ ايل ياشايير و يازدى ق ل ا ر ي تورکجه و يا فارسجا يازىلارى گيزلين صورتده يايير.

قزویندن سؤنرا تهران شهرينه گئدير و ع م ر و ن و ن سؤنونا جان بو شهرده ياشايير.

١٣٦٤- جو ايلينده، آذر آيى نين ٢٤- ده سَاهير اوزون ائوى نين پنجره سيندن آسير و بئله ليکله ٨٢

ياش ي ن د ا، تهران شهرينده ياشاييشينا سؤن ق و ي و ر . پزشكى قانونى ده، «سَاهير» ين آسما طريقي ايله

اؤل و م و ن تصديقله ي ب د ي ر .

سَاهير تهرانين بهشت زهرا قبرستانليغيندا باسدريلير.

سَاهير اوچون كئچيريلن اغير لامادا «روزبه سعادتى»، ٢٤- جو ايلين آذر آي ي ن د ا باش وئردىگى

دئوريم و ملى حكومتين يارانماس ي ن ي ن سَاهيره ائنگيسى باره ده و ا و ن و ن ب و گ و ن د ه ا و ز و ن و ن اولدورولمه سى ايلگى گؤستريبيدير.

سَاهير تورکيه ده اؤگرنديگى يئنى شعر شيوه سيني ايرانا گتيرير.

ايرانلى فارس شاعرى «نِيما يوشيج» ا و ن و ن ت ا ئ ي ر ي ا ل ت ي ن د ا يئنى ا س ل و ب د ا شعر دئمگه باشلايير.

اثرینده شهریارى رمانتیکلیگینه گۆره «قلمدانى  
تیرمه قابلى شاعیر» ساییر.

## خزانلار

خزان چاغى  
قیزیل گۆنش اودلانیدیر،  
آغاجلارین یارپاقلاری  
مین بیر رنگه بویانیبیدیر...  
هر یارپاغین بیر رنگی وار،  
سئودا رنگی،  
حسرت رنگی،  
توتقون، توزلو،  
غربت رنگی...  
خزان چاغی، یئل آسرکن  
یاغیر یارپاق،  
اؤلگۆن یارپاق.  
قالانیبیدیر، قلاق - قلاق.  
یوللار اوزاق، گؤللر درین،  
نسیم آسیر سرین - سرین.  
داغلار بیزیم، باغلار بیزیم،  
یئر بیرکن یارپاق اؤسته  
قالماز ایزین...  
گۆن یاندیرماز،  
سۆن باهاردیر،  
سانکی آغاج یارپاقلاری،  
لاجوردی بیر متنده  
ناقیشلاردیر.  
بیر چوخ خزان گلیب، کئچدی...  
بیر چوخ کروان قونوب، کؤچدو.  
بیر خزاندا  
یتیم قالدیق.  
بیر خزاندا

سئودالاندیق.  
آن نهایت  
خولیلارین هاواسیندان  
قانادلاندیق.  
بیر خزاندا  
پارلاق قیزیل گۆنش دوغدو.  
بیر خزاندا  
بولود گلیب گۆن بوغدو...  
آنلایارکن خزانلاری  
زامان بیزی قووالادی...  
گلدی زامان، کئچدی زامان...  
آیری دؤشدۆک یوردوموزدان.  
حسرت قالدیق  
سرین - سرین بولاقلارا  
گول - چیچکلی اوتاقلارا  
زامان کئچدی، بیز قورودوق  
سوسوز قالان آغاجلار تک.  
طراوتدن سالدی بیزی،  
بیلیم غربت؟  
یوخسا فلک؟





شده، کاویان موقع رسیدن به یکی از منازل مسکونی روستایی توقف کرده، چند گامی به طرف آن حیاط برداشته و اطرافیان خود را متوجه آن خانه می نماید. سپس، مدت کوتاهی ایستاده و گویا گریزی به دوران کودکی خود میزند! در نهایت خطاب به همراهانش میگوید: "بورا بیزیم حیطیمیز ایدی! ... " (اینجا حیاط ما بوده است!...) ۳. پدر و مادر جعفر کاویان هر دو در شهر قم مدفون می باشند. پدر او (محمدعلی سهلانی) قبل از دوران حکومت فرقه دموکرات فوت کرده و به قم منتقل شده بود اما مادر او (زیور) در دوره وزارت پسرش فوت می نماید. کاویان، علیرغم تیرگی روابط حکومتهای تبریز و تهران، جسد مادرش را نیز با همراهی چند نفر به قم ارسال مینماید.

در حوالی قم، موقع باذرسی از کاروان فرستاده تبریز متوجه میشوند که جسد همراه کاروان، مادر یکی از مسئولین رده بالای حکومت آذربایجان است. بنابر این، بازرسان از ورود کاروان جلوگیری کرده و جهت ورود آنها به قم، از تهران خواستار مجوز میشوند. در پاسخ، از تهران با این خواسته بازرسان موافقت می شود و بدین ترتیب مادر کاویان هم در قم دفن میگردد.

۴. در یکی روزهای آخر عمر حکومت فرقه دموکرات، چند نفر از اهالی ساغالان به نمایندگی از روستائیان به تبریز آمده و به دفتر کاویان مراجعه می کنند. این افراد با احترام پذیرفته شده، با او ملاقات می نمایند. در این دیدار نمایندگان روستا برای یاری به حکومت اعلام آمادگی مینمایند. با وجود این، کاویان به آنها می گوید که او فرجام حکومت را چندان روشن ندیده و پیوستن آنها به فرقه را نیز در این برهه زمانی مصحلت نمیداند. کاویان در آن دیدار

## چندخاطره مردم از جعفر کاویان وزیر جنگ فرقه دموکرات آذربایجان

قدرت ابوالحسنی سهلان



۱. در دوره یکساله حکومت فرقه دموکرات در آذربایجان، وزیر جنگ کابینه جعفر پیشه وری فردی از اهالی ساغالان (سهلان) به نام جعفر کاویان بوده است. مردم ساغالان، نام کاویان را اغلب بصورت قاویان Qaviyan تلفظ کرده و به خاطر سپرده اند.

مادر بزرگم، از مهارت تیراندازی و هدف گیری کاویان تعریف میکرد و جوانان مغرور و فخر فروش را با عنوان "آقای قاویان!" خطاب می نمود. استدلال مادر بزرگم این بود که این جوانان هر چند راه طولانی در پیش دارند تا به درجه کاویان برسند، اما در عین حال می خواهند خودشان را در حد او مهم و متشخص جلوه دهند!!

۲. جعفر کاویان در دوران مسئولیت خویش، گاهی نیروهای فرقه را در اطراف ساغالان آموزش نظامی می داده است. یکی از اهالی مسن روستا، در یکی از آن ایام او را موقع بازگشت از آموزشهای نظامی مشاهده کرده بود که به همراه نیروهایش از داخل روستا عبور میکرد است. به گفته فرد یاد

## والله اينها همان غلامعلی ها و اوروجعلی های خودمان هستند...!

علی مرادی مراغه ای

تاریخ سرشار از عبرت است اما انسانها و مخصوصا  
مستان قدرت کمتر عبرت پذیر هستند و در  
نتیجه تاریخ، همواره توالی فاجعه می گردد...

هنگامی که در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ش آثار سقوط و  
فروپاشی فرقه دمکرات هویدا شد، قبل از اینکه  
ارتش مرکزی وارد تبریز شود، طرفداران شاه و  
دسته های مخالف فرقه از زمین و زمان جوشیدند  
و به جان آن بخش از اعضای فرقه دمکرات  
افتادند که نتوانسته بودند به خاک شوروی  
پناهنده گردند، آنان در برخی شهرها افراد فرقه را  
دستگیر کرده به مانند گوسفند در جلو کامیونهای  
ارتش با شعار «زنده باد ایران - قربانی برای ایران»  
سر میبردند!

ارتش وارد تبریز شد اما کشتار متوقف نشد بلکه،  
در مدت کوتاهی ۷۶۰ نفر به دار آویخته شدند و  
این کشتار ماهها پس از آن، ادامه یافت.

در تهران مطبوعات نوشتند که:

«در هنگام ورود ارتش به تبریز، بقدری از طرف  
اهالی آذربایجان گوسفند و گاو قربانی شد که در  
سطح خیابانها جوئی خون راه افتاد»!

(مرد مرور، شماره ۸۶، مورخه ۲۳ آذر ۱۳۲۵ ص ۹)

و یکسال بعد در سفر محمدرضاشاه به آذربایجان،  
نوشتند:

«بعضی از آذربایجانیها میخواستند فرزندان خود  
را در پای شاه قربانی کنند ولی شاه اجازه نداد»!

مطبوعات وابسته به دربار نوشتند که حتی «قبل  
از اینکه پای ارتش به آذربایجان برسد، خود مردم



متذکر میگردد که اگر عمر دولت بیشتر دوام  
آورد، ساغالانیها می توانند دوباره به وی مراجعه  
کنند.

این موضوع نشان میدهد که کاویان از معاملات  
پشت پرده بین آمریکا و شوروی به نفع شاه و فدا  
کردن فرقه دمکرات آذربایجان، مطلع بوده است.  
۵. در یکی از روزهای حکومت فرقه دمکرات،  
کاویان بنا به دلایلی در یکی از مساجد تبریز  
مجبور به تیراندازی می شود. این کار او موجب  
اعتراض آیت الله سید محمدکاظم شریعتمداری  
میشود. اما شریعتمداری بعد از آگاهی از علت  
تیراندازی و موجه دانستن آن، یک تخته قالی را  
بعنوان هدیه به منزل کاویان فرستاده، از او  
دلجویی مینماید.



در جلوی اتومبیل شاه میخواستند قربانی کنند  
آذربایجانی بودند اما اکنون، این سیل جمعیت  
چهار کیلومتری که از دانشگاه تبریز تا ایستگاه راه  
آهن را پوشانده بود بیگانه و از آن ور مرزها آمده  
بودند؟!

در آن زمان در میان تبریزیان که استعداد شگرفی  
در طنز دارند شعری ورد زبان شد و دهان به  
دهان گشت شعری که از هر واقعیتی، گویاتر بود:

**جام سیندیران غلامعلی**  
**اوروجعلی لن پنجعلی**  
**هاردان اولدو خارجه لی؟**  
**«تبریزین» ین ئوزیدی ئوزی**  
**بهمنین ایرمی دوققوزی.**

ترجمه

**شیشه شکننده غلامعلی**  
**با اورجعلی و پنجعلی**  
**از کجا شد خارجه ای؟!**  
**«تبریز» خودِ خودش بود**  
**در روز بیست نهم بهمن**

البته پس از انقلاب هم وقتی قیام حزب خلق  
مسلمان و طرفداران شریعتمداری آغاز شد این بار  
آقای خلخالی گفتند که اینها مثنی کمونیست  
بودند...!

اما به نظر من، همگی اینها آذربایجانی و ایرانی  
بودند و همان غلامعلی ها و اوروجعلی ها بودند و  
هیچوقت از خارج نمی آیند، تمامی این کارد به  
استخوان رسیده ها، محصول خودِ حکومتها بودند  
و اصلاً، این غلامعلی ها و خشم شان و نفرت  
شان، دستپخت خودِ حکومتها بوده اند...

آذربایجان قیام کرده فرقه دمکرات را سرنگون  
ساختند»!

آن حکومت مرکزی پا بر روی مقاوله نامه خود با  
فرقه دمکرات گذاشته و به آذربایجان لشکر کشید  
و بیلان ناجیان آذربایجان به بصورت زیر بود:  
۳۰۲۲ کشته و اعدامی، ۳۲۰۰ زندانی و ۸۰۰۰ نفر  
تبعیدی به جنوب ایران...

در ظاهر همه چیز پایان یافته بود اما به نظر من  
هیچ چیز پایان نیافته بود، بلکه تازه آغاز شده بود!  
چون هیچ جنایتی پایان نمی پذیرد، آن حکومت  
میتوانست مردم خود را ببخشد و حتی با بخشش،  
مخالفانش را شرمند کند اما نکرد و حتی همه  
ساله، نجات آذربایجان را جشن گرفت: جشنی بر  
عزای هزاران خانه ی برباد رفته و جوان مرده...!

پس، روزگار بگذشت، اما آن جراحت روحی و  
خشم و نفرتی که حکومت با آن کشتار و زندان و  
تبعید در آذرماه در دلها کاشته بود از بین نرفت،  
بلکه در خانه های ماتم گرفته و به عزا نشسته،  
رشد کرد و رشد کرد و حتی آن خشم و نفرت  
چون ارثیه ای به نسل بعدی آذربایجان به ارث  
رسید و منتظر فرصت و مجال ظهور گشت و  
سرانجام، روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ رسید، انتقام تبریزیان  
چنان توفنده، ناگهانی و غافلگیر کننده بود که  
سیل جمعیت از دانشگاه آذربادگان تا ایستگاه  
راه آهن را در برگرفت و شهر تبریز را از کنترل  
حکومت خارج ساخت...!

اما این بار، حکومت شاه گفت که اینها مردم  
آذربایجان نبودند! و آموزگار نخست وزیر گفت که:  
«قیام کنندگان آذربایجانی نبودند و از خارج و از  
آنسوی مرزها آمده بودند...!»

چگونه است که آن مردمی که ۳۰ سال پیش در  
آذر ۱۳۲۵ قبل از ورود ارتش به تبریز، اعضای  
فرقه دمکرات را سلاخی کرده و فرزندان خود را

پیکاسو در جواب گفت: نه خیر قربان، کار شماست!



### از سری جنایات پهلوی در آذربایجان

آشیق حسین گوموش کمر، اهل ناغاراکی اهر با بیل و کلنگ توسط نیروهای اشغالگر وقت پهلوی در اهر آذربایجان در جلوی چشم فرزندان کشته شد.

آشیق حسین گوموش کمر شاعر، هنرمند، آشیق معروف، فدایی و سرباز ملی مبارزه با رژیم پهلوی آشیق حسین گوموش کمر شاعر و از آشیق های بنام معاصر آذربایجان میباشد.

او با لیاقت تمام از خاک و از ملت خودش دفاع کرد و لقب "شهید ملی" را هم به القابش اضافه کرد.



خشم و خشونت این اروجعلی ها و غلامعلی ها عینا مانند تابلو وحشتناک گرنیکا اثر پیکاسو بوده است!

گرنیکا شهری در اسپانیا بود که هیتلر آنرا بمباران کرد و دیکتاتور فرانکو آنرا اشغال.

در جنایت آلمانی ها، تقریبا نصف شهر کشته شدند و در تابلوی پیکاسو خشونت، درنده خویی و بی پناهی مردم بی دفاع موج میزند.

نقل است که پیکاسو، زمانی در پاریس نمایشگاهی برپا کرده و تابلوی گرنیکا را در آنجا به نمایش گذاشته بود.

یک افسر آلمانی به نمایشگاه آمده و از پیکاسو پرسید:

«این تابلو کار شماست؟»

دیری نپایید که غم و عشق شوهرش او را نیز از ما گرفت.

### خاطرات ساخوردگان از جنایات پهلوی

مادر بزرگم ۱۰۶ سال سن دارد. بین سالهای ۲۵/۱۳۲۴ یکی از نطقچی‌های حکومت ملی آذربایجان در روستاهای اردبیل بوده است. او برای نمردن بدست جلادان پهلوی در پاییز سال ۲۵ به بیلاق سرد ساوالان پناه برده است. میگوید ما آن زمان در نطق‌هایمان از حقوق زن برای زنان آذربایجان می‌گفتیم

خججه ننه زاده‌ی لنکران ولی اصلتا از روستاهای نزدیک اردبیل است. پدرش از یاران محمد امین رسول‌زاده در باکو، خودش نیز از اعضاء فرقه دموکرات آذربایجان به رهبری میرجعفر پیشه‌وری در منطقه اردبیل بوده است. او برای من تاریخ زنده‌ی سرزمینم است. او میگوید جز خدا هیچکس لایق پرستش نیست.

او در این سن هم دست از کار نکشیده و جوراب مییافت. سالهاست به من میگوید جورابه‌ایم را به پولدارها گرانتر بفروش و اگر دیدی کسی پول ندارد هدیه بده. ظاهرا او الان هم یک سوسیالیست است!

مادر بزرگم میگوید؛

ما زنان آذربایجان اولین زنان منطقه بودیم که توانستیم همگام با مردان آذربایجان رای دهیم و در تعیین سرنوشت خود و آذربایجان نقش داشته ایفا کنیم. آخوندهای سلطنتی مخالف حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی بودند. محمدرضا پهلوی گوربه‌گور شده نیز کلا مخالف فداییان آذربایجان بود.

او با کمک آخوندهای سلطنتی و فتووالهایی که منافع شخصیشان را در خطر میدیدند به

آشیق حسین گوموش کمر، در روستای ناقاراکلی اهر دنیا آمده است، بعدها به روستای دمیرچی لر در گنجه مهاجرت کرده همانجا تشکیل خانواده می دهد ولیکن دوباره برای خدمت به موطن مادری عزم بازگشت می‌گیرد... وی یکی از دو آشیق بزرگی است که کمر بند نقره ای دریافت کرده اند، آن یکی "ده ده علسگر، یا آشیق علسگر" میباشد.

در میان آشیق‌ها بسیار مشهور بود که می گفتند: یک آشیقی هست انگار دانسته هایش خدادادی است و به وی از آسمانها الهام می شود او همان آشیق حسین گوموش کمر بود.

در بعد از انحلال فرقه، در خط اول مبارزه قرار می گیرد و فرار نمی کند و چونان یک قهرمان واقعی تا دم آخر مقاومت میکند

همان طور که وقتی خائنین در لباس "شاهچی" به خانه ایشان هجوم می آورند، آشیق اینبار به مصداق شعر معروف شاعر آذربایجان وارد صحنه مبارزه میشود که:

"آیاغلانسان دوشمانا

تحقیرله پالاز کیمی

سازینی وئر توفنگ آل

توفنگی چال ساز کیمی"

به جای ساز اسلحه برنوی خود را بدست گرفته و تا جایی که می توانست آنها را به هلاکت می رساند... پسر کوچکش آن موقع ۶ ساله بود، اینگونه تعریف میکند:

"پدرم را مقابل چشمان من با بیل و کلنگ تکه تکه کردند، ما سه پسر بچه بودیم و یک خواهر کوچک، همراه با مادرم به اهواز تبعید کردند، آنجا مادرمان با پختن نان ما را بزرگ می کرد اما





روستا میروود تا فشنگ بیاورد که توسط کدخدای سومرین به کشته میشود.

اکثر فداییان دوجاق در چند دسته با پشت سر گذاشتن کوه ساوالان توانسته بودند منطقه را ترک کنند و با کمک فداییان مغان خود را به آنسوی آراز برسانند. اما بسیاری نیز در منطقه خیابو گیر افتاده و در روستای شوبه‌دین تیرباران و یا سر بریده شده بودند. یکی از کشته‌های روستای شوبه‌دین، برادر بزرگ آقاخان بود. خان اوغلان نیز که در قلعه‌ی ساری دره زخمی شده بود، خود را به ییلاق رسانده بود. (نگارنده قلعه ساری دره را از نزدیک دیده است. در قلعه ساری دره اگر پا محکم بر زمین کوبید شود، استخوان فداییان کشته شده توسط جلادان رژیم پهلوی از خاک بیرون میزند.)

پسر عمویم نیز معلم مدرسه‌ای در اردبیل بود. او را همراه با معلمان دیگر به جرم آموزش زبان ترکی آذربایجانی به کودکان آذربایجانی تیرباران کرده بودند و بعد از دفن روی قبرهایشان مدرسه‌ای بنا نهاده بودند تا در آنجا به کودکان آذربایجانی فارسی یاد دهند.

ارتشیان حکومت ظالم پهلوی در محله آلاقی اردبیل پیر زنی که در زیر زمین خانه‌اش به فداییان آذربایجان امان داده بود را در خانه‌اش

آذربایجان لشگر کشید. میشنیدیم که ارتش شاه با سواران فتودالهای منطقه هر کجا که میرسند، قتل و غارت میکنند. من آنموقع در دوجاق بودم. در روستای سومرین جلسه‌ای با بزرگان فرقه در منطقه برگزار شد.

رهبری آن جلسه در دست سریه خانم بود. او نه تنها رهبر آن جلسه، بلکه رهبر جنبش دهقانان آذربایجان در

منطقه دوجاق بود. (دوجاق را امروزه دهستان غربی اردبیل میگویند) قرار بر این شد که جز عده‌ای از فداییان، اکثر آنها منطقه را ترک نمایند تا کشتار به حد اقل برسد.

اولین گروه از فداییان دوجاق که سعی در ترک منطقه داشتند در داخل شهر اردبیل توسط ارتش شاهنشاهی گیر افتاده و همه‌گی در کنار سانجی آرخی (رودخانه‌ای در داروپخش کنونی در شهر اردبیل) سر بریده شدند. خواهرم که از نزدیک جنایات را دیده بود، میگفت سرهای بریده‌ی فداییان با همدیگر حرف میزدند.

ما گروهی از زنان که از جنایات رخ داده در اردبیل با خبر شدیم، مسیرمان را تغییر دادیم و پناه بردیم به ییلاق کیچیک یورد ساوالان (سبلان) همه‌گی مسلح بودیم. قرار بر این شده بود که در صورت رویارویی با دشمن با آنها بجنگیم ولی یک تیر را برای کشتن خودمان نگهداریم تا بدست دشمن اسیر نشویم

در راه ییلاق بودیم که چند تن از فداییان مرد به ما ملحق شدند و آنجا فهمیدیم که ارتش به سومرین حمله کرده است و سریه خانم به تنهایی در ساری دره سنگر گرفته و با یک ارتش میجنگد. او بعد خنثی کردن دهها نظامی به

محلی در داخل ایران، پس از چند ماه انکار و نادیده گرفتن درخواست اهالی بالاخره در روز دوم اردیبهشت ۱۳۲۵ / ۲۲ آوریل ۱۹۴۶، دولت ایران بیانیه‌ای صادر و موافقت خود را با پاره‌ای از درخواست‌های فرقه دموکرات در زمینه انتخاب برخی از مدیران ادارات محلی از افراد بومی و از سوی انجمنهای ایالتی و ولایتی، آموزش به زبان ترکی آذربایجان در مقطع ابتدایی، در نظر گرفتن اعتبارات مالی برای آبادی و عمران آذربایجان، افزایش نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای ملی و غیره در چهارچوب اصول متمم قانون اساسی اعلام کرد. پس از آن در هشتم اردیبهشت به دعوت دولت، هیئتی به ریاست پیشه‌وری به تهران آمد تا پیرامون قضیه گفتگو کند. این گفتگوها دو هفته ادامه یافت. پیشنهاد سی و سه ماده‌ای دموکرات‌ها بسیار فراتر از چهارچوب اصول متمم قانون اساسی ایران بود. آن‌ها می‌خواستند که در همه امور ایالت، خودمختار باشند و دولت فقط در سیاست و مناسبات خارجی، حق دخالت داشته باشد. در جریان گفتگوها، دولت پاره‌ای از درخواست‌های دموکرات‌ها، به ویژه برای اصلاحات ارضی و افزایش نیروی نظامی دموکرات‌ها در آذربایجان را پذیرفت و دموکرات‌ها نیز به گونه‌ای چشمگیر، مواضع پیشین‌شان را تعدیل کرده و درخواست‌هایشان را کمابیش، در چهارچوب قانون اساسی درآوردند. آن‌ها پذیرفتند که نام «مجلس ملی آذربایجان» را به «انجمن ایالتی آذربایجان»، «شورای وزیران» را به «شورای مدیران» و «وزرای محلی» را به «مدیران محلی دوایر دولتی» تغییر دهند. اما مسئله اصلاح ارضی و تجدیدنظر سازمان نظامی در ایالات به بن‌بست خورد و گفتگوها در ۲۳ اردیبهشت / ۱۳ مه به

کشته و زیر پاهای فداییان اسیر شده از آن خانه را نعل زده و برای کشیدن ارابه بجای اسب از آنها استفاده کرده بودند.

## آذربایجان قربانی رقابتهای قدرتهای جهانی غرب و شرق



### دکتر توحید ملک زاده

۲۱ آذر از جمله روزهای تاریخی مورد مناقشه و کمتر بررسی شده تاریخ آذربایجان می باشد. اهمیت تاریخی این روز آنگونه است که مبدا تاریخی شده برای سردی و برفناکی منطقه و به عبارتی فاز مثبت و منفی. « تا ۲۱ آذر اگر برفی بارید زمستان پرفرفی خواهیم داشت و گرنه از برف خبری نخواهد بود» از جمله اعتقادات مردم آذربایجان می باشد.

در سالهای پس از جنگ جهانی دوم رقابتهای دو بلوک شرق به رهبری شوروی سابق و بلوک غرب به رهبری آمریکا در موضوع آذربایجان علاوه بر آغاز « جنگ سرد» بین دو بلوک، سبب فاجعه ای شد که تتمه آن سالها نیز در جامعه آذربایجانی ادامه یافت. با تشکیل حکومت آذربایجان در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ و به دنبال درخواست خودمختاری

## معارف‌چی شخصیتاریمیز

### میرزا حسین رشديه

در روز هجدهم تیر ماه ۱۲۲۸ به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را از پدر خود ماللا مهدی آموخت. از کودکی در ذکاوت زبان‌زد بود و در ۲۲ سالگی امام جمعه یکی از مساجد تبریز شد. رشديه تحت تأثیر مقاله‌ای چاپ شده در روزنامه



اختر، مبنی بر ضرورت اصلاح نهاد آموزش، به استانبول، مصر و بیروت سفر می‌کند و به تفحص در حوزه تعلیم و تربیت می‌پردازد. وی با رؤیت وضع مستعد قفقاز، در سال ۱۸۸۲ مدرسه‌ای در ایروان تاسیس کرده و در همان سال‌ها با مختصات آموزش مترقی آشنا می‌شود.

وی در بازگشت به تبریز، در ۱۳۰۵ قمری نخستین مدرسه نوین را در محله ششگلان ایجاد می‌کند و در سال ۱۸۹۴ کتاب درسی خود را با عنوان "وطن دیلی" تألیف می‌کند. الگوی این کتاب، کتابی بود با همین نام که ۱۴ سال پیش توسط چترنیاخویسکی برای تدریس زبان تورکی در قفقاز چاپ شده بود. مهم‌ترین ویژگی کتب مذکور، اعمال اصول صوتی در متون آنها است که غرض از آن تسهیل آموزش تورکی آذربایجانی با الفبای عربی بوده است.

شکست انجامید. به همین سبب، یک ماه بعد، در ۲۱ خرداد / ۱۱ ژوئن، دولت هیئتی را به سرپرستی مظفر فیروز (معاون سیاسی نخست‌وزیر) برای ادامه گفتگوها به تبریز فرستاد. دو روز بعد، در تاریخ ۲۳ خرداد / ۱۳ ژوئن، مصالحه نهایی حاصل شد و در پی آن، قرارداد جدیدی بر پایه قرارداد سابق (در ماه گذشته)، به امضای پیشه‌وری و فیروز رسید. شب همان روز، مظفر فیروز در رادیو تبریز، نطقی ایراد کرد و امضای این موافقت‌نامه را به منزله یک پیروزی بزرگ و درخشان برای دولت و ملت ایران تبریک گفت. ولی با شروع مذاکرات قوام و روسها در مسکو حامی خارجی فرقه دموکرات آذربایجان خود را کنار کشید و شاه به بهانه انجام انتخابات قشون نظامی وارد آذربایجان نموده و قتل عامی شروع شد که کمتر خانواده‌ای از این قتل‌ها در امان ماند و عده زیادی تبعید شدند. کتابهای ترکی در آتش سوزانیده شدند و آذربایجان مغضوب مرکز گردید. این اولین بار نبود که آذربایجان قربانی سیاستهای جهانی شده بود چه در جنگ جهانی اول نیز رقابتهای روس و انگلیس و فرانسه با عثمانی و آلمان در آذربایجان فجاج خونین جیلولوق را سبب شده بود. که طی آن بالغ بر یکصد و پنجاه هزار نفر در آذربایجان کشته شدند.



تأیید می‌کرد، به تصویب رسانده و پس از آن رسماً کشور مستقل خود را اداره کردند.

امروز مردم این کشور که نهمین کشور بزرگ دنیا نیز هست، با به اهتزاز درآوردن پرچم آبی که نماد آزادی عقاب را نیز دارد، سی و یکمین سالگرد استقلال خود به عنوان یک کشور را جشن می‌گیرند.

قزاقستان در شمال با روسیه، در شرق با چین، در جنوب و جنوب غربی با قرقیزستان، ازبکستان و تورکمنستان همسایه است.

\*\*\*\*\*

### ۱۹ آذر روز جهانی حقوق بشر



بعد از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۸ برای گسترش کرامت و برابری همه انسانها، توسط سازمان ملل متحد در ۳۰ ماده به تصویب رسید و همه حکومت‌ها ملزم به رعایت آن شدند:

۱- همه افراد بشر آزاد و با حیثیت و حقوق یکسان زاییده می‌شوند و دارای موهبت خرد، وجدان با رفتار برادری هستند.

۲- هرکس می‌تواند از کلیه آزادی‌ها که در اعلامیه حاضر به آن تصریح شده، بی‌هیچگونه برتری از نظر نژاد، جنس، زبان، دین، زاد و بوم یا موقعیت اجتماعی، توانگری یا نسب یا هر وضع دیگر بهره‌مند گردد.

۳- هر کس حق دارد از زندگی و آزادی و امنیت شخصی خویش برخوردار باشد.

۴- هیچ کس را نمی‌توان به بندگی یا بردگی گرفت.

۵- هیچ کس را نمی‌توان شکنجه کرد یا مورد عقوبت با روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار داد.

۶- هر کس دارای این حق است که شخصیت حقوقی او در همه جا مراعات گردد. ۷- همه افراد در پیشگاه قانون

رشدیه علاوه بر فعالیت فرهنگی عظیم خویش، در عرصه فعالیت سیاسی نیز فعال بود و روزنامه‌های مکتب و طوفان تهران را با مضامین ضداستبدادی منتشر می‌کرد. همچنین از اعضای انجمن باغ میکده بود و در راستای عزل قاجاریان تقلا می‌کرد. حاج میرزا حسن مهدی اوغلو رشدیه، سرانجام در ۲۱ آذر ۱۳۲۳ چشم بر جهان فروبست. در طول حیات خویش همواره به سبب داشتن نظرات مترقی، از سوی برخی علما تکفیر و از سوی افرادی مختلف مورد اذیت قرار گرفت لیکن از تلاش خود نکاست و در راستای بیدار کردن مردم به راه خود ادامه داد. رشدیه در تعریف مرام خود سروده است:

هر آنکه در پی علم و دانایی است

بداند که وقت صف‌آرایی است...

یولو دواملی اولسون

\*\*\*\*\*

### ۱۶ دسامبر روز استقلال قزاقستان



قزاقستان که بزرگترین قلمرو در میان کشورهای جهان تورک را داراست سی و یکمین سالگرد استقلال خود را جشن می‌گیرد.

کشور قزاقستان که بزرگترین کشور جهان تورک از نظر قلمرو سرزمینی محسوب می‌شود، امروز سی و یکمین سالگرد استقلال خود پس از فروپاشی شوروی را زیر پرچم آبی آسمانی خود جشن می‌گیرد.

قزاقستان که حدود ۷۰ سال بخشی از اتحاد جماهیر شوروی سابق بود، پس از فروپاشی آن به یکی از ۱۵ جمهوری تبدیل شد که توانستند استقلال خود را باز یابند.

شورای عالی قزاقستان (پارلمان) در روز ۱۶ دسامبر ۱۹۹۱ سندی تاریخی که به طور رسمی استقلال این کشور را

۲۰- هر کس حق دارد آزادانه در احزاب و جماعت های مسالمت آمیز شرکت جوید.

۲۱- هرکس حق دارد مستقیماً یا به وسیله نمایندگانی که آزادانه انتخاب شدند در اداره امور کشور خود شرکت جوید. اراده ملت اساس قدرت اختیارات ملی است.

۲۲- هر عضو جامعه حق دارد از تامین اجتماعی مناسب برخوردار گردد.

۲۳- هر کس حق برگزیدن آزادانه کار با شرایط عادلانه و معیشت ارضا کننده دارد و در مقابل بیکاری نیز حمایت شود.

۲۴- هر کس حق استراحت و استفاده از ایام فراغت و مرخصی دارد.

۲۵- هرکس حق دارد از سطح یک زندگانی برخوردار باشد که سلامت، رفاه او و خانواده اش منجمله خوراک، لباس، مسکن و امور پزشکی آنان را تامین کند.

هر کودک خواه حاصل زناشویی قانونی یا غیر قانونی، از حمایت اجتماعی برابر برخوردار می گردد.

ماده ۲۶- هر کس حق دارد از تعلیم و تربیتی رایگان حداقل تا آموزش ابتدایی و اساسی برخوردار باشد. هدف تعلیم و تربیت باید شکوفایی شخصیت بشری، تقویت احترام به حقوق بشر و صلح، حسن تفاهم و دوستی بین همه ملت ها از هر نژاد یا دین باشد.

۲۷- هر کس حق دارد آزادانه در زندگانی فرهنگی اجتماع شرکت جوید و از اقسام هنرها و علوم استفاده کند.

۲۸- هرکس حق دارد در سطح اجتماعی و جهانی چنان نظمی حکمفرما شود که حقوق و آزادی هایی این اعلامیه در آن سطح به نتیجه کامل برسد.

۲۹- هرکس نسبت به اجتماعی که در آن اجتماع رشد آزاد و کامل شخصیت او امکان پذیر است تکالیف شهروندی برعهده دارد.

ماده ۳۰- هیچ یک از مواد اعلامیه را نمی توان طوری تفسیر کرد که برای دولتی یا قشری یا فردی متضمن حقی شود و هدف آن از بین بردن حقی از آزادی های مذکور در این اعلامیه باشد.

در جوامع دمکراتیک قانون اساسی و ارزش های جامعه بر اساس مفاد اعلامیه حقوق بشر هستند و در مدارس نیز تدریس می شوند.

یکسان هستند و حق دارند که بی هیچ تفاوت از پشتیبانی قانون در قبال ناقضین این اعلامیه استفاده کنند.

۸- هرکس می تواند از تعدی به حقوق اصلی که به موجب قانون اساسی یا قانونهای دیگر برای او شناخته شده است به دادگاههای صلاحیت دار ملی متوسل گردد.

۹- هیچ کس را نمی توان خودسرانه بازداشت یا زندانی یا تبعید نمود.

۱۰- هرکس حق دارد با استفاده کامل از تساوی حقوق با دیگران، دعوای او در یک دادگاه مستقل و بی طرف عادلانه و علنی رسیدگی شود و آن دادگاه در باره حقوق و تعهدات او، یا صحت هرگونه اتهام کیفری که به او متوجه باشد حکم دهد.

۱۱- هرکس متهم به ارتکاب جرمی باشد، تا وقتی تقصیر او طی محاکمه علنی با حق دفاع قانوناً به ثبوت نرسد، بی گناه محسوب می شود.

۱۲- زندگانی خصوصی یا امور خانوادگی یا محل سکونت کسی نباید در معرض دخالت واقع شود. نیز به حیثیت و حسن شهرت هیچکس نمی توان حمله کرد.

۱۳- هرکس حق دارد در داخل هر کشور آزادانه نقل مکان کند و اقامت گیرند. هرکس می تواند هر کشوری را که بخواهد، من جمله کشور خود را ترک کند.

۱۴- هرکس حق دارد برای گریز از هر گونه شکنجه و فشار به جایی پناهنده شود.

۱۵- هرکس می تواند هر ملیتی را بپذیرد. هیچ کس را نمی توان خود سرانه از ملیت او محروم ساخت یا حق تغییر ملیت از او را سلب نمود.

۱۶- زن و مرد وقتی به سن ازدواج برسند می توانند بدون هیچ قید نژادی و دینی ازدواج کنند و خانواده بنیاد گذارند. آنان به هنگام زناشویی و در اثنا و هنگام انحلال آن، حقوق متساوی دارند. عقد ازدواج فقط با رضای آزادانه همسران آینده، قانونی است.

۱۷- هرکس به تنهایی یا با شراکت دیگری دارای حق مالکیت است. مالکیت هیچ کس را نمی توان از وی سلب کرد.

۱۸- هرکس دارای حق آزادی فکر و ضمیر و دین است.

۱۹- هر کس آزاد است هر عقیده ای را بپذیرد و آن را به زبان بیاورد و با هر وسیله ای بدون هیچ قید و محدودیت به جغرافیا، اخبار و افکار را تحقیق، دریافت و انتشار دهد.



## ارمنستان؛ جزئی از خاک و جغرافیای تاریخی جهان تورک

تاورنیه در ابتدای کتاب خود، مملکت تورک صفویه را به ۱۷ ایالت تقسیم نموده و می نویسد: "اول ایالت ارمنستان است که نقشه های جغرافیایی ما [فرانسه] بی مناسبت و بدون هیچ مأخذی آن را "ترکمنی" می نامند.

قسمتی را که میان رودهای آراکس و کورا واقع شده است که در خود ایالت بیشتر اوقات قره باغ می نامند و شهرهای عمده اش ایروان، قارص، نخجوان، جلفا و وان در کنار دریاچه ای به همین نام است" (سفرنامه تاورنیه، ترجمه ارباب شیرانی، ۱۳۸۳: ۱۲) به نظر می رسد عبارت " بی مناسبت و بدون هیچ



مأخذی" از تحریفات مترجم در متن ترجمه باشد چرا که مخاطب با یک بار مطالعه سفرنامه مزبور و تطبیق آن با متن و زبان اصلی سفرنامه و همچنین تطبیق ترجمه ارباب شیرانی با ترجمه های دیگر مترجمان از سفرنامه تاورنیه به وضوحیت هر چه تمام شاهد تحریف متن اصلی از سوی ارباب شیرانی خواهد شد" تاورنیه در ادامه ذکر ایالت های مملکت صفویه به ایالت آذربایجان اشاره کرده و می نویسد: " ششم ، شیروان که در طول بحر خزر که شهرهایش دربند یا دمیر قاپی و باکو و شماخی است و ایالت آذربایجان که شهرهایش تبریز، اردبیل، سلطانیه، قزوین و غیره است که این دو ایالت تقریباً شامل کشور قدیم ماد

### خلیل مختاری نیا

ارمنستان کنونی در طول تاریخ همواره جزئی از خاک و سرزمین تورک بوده است؛ کشوری جعلی که به ذات خود موجودیت نداشته و ندارد، جغرافیایی که تا یکصد سال قبل فاقد مرز و محدوده مشخص بوده است تا اینکه بعد از جنگ جهانی دوم و با جمع آوری ارامنه از ایران و روسیه کشوری جعلی و غده ای سرطانی به نام ارمنستان و با حمایت روسیه و پان های خائن در قلب جهان اسلام و دنیای تورک ایجاد شد؛ فلذا مرزهای جعلی امروز ارمنستان دلیل بر مجزا بودن تاریخ و هویت و مرزهای آن از جهان اسلام و تورک نیست.

ژان باپتیست تاورنیه Jean Baptiste Tavernier جهانگرد فرانسوی (متولد به سال ۱۶۰۵ م در پاریس) در زمان صفویه موفق می شود ده بار از جغرافیای تحت حاکمیت مملکت صفویه دیدن کند. وی در طول این مدت تمام مشاهدات خود از شهرهای تبریز، اصفهان، قزوین و دیگر ایالت های صفویه را در قالب سفرنامه خود ثبت و ضبط نموده است.

هر چند در ترجمه فارسی سفرنامه تاورنیه توسط حمید ارباب شیرانی به شدت و بعینه رگه های پان ایرانیست بودن مترجم به چشم می خورد منجمله تحریف اصفهان، جلفا، تبریز و مملکت صفویه به نام مملکت ایران و تحریف زبان مردم شهرهای جلفا و برخی از مناطق آذربایجان به فارسی نمونه هایی از تحریف پان ایرانیستی مترجم می باشد؛ علی ای حال سفرنامه تاورنیه حاوی مطالب مهم در خصوص لسان، فرهنگ، هویت، نوع لباس و تغذیه، ایالت های مملکت صفویه، بازی های محلی، تجارت، معماری، رسوم و آیین های اجتماعی و... مردمان عصر صفویه می باشد.

## جان دئدیلر عماد الدین نسیمی

لبینه اهل نظر «چشمه‌ی حیوان» دئدیلر،  
گرچی اوچماق حوریسی، جُمله اونا «جان» دئدیلر.

سنی بو حُسن و جمال ایله، بو لُطف ایله گُروب  
قورخدولار «حق» دئمیه، دؤندولر «انسان» دئدیلر.

صورتین وصفینی سوردوم ایسه هر طایفه‌دن،  
معننین گوزگوسونو «صورتِ رحمان» دئدیلر.

«سونبولون حالی پریشان» دئدیلر، حال اهلی.  
الله-الله! نه اوچون، موشکه «پریشان» دئدیلر؟

بیر قولین قیمتینی هر کیمه سوردوم سا، اونا،  
«گنج قارون ایله مین ملک سلیمان» دئدیلر.

دوشمین آدینی عاشیقلره سوردوم کی، نه‌دیر،  
اُشیدن جومله «نه کافر، نه مسلمان» دئدیلر.

شک دئیل کیم، اوزونو گُورمه‌میش اونلار کی، سنی،  
حوری‌یه بنزه‌دین «یوسف کنعان» دئدیلر.

لبلرین وصلینه ایرمک منه مشکل گُرونور،  
گرچی سوردولار اونو، «دل ایله آسان» دئدیلر.

آغزین اسرارینا اندیشه‌هاچان واقف اولاً؟  
کی، عَقول اهلی اونا «نکته‌ی پنهان» دئدیلر.

ای «نسیمی!» دم عیسی دئیل ایسه نَفَسین،  
نَفَسی دوغرو لار اونا نه اوچون «جان» دئدیلر؟

می باشد که تا کناره‌های بحر خزر گسترش می یافت. «سفرنامه تاورنیه، ترجمه ارباب شیرانی، ۱۳۸۳: ۱۲) تاورنیه در جای دیگری از سفرنامه اش از آذربایجان بعنوان کشور قدیم ماد نیز نام می برد آنجا که می نویسد: «به هنگام سرما و یخبندان، از دریای خزر مقدار فروانی ماهی آزاد تازه و قزل آلا می آورند که غالباً به درازای چهار تا پنج پا هستند. در ایالت مد/ ماد (آذربایجان) اوزون برون بسیار است و در مصب رود ارس (آراز) صید بسیار از آن می شود.» (همان، ۱۳۸۳: ۳۰)

جهانگرد فرانسوی به زبان ارمنیان ساکن در اصفهان و جلفا اشاره کرده و با تاکید بر اینکه زبان نیاکان ارمنی ها تورکی بوده، می نویسد: «جلفا به معنای واقعی یک مهاجرنشین از ارمنیانی است که شاه عباس کبیر از جلفای آذربایجان [ مترجم از عبارت جلفای ارمنستان استفاده می کند] کوچ داده و این مهاجرنشین نام خود را از آنجا گرفته است.» (سفرنامه تاورنیه، ترجمه ارباب شیرانی، ۱۳۸۳: ۷۴)

تاورنیه در ادامه به زبان ارمنیان اشاره کرده و می نویسد: «زبان ارمنیان عامیانه یا ادیبانه است. زبان عامیانه را همه ارمنیان می فهمند اما زبان ادبی برای ادعیه‌ی مذهبی است و جز کشیشان و علما کسی آن را نمی فهمد. ارمنیان سه زبان دارند که بسیار متفاوت است ولی برای ایشان بسیار طبیعی است: یکی زبان ارمنی [ زبان مذهبی] و دیگری زبان تورکی است که از نیاکان خود به ارث برده اند و آن را بیشتر در تجارت، [ سیاست، اقتصاد، نظامی گری، درباری] به کار می برند و زبان فارسی، زبان مملکتی است که فعلاً در آنجا زندگی می کنند.» (همان، ۱۳۸۳: ۸۲)؛ در اینجا هم می بینیم که مترجم از زبان اقلیت فارس و مهاجر در اصفهان بعنوان زبان مملکت ایران یاد و تحریف می کند.

منبع:

سفرنامه تاورنیه، ترجمه حمید ارباب شیرانی، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۳

@yekansasi98

«يکى ممدليک» کونياكلارى سياسى پارتىيالارين  
بايراكلارين ياپيشديرماق ايسته ييرم.  
شهرين مرکزينده كى خاراباليقلار  
خاراباليغيميزين سيموولونا دؤنوب  
آسيليپ گؤز لريم اؤنوندن.  
مئرسئئسین قارا شوشه لی آرخاسیندان  
«خوشبختلیک»  
آداملار کئچیر.  
گئجه بارلاریندان شرقه اؤلوم حؤکمو اوخویان  
موسیقی صدالاری گلیر.  
اؤه دؤنورم. ANS TV يالانچی های-کویو  
اؤی باشینا گؤتوروب. يالانلا باشلايان گونونه  
يالانلا نقطه قویور  
اورخان فيکرت اوغلو.

@SheirOcagi

\*\*\*\*\*

## وفاسيز

### علی طالبی قایاباشی

باخديم گوزلرينه ديليم لال اولدو  
قالدی اوره بيمده سوزوم وفاسيز  
انتظاردان چات چات اولدوم چاتلاديم  
قالمادی جيسمिम ده دوزوم وفاسيز  
عشقيم ياسا باتدی قارالی قالدی  
قلبیم يارالاندى بارالی قالدی  
آليم آل لریندن آرالی قالدی  
گوزونه تامارزی گوزوم وفاسيز  
عشقيم داستان اولار دوشر ديل لره  
آرزوم يارپاق اولار آسن يئل لره  
جيسمیمی غرق ائتدی گوزوم سئل لره  
سونمه دی قلبيمده کوزوم وفاسيز

علی يم بو يولدا چوروده رم جان  
عئشقه چاتمايانلار اولور قهرمان  
بیر گون گله جک کی اولاجام قوربان  
سنين يوللاريندا اوزوم وفاسيز

## شعريميز – شاعير يميز ŞEİRİMİZ- ŞAİRİMİZ

### بیر گونوم

#### يافت تورک سس

#### کؤچورن: علی چاغلا

بیر گونوم ده يالانلا باشلادی...  
سحر-سحر يئديييم سوسيسکادان،  
ايچديييم چايدان يالان بوغلانيردی.  
تئلفونيزيا ائکرانيندان شور تو بیر موغنی  
محبت درسی کئچيردی آداملارا.  
سارساق بیر بسته کارين، «نانای» بیر شاعيرين  
سؤزلرينه يازديغي ماهنی دئشیردی قولاغیمی  
طالع آپاريجی نين اوتولو گولوشلری اييرنديريدی  
منی او کی وار.  
سياسی شرح چينين وئردییی خبردن  
غيرتسيزليک قوخوسو گلیردی.  
يالان بیر دونيا يئردییی اوستومه سحر-سحر.  
آرواديمين داياز سوال-جاوايندان بئزيب  
اؤی ترک ائله ييب  
شهره چيخديم.  
يالانچی رنكلاملار،  
کؤهنه شالوارا،  
کؤهنه ياماق کيميدير...  
قزئت لرده مانشتت لر غيبت قوخويوردو.  
کاسئت ساتان ماغازالارين معناسيز  
سس-کويوندن قاچيب تینی بورولورام.  
اوستومه يئريبير وئجسيز، کوت، موتی، سیرتيق،  
غيرتسيز آداملار کوتله سی...  
ماغازا ويترينلرينده ساختا ارزاقلار  
گؤزومه دور تولور  
جورابین دا خاريج در گتيرديیی  
بو اؤلکده دوغولدوغوما خجالت چکیرم.  
ساختا مينئرال سولاری ق.ح.ت-لرين<sup>1</sup>

بیر یالاندير كى، دئيبير لر آغ، قارادان ياخشى دى،  
گنجه واختى، كيم دئير كى، اولدوز آيدان ياخشى دى.

گون گونورتا، اولسا بؤيله، گونش نوروں ساچسا دا،  
قارا بوغدايى بو چؤهرن، بيل كى، آغان ياخشى دى.

قارادير، آغ رنگه وئرميش سئوگى سين، هم ايستين،  
پارچالارسا كؤن لومو، هر بير يارادان ياخشى دى.

گؤزله، كيپريكله، قاشا وئرر كن دسته بين،  
آغ، قارادان سوسما دئه، آخى هارادان ياخشى دى؟

ديشلىرى دورره ائديب، ميرواراييه، او بنزه دن،  
هم شيرين ليك، هم طراوت، چوخ پارادان ياخشى دى.

راميزى مفتون ائدر كن، بير گؤزل قيز تزه دن،  
بلكه من، هئچ دورمايم، چيخيم آرادان ياخشى دى.

### راميز عبدالله يئو

سن منى، قويما راحت، دور گنجهلر گل يانئما

سن منى، قويما راحت، دور گنجهلر گل يانئما،  
گوندوزون ولوله سين، زلزله سين سال جانئما.

يوخودور، شربتته دؤنموش، گنجهلر قيسمتيميز،  
آل منيم، جاني مى جانان، صاحب اول، سن قانئما.

ائله ائت كى، سئويشك، كيمسه بونو، بيلمز اول،  
گلمه سين ذرره قدر، بيرجه لكه، آد-سانئما.

قالدى راق زيروه لره، هم قوروياق، قويما سولا،  
دستك اول سئوگيميزه، صاحب اولوم، هر آنيما.

سن منيم، نورلو چيراغيم، گنجه مين، گوندوزوسن،  
رقيبى قويما ياخين، يالواريرام، هئچ تانئما.

راميز، چكيليپ ارشه يوخوم، سؤزه صاحب، دوزو سن،

## غزل خوان شاعير : راميز عبدالله يئو QƏZƏL XAN ŞAİR: RAMİZ ABDULLAYEV (8 ŞEİR)



چيخ گئت،

داها دورما، روح ايله، جان آراسيندا

چيخ گئت، داها دورما، روح ايله، جان آراسيندا،  
دوشمهن دئيبى ليك، سونرا دوراق، قان آراسيندا.

واردى او محبت، ساراليب، سول دو عليندن،  
ايندى گز اؤزونچون، بى ايله، خان آراسيندا.

وئرديم سنه هر شئى، اوريندن نه كئچيردى،  
افسوس، سنى سئچديم نيه، اينسان آراسيندا؟

نفسين، وارى يوخ ائل دى، شربت چوخ ايچيردى،  
سيلديم سنى، يوخسان داها، آد - سان آراسيندا.

كابوس ايله، دوست اولماغى سئچدين، نيه لازيم؟  
او جهنم، او دا جانين، گئت يان آراسيندا.

راميز، قويما بئله شعيرى، بير گون، يئنه يازيم،  
ظولمت دؤزه بيلمز، آچيلان دان آراسيندا.

### راميز عبدالله يئو

بیر یالاندير كى، دئيبير لر آق، قارادان

ياخشى دى.

یئتیرب دقت اندک، سن کی، بو جان صاحیبیسن.

جان آل، آل سنه قوربان، سنه منسوب ائتدیم،  
چک اونو چارمیخا لاپ، تۆکمه یه قان صاحیبیسن.

رامیز، دئمه یوخ خبریم، من لی دئییل، من گئتدیم،  
تؤوصیه ائتمه منه، شهرتی، شان صاحیبیسن.

**مؤلف : رامیز عبدالله یئو**  
**من سنه ، جان سؤیلدیم، جانان ندن، ناز**  
**ائیلهدی؟**

من سنه، جان سؤیلدیم، جانان ندن، ناز ائیلدن؟  
قییمادین نئوچون منه، اینسافینی آزا ائیلدین.

بلکه ده من آتشینده، گونبگون یانان زامان،  
سن سئویندین فخر ایله، احوالینی ساز ائیلدین.

باشقا آشیلقلر تکی، من ایستدیم خوشبخت اولام،  
تک سنه بئل باغلادیم، بلکه قیشی، یاز ائیلدین.

افسوس اولسون اللریله، آزا قالا بدبخت اولام،  
قاپقارا قیوریم ساچی، سن یاندیریب، داز ائیلدین.

بیر بیلیدین خاطرمده، ائی وفاسیز تک قالان،  
گۆبه اوچماق ایستیرکن، اؤزونو قاز ائیلدین.

رامیزین، یوخ بو ایشدهندن خبری، هر شئی یالان،  
موغام، خطر یئتیردین، آدینی جاز ائیلدین.

**رامیز عبدالله یئو**  
**طاقتیم یوخدور منیم، یوردون آیاق دا**  
**دیزلری.**

طاقتیم یوخدور منیم، یوردون آیاق دا دیزلری،

رؤبالار ییخدی منی، بلکه یاراشمیر شانیم.

**مؤلف: رامیز عبدالله یئو**  
**جانی جانانیم وئردیم، ائله بیلدیم قورویار**

جانی جانانیم وئردیم، ائله بیلدیم قورویار،  
آرخاین ائتمک اوچون، هم ده کی، هیرسی سویویار.

قوی دو بوزخانایا، ائیلهدی بومبوز جانی می،  
بیلمز ایدیم جانیمین، اوستونو آغ رنگ بویایار.

دونورام، تیتیریم، ایندی نه فرقی جانیمین،  
وئردی قیش یوخوسونا، ایندی ده ساکیت اوویویار.

بیر ایدی، ایندی اولوب یوز دنه، دزدی جانیمین،  
گۆره سن سئوگی لی جانان، گوناھین بؤیله یویار؟

ایستدیم یاخشی اول، یاخشی دا دوش دو دویونه،  
سال دی کندیر بوغازا، چوخ سیخاراق، ائیلهدی دار.

رامیز، نه قویورسان عقلی، او داها گیرمز بئیینه،  
قالمادی باش دا عقل، هامی سین آلیب، سئوگی لی یار.

**رامیز عبدالله یئو**  
**یئنه یوخسان گۆزلیم، هانسی مکان**  
**صاحیبیسن؟**

یئنه یوخسان گۆزلیم، هانسی مکان صاحیبیسن؟  
اؤز الینله باتیران، قلبه تیکان صاحیبیسن.

بئله قاچما اوزاغا، ائی گولو خندان، اؤلره،  
روحا، جان بخش ائیلهدین، تکجه تکان صاحیبیسن.  
ائله بیل کی، دایانیب سوبه ایله، آخشام زامانی،  
منی بیهوش ائیلین، مستی زامان صاحیبیسن.

گل دوراق اوزبوزه، شعله سالا، شام زامانی،



**روما خسرو**  
**ROMA XOSROV**  
**(روما خسرو اوغلو آغایئو)**



(15 ŞEİR)

**سن سیز نفسیمی کسیر اوریم**

باخیرسان، باخیشین ائله سویوق دور،  
 ایچیمده تیتربیر، اسیر اوریم.  
 عشقین سرحددینی کئچیب، یاخشی باخ،  
 دوشوب اللرینه، اسیر اوریم.

قلبیمی تاپدالا، کئچ اینجیمهره،  
 منی بیر اؤزگه بیل، سئچ اینجیمهره.  
 آر خامجا دانیشسان، هئچ اینجیمهره،  
 قارشیمدا سوسورسان، کوسور اوریم.

سن منی آتماسان، من قیریلماز دیم،  
 ایندی دیزلریمه هئی ساریلماز دیم.  
 آر خانجا قاجاردیم، هئچ یورولماز دیم،  
 سن سیز نفسیمی کسیر، اوریم.

**او کسینن آغاج دئیل**

او آغاجین قوللارینی،  
 گۆره سن او کیمدی، کسیر.

سن سببکار اولموسان، مفتون ائدرکن گۆزلی.  
 هر دفعه یوخ سؤیلییرسن، من کوسوم، کوسمور کۆنول،  
 لال اولور دلیلم منیم، قالیر یاریمچیق سۆزلی.

آسما قلبدن داشلاری، بیرلیک ده گل، موم ائلیک،  
 دویماسین روحوم بئله، داش دان قالان، او ایزلی.  
 یوخ اولان یئرده، ووسال دا یوخ اولور، بس نئیلیک؟  
 الله یم، سن رحم ائله، نه اولار، باریش دیر بیزلی.

من سنه یالوارماغیمدا، سن ایسه نازینداسان،  
 لاغ ائدیرلر چوخلاری، گولومسین وار اوزلی.  
 رامیزه باخما بئله، آختار منی، دی هارداسان؟  
 رحم ائله، بخش ائلهمه صحرالاری، چؤل، دوزلی.

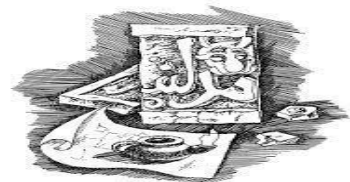
**رامیز رامیز عبدالله یئو**

**آذربایجان! وطنیم! من سنین قوربانین اولوم**

اوشاق ایکن وطنی، بیزلره سئودیردی بو دیل،  
 اوریم سئوگی و قوس سه سینی، بیلدیردی بو دیل،  
 یئتمیش ایل اولدو اسیر، «کیملی» دیندیردی بو دیل؟  
 یئتر آرتیق، دانیش آزاد، سنین قوربانین اولوم.

الیفبام قوللوق ائدی، باشقا اؤلکه دیلرینه،  
 قاریشیب صحبتیمیز، باشقا دیلین، دیلرینه،  
 قورخراق یئتمیش ایلی، ووردو قولاق دیلرینه،  
 یئتر آرتیق، دانیش آزاد، سنین قوربانین اولون.

سؤیله، رامیز آزادام، دیل دئسه، گۆزلر گوله جک،  
 سوسما دانیش، یوخسا، باشقالاری لال بيله جک،  
 دانیشارسا، یاشارام، سئوینیب دیل، سؤیله یه جک،  
 آذربایجان! وطنیم! من سنین قوربانین.



گۆرەن گئتسك، ھان سى يولدا-  
قارشىلايار، آدام بىزى؟

دۇنيا نە گۆزل تورمەدى  
گۆى دە اللە ى آختاران،  
حىيف، ايچين دە گۆرمەدى.  
تانرى چوخ شئى وئردى بىزە،  
ھەر يە بىر شئى وئرمەدى.

بو گئجەنى، بو گوندوزو،  
گاہ باغلايىب، آچان اؤزو.  
ياشادى بو حيات بىزى،  
ھئچ كيم، اؤز اؤمرون سورمەدى.

اللە ين دا ائوى بىردى،  
دۇنيانى ائو كيمى ھوردو.  
يارىمچىق دىر، بو بىر سىردى،  
ائوين دىوارىن ھورمەدى.

ياشاماق بىر گوناھ دىرسا،  
اؤلوم-سونونجو آھدىرسا  
ھوئك مو وئرن اللە دىرسا،  
دۇنيا نە گۆزل تورمەدى.

### نفس-نفسى سىخىليرام

من بىليرم، عؤمور دئيبيل،  
كىم بىلير، سور دويوم ندىر.  
ھر گون ياشى مى ساييرام،  
ياش اوستە سردىيم ندىر!؟

بوداغى قورخو ايچين دە،  
يار پاقلارى تىر-تىر اسير.  
او آغاج دا يووا قوروب،  
قوشلار اورا يئم گتيردى.  
آغاج قولون ايتيرەن دە،  
قوشلار دا، ائوين ايتيردى.

قوردلار يئدى ايچين، چؤلون،  
قارىشقالار كؤچوب گئتدى.  
كؤلگە سىنە سىغىنانلار،  
باخىب گئندەن، كئچىب گئتدى.

بو دۇنيادا ھاوام چاتماز،  
ھر كوچەسى بىر قفس دىر.  
او كسىلن آغاج دئيبيل،  
آلدىغىمىز بو نفس دىر.

### داش آتماديق بىر نفره

اؤزوموزە گوونمدىك،  
بيخدى، يادا اينام بىزى.  
گۆزوموزون ترزىسى،  
آلدادىرمىش تامام، بىزى.

گلىب دوشدوك، بو شەرە،  
داش آتماديق، بىر نفرە.  
شوكور، ساغ چىخدىق سحرە،  
نە گۆزلىير آخشام، بىزى.

آددىم اؤندە، فىكىر دال دا،  
يولا چىخدىق بىز بو حال دا.

قارشىما چىخان يوللارى،  
آياغى يالين گئديرم.

منه آچيلان قوللارين،  
چوخ دور، باغلايان يوللارين.  
آنام، يىغديغيم پوللارين،  
هامى سين آلين، گئديرم.

كىم سن آى منى گيزله يهن،  
گۆز و ياش لى عزيزله يهن.  
منى اللهدى، گۆزله يهن،  
تئز يولا سالين، گئديرم.

### ياشاماق گۆزومه دوروب

گۆرهن، اولوم ساعتى مى،  
تانرى هان سى واختا قوروب.  
سنه گلن يولو گۆستر،  
تانرى، بو يول منى يوروب.

برك توت، قويما دوشه قليبم،  
الين دن، بو شوشه قليبم.  
اؤيرنيب ورديشه قليبم،  
يئر وئردى يئر ووروب.

ياشادىغيم گونلر گوناه،  
بو گئجه لر آچماز صباح.  
چوخ مو چكر، اؤمروم الله،  
ياشاماق گۆزومه دوروب.

بىر جان دى دا، داشىبىرام،  
كىم دئير كى، ياشا بىرام.  
گۆرهن، كيمه اوخشا بىرام،  
گوز گوده گوردويوم ندير؟!

ديرى-ديرى يوخ اولورام،  
اؤز ايچيمه ييخيليرام.  
نفس-نفس سيخيليرام،  
بو آلب وئرديم ندير!

### قارا گونون سحرىم

سنين قلوبن بىر دونيادير،  
من ده، اونون شهريه م.  
ميصراع-ميصراع، سطر-سطر،  
اؤز اؤمرومون اثريه م.

هاردا ايدين، سن سيز تكديم،  
اوريمه دردلر اكديم.  
بو هسرت هاسار چكديم،  
آير يليغين چپريه م.

تانرىيا توت آغ اوزونو،  
اونوتما اوزون-اؤزونو.  
قارا گۆزلوم آچ گۆزونو،  
قارا گونون سحرىم.

### منى اللهدى گۆزله ين

بو دونيادان، او دونيايا،  
بىر اؤمرون يولون گئديرم.

سنی سئومەمک چتین دی،  
سن گۆزل سن، سئوگی کیمی.

### اؤلوم بوردا اوجوزدو

باخ، بو یول قارانلیغا،  
بو یول، صاباحا گئدیر.  
یول وار کی، حاق ائوینه،  
یول وار، گوناها گئدیر.

سؤن، بیزیم اولدوزدو،  
هامی عؤمرون اودوزدو.  
اؤلوم بوردا اوجوزدو،  
تورپاق دا، باها گئدیر.

بیزه کیم چیخار بیه،  
الترینی توت، گۆبه.  
بو یول اوزو قیبله یه،  
اوزو الله گئدیر.

### گۆزون گۆی قلین بولود

اوستونه بیر چتیر توت،  
اورینه نم یاغیر.

گۆزلرین سوسوب اما،  
باخیشین دان قم یاغیر.

کاش، دیل تاپیب دانیشا،  
گۆی ده، یئرله باریشا.  
تورپاق حسرت یاغیشا،  
یاغیش دا، هردن یاغیر.

### ایچیمدن هر شئی اوغور لاییلار

دوغولور باکی دا، اؤلور باکی دا،  
یئتیمین آیریجا شهری یوخ دور.  
ایچیمدن هر شئی اوغور لاییلار،  
ئئینیم، قلبیمین چیری یوخ دور.

بو ائودهن الله یین اؤز خبری وار،  
یئرین ده، گۆی بوی دا بیر کدری وار.  
بوتون گئجه لرین بیر سحری وار،  
بوردا گئجه لرین سحری یوخ دور.

داها اؤزوموزه بیز یاد اولموشوق،  
دونیا سو باسار، ائله دولموشوق.  
بیر ائوین ایچین ده آزیب قالمیشیق،  
هئچ کیمین، هئچ کیمدن خبری یوخ دور.

### سنی سئومەمک چتین دی

گۆزلرین ده گۆستر، منی،  
دور قارشیم دا گوزگو کیمی.  
هر دفعه کسیر یولومو،  
باخیشلارین هؤرگو کیمی.

اوریم قالدیغین یئردی،  
کیم سنه بئله یئر وئردی.  
منه سئوگی آدلی دردی،  
تانری وئریب، وئرگی کیمی.

هره بیر کس دن یئتیم دی،  
کیمیم وار کی، سن سیز ایندی.

قلم مرککبین تۆکوب کیری دی،  
کاغیذلار دردیمی بوکه بیلمه دی.

سنی ائله یئرده اکدییم، سولمادین،  
باغبانلار بئله گول اکه بیلمه دی.  
سنی اورییمه ائله توخودوم،  
هئج کیم بو ایلمه نی سؤکه بیلمه دی.

### سنه قار توپو گتیردیم

باکییا قار یاغ دی، آنا،  
ائوه ده، گله بیلمدیم.  
من بیر تیکه چورک آلیب،  
سیزینله بؤله بیلمدیم.  
یورولدوم، حیات یولداشیم،  
گۆز یومدوم، یاتا بیلمدیم.  
گۆزو یاش لی یات دی قیزیم،  
ائوه تئز چاتا بیلمدیم.  
جیبیم بوش دو، قلبیم دولو،  
سۆزوم ده قالا بیلمدیم.  
سنه قار توپو گتیردیم،  
اوغلوم، توپ آلا بیلمدیم.

### آنا اوغلون شهید اولوب

آنا اوغلون شهید اولوب،  
آرزوسونا چاتیب، گلیب.  
باشین سالامات گتیریپ،  
اورینی آتیب گلیب.

اوزون دن نمی قوروت،  
بو آغلاماغی اونوت.

گۆزون گۆی، قلبین بولود،  
یاغان دا، بیردن یاغیر.

### آیریلیغا تلسمه

من سنی نئجه سئوسه م،  
سن ده، ائله بئله سئو.  
ایچیم-چولوم عینی دیر،  
نئجه وارام، ائله سئو.  
واخت گئدیر، قاتار-قاتار،  
گل، بو حسرتی آپار.  
منی سئومه یه نه وار،  
بیر آزجا توت دیله، سئو.  
من دن اینجیبیب، کوسمه،  
بو یول بیزیم دیر، کسمه.  
آیریلیغا تلسمه،  
اؤل نه جهن هله، سئو.

### قلم مرککبین تۆکوب کیریدی

سن منیم قلبیمه چکدیین داغی،  
رساملار کاغیذا چکه بیلمه دی.  
سنه اورییمه ده تیکدییم ائوی،  
وارلیلار شهرده تیکه بیلمه دی.

بو فصیل عؤمروم ده قوراقلیق اولدو،  
گۆزوم گۆز یاشینی تۆکه بیلمه دی.





زaman قانلارين قانين يالادی  
 باجينين قارداشين عومرون تالادی  
 يوردوندا يوواندا بايقوش اولادی  
 داغلاديق قانادين يولمادين ده ده

چيلپاق قالديق چيلپاق گوزوندن ايراق  
 قانمازلار گوزونده اولدوق اويونجاق  
 تهمت ووردو بيزه اولانلار داياق  
 نلر چکديک نلر بولمادين ده ده

حسرتينده آخدی گوزومون ياشی  
 تاپمادیم سنه تاي قانان سير داشی  
 دانیشمادی منله قيرينين داشی  
 آغلاديم بير آله چالمادين ده ده

آرخانجا قارداشيم کوچونو چاتدی  
 سانکی سئوگيلينين قوينوندا ياتدی  
 آنا باجی قارداش داشيني آتدی  
 (کثيوان) کیمی درده دولمادين ده ده

### اوشاقلاريميز

آنالار باجيلار آج آصلان سايق  
 قيريبدير قفسين گوتورمز بوياق

گۆزلری یوخو بيلمه ییب،  
 باش ایمه ییب، ایلمه ییب.  
 او یاشاییر، او اولمه ییب،  
 تابوتون دا یاتیب، گلیب.

اووجون دا توتوب تورپاغین،  
 بو شهیدین اوپ، آیاغین.  
 آياقلاری قاراباغین  
 پالچيغينا باتيب گليب.

\*\*\*\*\*

**پ. ب (کیوان) حسین اوغلو (۱۸ شعر)**  
**P.B (KEYVAN) HÜSEYİN OĞLU**

### دده

ترک ائتدين دونيانی جوان یاشیندا  
 بالالار قایدینا قالمادين ده ده  
 قاپازلار آلتیندا بوی آتدیق بیله  
 حاییف یاردیمجیمیز اولمادين ده ده

ندنسه حیاتین دئیشدین قفیل  
 ائل اوبا احوالین اوخشادی دیل دیل  
 سن سیزلیک آنامین ائيله دی ذلین  
 دردیندن خیالا دالمادين ده ده

یامان گونله قويدو پئنجه پئنجه یه  
 آتاسیز تابلشدیق مین ایشکئنجه یه  
 گونشلی گونوموز دوندو گئنجه یه  
 اوولادین یادینا سالمادين ده ده

یئتیم آدین قویوب چالدیلار تعبیل  
 عذاب چکدیک عذاب یانمادی نصیل  
 جهازیمیز اولدو قم کدر نیسگیل  
 کونلوموزو بیر آن آلمادين ده ده

پاکدشت هارای چکیر سمنان داریخیر

آل گونش یاییبیر سسین سوراغین  
یاراماز کوکسونه چکیب دیر داغین  
(تاپیلماز) سئیر ائدیر (لاچین) تورپاغین  
دماوند قیی وورور دامغان داریخیر

سولدوزو دوغراییر دوشمانلار بند بند  
خویون فریادینا چاتانمیر مرند  
قوشا چای سیزلاییر آغلااییر سهند  
درد توغیان ائیله ییب هر یان داریخیر

گویلری بورویوب همدان آهی  
شبیستر داش ماکو کوردستان آهی  
شیمشکلر لاخلادیر میل موغان آهی  
اردبیل آستارا جئیحون داریخیر

شیطان دونون گییئن مئیدان اوخویور  
گورپه لر کوکسونده گولله قوخویور  
آنالار شیونله خالچا توخویور  
آزادلیغا خالقیم عیان داریخیر

دوغودان باتییا اوز کورلوک سسی  
قانانلار قانیه قیریر قفسی  
اویانلاردان گلیر مظلومون نفسی  
یئرسیز سئله دونن آل قان داریخیر

پیچیلدایین دردین آذربایجانین  
جانیمیز اورمونون حالینا یانین  
تورکون دونیاسینین سورانلار قانین  
یورددران سورگون دوشن (کئیوان) داریخیر

اوز کورلوک عشقینده اوخویور آنجاق  
آزاد اولمالیدی دوستاقلاریمیز  
حاققین آلمالیدی اوشاقلاریمیز

ظولمون قارشی سیندا دایانیب میللت  
حاققی اوسته قانا بویانیب میللت  
یالان وعدلری دای آنیب میللت  
تورپاقدا دیل آچیر یاساقلاریمیز  
حاققین آلمالیدی اوشاقلاریمیز

توخماق یارانیبیلار داش بئیینلره  
توخوم سیئپک اوچون قوش بئیینلره  
قورقوشوم تئپگه جک بوش بئیینلره  
جانیندان گئچیبیر قوچاقلاریمیز  
حاققین آلمالیدی اوشاقلاریمیز

چرقتله قورونان دین درده دئیمز  
خالق اوچون بسلنن کین درده دئیمز  
حوققالی خوروزلو نین درده دئیمز  
لالدی (کئیوان) گئدیر تورپاقلاریمیز  
حاققین آلمالیدی اوشاقلاریمیز

## داریخیر

حسرتلر گوروشوب خان باغچاسیندا  
الری چاتمایان اینسان داریخیر  
ویسال نغمه سینی اولدوزلار یازیر  
تبریز سئوینج ائدیپ تهران داریخیر

هشدرود مراغا قوروبدور دیوان  
یولوب ساچلارینی مله بیر هیجران  
آلقیش دئیبیر آلقش مییانا زنجان

## گنچن زامان

آزادلیغا خاتیر قویاندا گورا  
بیلسمده هر زامان آغ اولار اوزوم

تورپاغیم قانیملا آچا منظره  
چاتا آرزولارا بوتون آغ قره  
اولو بابک سایاق جان وئره وئر  
گولسمده هر زامان آغ اولار اوزوم

ناموسدو شرفدی غیرتدی وطن  
شوهرتدی شوکتدی عیصمتدی وطن  
"کئیوان" دونیاسیدی حکمتدی وطن  
بیلسمده هر زامان زامان آغ اولار اوزوم

### کئیوان "داریخیر"

حسرتلر گوروشوب خان باغچاسیندا  
الری چاتمایان اینسان داریخیر  
ویصال نغمه سینی اولدوزلار یازیر  
"تبریز" شنلیک ائدیر "تهران" داریخیر  
"هشدورود" "مراغا" قوروبدور دیوان  
یولوب ساچلارینی مله بیر هیجران  
آلقیش دئییر آلقش "میانا" "زنجان"  
"پاکدشت" هارای چکیر "سیمنان" داریخیر

آل گونش یایبیدیر سسین سوراغین  
یاراماز کوسونه چکیب دیر داغین  
"تاپیلماز" سئیر ائدیر "لاچین" تورپاغین  
"دماوند" قیی وورور "دامغان" داریخیر

"سولدوزو" دوغراییر دوشمانلار بند بند  
خویون فریادینا چاتانمیر "مرنده"

اولمه سمده اولدورجک  
قانیمیزی ایچئن زامان  
آیاقلایب قاریشقا تک  
اوستوموزدن گنچن زامان

نسیمی تک سویدوراجاق  
دوستاقلاردا اویدوراجاق  
اوستومه آد قویدوراجاق  
یئرسیز کئفن بیچئن زامان

ائتسین باسین قان قارداشی  
بیر جه دفه دئمز واشی  
اردن قاباق یوز اویناشی  
تاپیب قوشو اوچئن زامان

داش قاشی وار باسیب بوغاز  
اوخویاجاق مین بیر آواز  
اول "کئیوانی" بیخاجاق راض  
یوردون آسان سچن زامان

### آغ اولار اوزوم

خالقیمین یولوندان اولسم اینجیم  
السمده هر زامان آغ اولار اوزوم  
دردی وار مینلر قات داغلاردان آغیر  
بولسمده هر زامان آغ اولار اوزوم

منصور تک عشقیله چکیلیم دارا  
نسیمی تک گوللم وورالار یارا

دوغمالار سئچنمیر یاد ایچینده دی  
قانانلار جان وئریر قوربان داریخیر

هونگورور "بیلسوار" "بارس آباد" یانیر  
یاتانلار یئرینه گئرمی اوتانیر  
"ارشه" ماحالیمیز قانا بویانیر  
"خییو" یومروق اولوب زامان داریخیر

"بابک" له "ساوالان" وئریب ال اله  
"اهر" "گلیبردن" قالخیب ولوله  
"اوچ قارداش" "هشته سر" دایاقدیر ائله  
داغ داشی تیتردن اوصیان داریخیر

"سرابدا" محشردی قیامت قوپوب  
سانماکی سرین خیالا هوپوب  
"ورزیقان" هارایین اوزونو تاپیب  
"مهروانلا" خوجا الان داریخیر

"آصلان دوز" آرخایام قارداشیم دئییر  
"خدآفرین" یاتما سیرداشیم دئییر  
"قارداغ" بایوندور یولداشیم دئییر  
ال اله حورولوب اینسان داریخیر

صاحیلدن صاحیله بویلانیر بایراق  
حوریئت آختاریر بو حسرت تورپاق  
اولکه شهید وئریر بیرلیک اولاجاق  
داریخما دئییرم دووران داریخیر

بیچیلدایین دردین "آذربایجانین"  
جانیمیز "اورمونون" حالینا یانین

"قوشا چای" سیزلاییر آغلاویر "سهند"  
درد توغیان ائله ییب هر یان داریخیر

گویلری بورویوب همدان آهی  
"شبیستر" داش ماکی "اردستان" آهی  
شیمشکلر لاخلادیر "خوزستان" آهی  
اردبیل آستارا موغان داریخیر

شیطان دونون گییئن مئیدان اوخویور  
گورپه لر کوكسونده گولله قوخویور  
آنالار شیونله خالچا توخویور  
آزادلیغا خالقیم عیان داریخیر

دوغودان باتییا اوز کورلوک سسی  
قانانلار قانیله قیریر قفسی  
اوکیانلاردان گلیر مظلوم نفسی  
یئرسیز سئله دونن آل قان داریخیر

قالاق قالاق اولوب "سلماسین" قمی  
اینیلده بیر "جولفا" تاپانمیر دمی  
"بانه" نین "سقیزین" گوزونده نمی  
گوردوکجه "کرمانشاه" یامان داریخیر

"بلوچستان" اولوم پالتارین گئییر  
"خوراسان" دردیندن اوزونو یئییر  
"مازندران" سجده قیلیب باش اییر  
قیزلار گولله لنیب اوغلان داریخیر

"شمال" تپه دیرناق اود ایچینده دی  
فریاد ایچینده دی یاد ایچینده دی

داش پارچالیر فریادیمیز گومانیمیز گلن یوخ  
 آرخامیزی بوش گورورم دردیمیزی بیلن یوخ  
 بوکوموشوک دردی قمه اوز اوز باشینا اولن یوخ  
 آرامیشام میللتیمیز سون نفسده گولن یوخ  
 سئوگی اولوب قان آغلايير دنیز دنیز یورد داشیم وار

قانیمیزا یئرکله ییر یوردوموزا سوکنلر هی  
 شنلیک ائدیر یئرسیز یئر قانیمیزی توکنلر هی  
 اولدورمکله کونلوموزه داغ اوستن داغ چکنلر هی  
 قانانلارین دوداغین قییخ ایله تیکنلر هی  
 چرخی زامان دونجکدیر باشین اولار گوی داشیم وار

دوبوشلرده سینه گریب دوز چیخمشیق سیناقلاردان  
 صغر خان تک قورخما میشیق ایلر بویو دوستاقلاردان  
 باج آلمیشیق یورد یوواسین ساتانلاردان آلچاقلاردا  
 باش قالدیریب "کنیوان" سایان اود دیبیری تورپاقلاردان  
 تاریخلردن سوراقلارسان پوزولمایان یادداشیم وار

### قهرمان ساری

گوپلر قارا گئییب اوخشاما دئییر  
 دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری  
 دوپانلار صاباحین دردینی یئییر  
 دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری

سس وئرسین سسینه خالقین دوپانلار  
 بیر قدم گوتورسون یئرسیز اوپانلار  
 میللت دئییب گلین یولون جاپانلار  
 دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری

آزادلیق عشقیله پوزاق کدری  
 پالتاریمیز خلت آلاق شهری  
 سون قویاق حیاتا ایچک زهری  
 دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری

تورکون دونیاسینین سورانلار قانین  
 یوردردان سورگون دوشن "کنیوان" داریخیر

### حقیقته یالاندی

دستمازلا ظوم ائدیرنلر عبادتده یالاندی  
 حقیقته بورک قویورسان حقیقته یالاندی  
 بالالارین نازی نعمت ایچینده دی هر زامان  
 میللتینده آج مله ییر ولایتده یالاندی

هی دئییرسن یئر اوزونده کاتیبیئیم الله هین  
 یارانیشی قیردیریرسن کیم یویاجاق گوناھین  
 حاققی اوسته اولنلرین قانین ایچیر طاماهین  
 الله یولو بئله اولسا قیامتده یالاندی

کیم دئییبدی اینسانلارین جانین آلین دهشتله  
 حئیوان سایاق بوینوزولا یئر چالین دهشتله  
 آغلایانین باشی اوسته جلااد اولون دهشتله  
 جنت اهلی بئله ائتسه اول جننتده یالاندی

ظولموکارا باش ائیمه ییب آغلامیشام حاق ساری  
 ائشیتیمیشم قوران دئییب مظلوملارین اول یاری  
 حاغسیرلیقلا تاپدانمیشام یوخدور "کنیوان" دیبیری  
 سنده بئله باشلایب سن سخاوتده یالاندی

### قارداشیم وار

کوچه لرده گئجه گوندوز هارای چکیر قارداشیم وار  
 ساچلاریندان آسیلاراق گورپه باجیم هاماشیم وار  
 کوچون چاتمیش دورنالارین تابوتوندا سیرداشیم وار  
 اؤزون یئییب توکن جانیم قورومايان گوزیاشیم وار  
 ال قولتوقدا قارا گییئن قیز گلینیم آز یاشیم وار



دیله ننی منگه نده پارچالا بیر نیفرتی  
دوستاقلاردا بوینون بورور اولان یاریم جانا باخ

بو سیتیمی یازماییبدی کربلا نین یادداشی  
قویمایالار قبری اوسته گله باجی قارداشی  
بیزیم اوچون کیم یارادیب اوزو دونموشم اوباشی  
دئییر دینین سوتونودور بیر جه متیر جونا باخ

سوسوزندان چات چات اولدو دوداقلاری جوانین  
جوان یاشدا وطن دییه قوربان وئردی اوز جانین  
کربلانی جانلاندریب کوچه لری زامانین  
ظولمه قارشی دیزه چوکمه "کئیوان" بئله آنا باخ

### دونیانی "صنم"

اولو دییاری مین سئویملی قیزی  
بوی آتدیقجا ایزله زامانی "صنم"  
قورو اینسانلیغی باش تاجین اولسون  
یوخلا عومور یویو یانانی "صنم"

"زینب پاشا" کیمی پاپاغین اولسون  
ایکیت "حجر" سایاق یاراغین اولسون  
دوغما آذربایجان مایاغین اولسون  
شان شوهرتیه بورو دونیانی "صنم"

اوخو آل حیاتدان زیروه لرده قال  
حوسنونه باخدیقجا کام آلسین "کامتال"  
گونش دوغولو اول بولوددان باج آل  
ایشیقلا ندیر سوزسوز هر یانی "صنم"

سونمه وارلیغیندا "آلیشان" تانین  
حرارتله کول ائت ظولموکار جانین  
"تئللی زه ری" اولسون یولون نیشانین  
سئوبندیر کوچسه ده "کئیوان" ی "صنم"

سیلاحین قوی یئره آی وطن اوغلو  
اوزونو بیر میللت سای وطن اوغلو  
"کئیوان" ینی اولموش سای وطن اوغلو  
دار آغاجین اوپئن قهرمان ساری

### دانا باخ

کربوبلا اولدو بو گون یوردوموزدا قانا باخ  
جاوانلاریم دار دیبینده شوهرته باخ شانا باخ  
ساجلارینی یولوب آنا شیریق چکیر اوزونه  
قورخوسوندان دیلی باتیب چوبالاییر سونا باخ

شومرو زامان آت اوینادیر قوللوغوندا لشکری  
حقیقته پرده چکیب وئیر ظولمه دئییه ری  
قددارلیقدان لذت آلیر اولدورمئکله هر اری  
شهرلرده داش آپاریر کیمدی قانی قانا باخ

فاطمه آنا گورسه بیزی یاددان چیخار کربلا  
اؤزون توتار اولو تانری ظولمون کونکون پارچالا  
تصبحه الدهه قوران دیلده سالیب خالقی زاوالا  
منیم کیمی نالا ائدیر موقددس دیر آنا باخ

دین آدیله مکیر مکیر یئری گویو لاخلادیب  
اولنلرین قانین ایچیر قالانلاری داغلادیب  
اؤوبنده ده سئوینج ائدن اینسانلاری آغلادیب  
شیطان اوغلو ملک کیمی گئییندی دونا باخ

سو وئرمه ییب گوز اونونده باغلادیلار دیر یه  
حسین باشین بونلار کسب داش باغلابب اوریه  
سیاستله اینوستودا زهر قاتان چوریه  
معاویئنین اوولادی دیدی ظولمو گلیمیر سانا باخ

خالوار خالوار باغیشلاییر سایا سالمیر میللتی  
باشقا باشقا اولکه لرده ساری تیکیر خلوتی

## گول سيزيلدايير

اوزگه اوجاغيني قالاماق اوچون  
تله سمه تله سسن گوزدن دوشرسن  
لذتين دويانلار چالار باشيندان  
ايتيريپ اوزونو اوددا بيشرسن

ائليله آغلایان ائليله گولن  
ائلين قوجاغيندا شان شوهرت تاپار  
اونوتماز "كئيوان" ی اوولادیم ساياق  
دار گونده وطنی اليندن توتار

## قالانماقدادير



کارتون دکتر رحيم آق بايراق

اورمو قان قوخويور بولودلار باخمير  
آهيميز گويلري يانديرمير ياخمير  
اوتانديقدان داها شيمشکده شاخمير  
درديميز اوست اوسته قالانماقدادير

قوشلارين نيفرتی گليبدير بيزدن  
گوز ياشی اخيدير دونور دنيزدن  
هارای گوزلور هارای دوغما تبريزدن  
درديميز اوست اوسته قالانماقدادير

شاعير نه ايتيريپ نه آختاريرسان  
تويو ياسا دونوب ائل سيزيلدايير  
آنالار اوزونده ساغالماز شيريق  
هارای چکير هارای گول سيزيلدايير

آنالار اونونده دونيا باش ايير  
سس وئرير سسينه گوز ياشلاريله  
هر قايی باشيندا بير قارا بايراق  
سن بئش داش اوينورسان بايقوشلاريله

کيمه وفا قيليب دونيانين مالی  
سن دالی قالميسان ساتيرسان ائلی  
آچاقلار اونونده ديزه چوکورسن  
ميللتين باشينا سئپيرسن گولو

اوگه ايپی اوسته گل بيغما اودون  
ايپين چکر ياری يولدا قالارسان  
يانديرسان توستوسو گور ائيله ر ائلی  
گور پشمان اليني باشا چالارسان

آرخادا اولماسان ائله اوبايا  
چالیش کی اوزونو گوزلردن سالما  
يادلار تک دوز سئپيب ائل ياراسينا  
اوتانيب قاپيلار داليندا قالما

دونيا قان آغلایير بيز تک ميللته  
سنده بی گلین سيز تالار توتوموسان  
يئر گويو بيرخالير بالا وای سسی  
ده وه قولاغيندا ندن ياتميسان

### داشینی سالمی

کریمین ایشلری ازلدن دوزدو  
 اوریی داش کیمی اللری بوزدو  
 قار سایاق اریئن اوتانجاق اوزدو  
 باشیما هارائین داشینی سالمی

قارا گون عومرومو بیچیر اوراق یک  
 باشیما سنپیلیر کول اتک اتک  
 آرزولار محو اولور پوزولور ایستک  
 باشیما هارائین داشینی سالمی

کولوک چالیدی داغا فرهاددان بئر  
 جانا گالیدیم جانا گورمه دیم اسر  
 عشقیم دوستاق اولوب توتان یوخ خبر  
 باشیما هارائین داشینی سالمی

قایساقلانماق بیلیمیر کونلومده یارا  
 کونده مین بیر دفه چکدیریر دارا  
 ایسته میر "کئیوان" ی آسان آپارا  
 باشیما هارائین داشینی سالمی

### آنان شاعیر دوغمایبیدیسایا

سندیر قلمینی شاعیرم دئمه  
 اوتان آنان شاعیر دوغمایبیدیسایا  
 بو آدلا خالقینین چوریین یئمه  
 اوتان آنان شاعیر دوغمایبیدیسایا

نه لذت آلیرسان یلان پالاندان  
 میللتین باشینا پالاز چالاندان

آهیمیز گون به گون اوجالیر فلک  
 یالتاقلار قوچاقدان باج آلیر فلک  
 طبیعت اوزوده قوجالیر فلک  
 دردیمیز اوست اوسته قالانماقدادیر

زمان بئلمیزه قویوب بهری  
 قالما قالی بورویوب کندی شهری  
 "کئیوان" ی تیتردیر اورمو قهری  
 دردیمیز اوست اوسته قالانماقدادی

### باش آچمیرام

دئمه نیبه گئت گل یوتدور  
 آغلاماقدان باش آچمیرام  
 ایشیم یوخدور واختیم چو خدور  
 آغلاماقدان باش آچمیرام

زمان ائدیر بول سیتمی  
 هی یئیرم ددی قمی  
 مله بیرم قوزو کیمی  
 آغلاماقدان باش آچمیرام

آیاق اوسته اریبیرم  
 دانلاق آلتدا چورویورم  
 دیزی دیزی یئریرم  
 آغلاماقدان باش آچمیرام

متیر قویوب کوچه لره  
 دن گزیرم جوجه لره  
 "کئیوان" حسرت گئجه لره  
 آغلاماقدان باش آچمیرام

گلنی ووروبدور یاما جا دنیا  
بیلیب بوش فیرلانان "کئیوان" باشیدی

### شیطان یئریدی

پااغینین آلتدا ایلان قیوریلیب  
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی  
ظولموندن اوتانیب زامان قیوریلیب  
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی

یئر گوویو بورودو ظولمون سیتمین  
یاسلا قوجاقلادین میللتین دمی  
اولکه تالان اولدو قویدون قدمین  
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی

یوخویا قالایدی اکنده ده دن  
داسا چئوریله یدی بلکده گودن  
آغلادی حالیزا هر یولدان اوتئن  
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی

اوزونه باخماغا گوزه قیمیرام  
سنی دانلاماغا سوزه قیمیرام  
"کئیوان" ی بوکه سنی بئره قیمیرام  
گوم گوی داش اوریین شیطان یئریدی



سئوینج دویان ال قولتوقدان قالاندان  
اوتان آنان شاعیر دوغما ییبیدیس

آرخاندایان دئییب دویور سن باشا  
اورک یاندیرمیرسان باجی قارداشا  
چااغینلا ساتقینلا دایانان قوشا  
اوتان آنان شاعیر دوغما ییبیدیس

"کئیوان" ی جیبیله اولچوب بیچیرسن  
خالقین ایسته یئنین قانین ایچیرسن  
سانما سوزله سرحدلری گئچیرسن  
اوتان آنان شاعیر دوغما ییبیدیس

### اینسان باشیدی

اینسانلیق بیر تاجدیر اینسان باشیندا  
قیسمت اولان باشلار اینسان باشیدی  
باش وار عاغلی هوشو اوزگه باشیندا  
باشدا وار عدالت دیوان باشیدی

باش وارکی یارانمیش گونونده گئدیر  
باش وارکی پاسلانمیش دوپونده گئدیر  
باش وارکی دونیانین اونونده گئدیر  
باشدا وار لعنت لیک شیطان باشیدی

باش وارکی پااغی اوزوندن باها  
باش وارکی یارانیب آمانا آها  
باش وارکی یوخلاسان دئییه ر الله ها  
باش وارکی الله سیز سلطان باشیدی

هی دولوب بوشالیب بو قوجا دنیا  
یاردیم کوسترمه ییب محتاجا دنیا

نه سنين كيتابين يازماييب بونو،  
نه ده كي، اورين سن دن گئتمه ييب...

سن هاردان بيله سن ندير محبت  
يولونو ساعتلا گؤزله مك ندير،  
يورغون سيماسيني گؤروب، هوسله  
فيكريني داغيتماق، جمعله مك ندير...

سن هاردان بيله سن ندير محبت  
ياد بير اويون جاق تك قيرمي سان اونو  
اويناديب، يورولوب عيني اويوندان،  
ديوارين كونجونه قويموسان اونو.

سن هاردان بيله سن ندير محبت،  
تئليني اويناديب، قوخلاماغي وار.  
هله حسر تينه تاب گتيرمه ييب،  
آرادا اوشاقتك آغلاماغي وار.

سن هاردان بيله سن ندير محبت،  
هوسينه قوربان گزيرسن هله.  
خوشبخت ليك توي قوروب سنينچون، اما،  
تاخيره سالميسان سن اونو يئنه.

سن هاردان بيله سن ندير محبت،  
ايله نجه آختاريب يورولمادين مي؟!  
كيمين سه اورين آياغين آلت دا،  
قيراندا حيات دان اوتانمادين مي؟

سن هاردان بيله سن ندير محبت  
سئوينج گؤز ياشيني قمه قاتدين مي؟

## سونا اينتيازار (نورعلي اوا سونا سيار قيزي) SONA İNTİZAR



۱۹۹۰-جي ايل ماي  
آيينين ۱-ده باكي  
شهرين ده آنادان  
اولوب. ۱۹۹۶-جي  
ايله آذربايجان اولكه

نين ميللي قهرمانى فايق رفيع او آدينا ۱۶۶  
سايلى تام اورتا مكتبه داخيل اولوب، ۲۰۰۷-جي  
ايله همين مكتبي بيتيريب. ادبياتا، پونزييا  
اكرن ياشلاريندان مازاق گؤستريپ. دؤوري  
مطبوعات صحيفه لرين ده شعيرلى ايله چيخيش  
ائتمك ده دير.

۱۴ فورال ۲۰۱۲-جي ايل تاريخيندن اعتباراً،  
آذربايجانين مدنيت و ادبيات پورتالينين  
[edebiyat-az.com](http://edebiyat-az.com)  
باش رئاكتور معاوينى دير.

**سن هاردان بيله سن ندير محبت**

SƏN HARDAN BİLƏSƏN MƏHƏBBƏT NƏDİR

سن هاردان بيله سن ندير محبت،  
الرين اوزالى قالدими، سؤيله؟  
گئدين آديمين سونادك ساييب،  
قايديب گلهمه سين گؤزلردن بئله...

سن هاردان بيله سن ندير محبت  
دعالار ائتمىي اؤيرندين مي سن؟  
ناراحات، نيگارن، تك قالاندا يوخ...  
گؤزلرين دولوخان دا بيله جك سن...

سن هاردان بيله سن ندير محبت  
اؤوده حاضرين يوخ، پاى دا گلهمه ييب.



اٲل جه تاماشا ائيله مك قالير،  
بيچاره قالير سان خيالىنا تك.  
بیر ده گورورسن كى، گوزون قارالير،  
داها دؤيونميبير سينن ده اورك.

بئله جه محو ائدر فيكير اينسانى  
يوخولارين چكيلر باخ، عرشه ده  
اؤلندك آيريلماييق، بس هانى؟  
نه واختسا دا قووشاريق بلكه ده.

بلكه داها آرتيق بير سئوگيله بيز  
يئنى دن ياشاماق عشقينه دوشدوك.  
يا دا اولوب گئديب، او بيرى دونيايا،  
بلكه تانرى جننتينه گوروشدوك...

خيالىنا سؤيله، بير ده قارشىما  
قوى سن سيز گلمه سين، سن سيز چيخماسين.  
سوزومو هكك ائيله سن يادداشينا،  
هئچ زامان اونوتما، يادين دا قالسين.

گل اوزون قوجاقلا، گل اوزون ساريل،  
اللين دولانسين بئليمه منيم.  
آلنيم دان اوپ منيم، حالاليم دئنن،  
بوينونا دولان سين منيم اللريم.

### مندن قاچديغيني آنلاديم بو گون MƏNDƏN QAÇDIĞINI ANLADIM BU GÜN

مندن قاچديغيني آنلاديم بو گون  
من سنين يولوندا گول-چيچك ايديم

سن هئچ سئوديينى اوزمه مك اوچون،  
اؤزونو آتسه، اودا آندينمى؟

سن هاردان بيله سن ندير محبت  
كدرى قلوبين ده گيزله مك ندير  
كؤنلونو آلاسان، اما اؤزونون  
دردين سه هله ده اؤز قلوبين ده دير.

سن هاردان بيله سن ندير محبت  
كيمه سه اؤزونو خر جله مك كيمي،  
حيات دا، سئوگى ده بير فلسفه دير.  
سونا اينتظارام، يازديغيم شعير.  
ارماغان دير سنه، هميشكى كيمي...

### عكسين گوزلريمين اونون ده دوروب ƏKSİN GÖZLƏRİMİN ÖNÜNDƏ BURUB

عكسين گوزلريمين اونون ده دوروب  
يومورام آچيرام، يوخا چيخمايير  
ائله بيل فيكيريم هارداسا قاليب  
ائله هئى بوى لانير، منه باخمايير

اليمى اوزاتديم خيالىنا من  
ايستديم توتاسان اليم دن منيم...  
بو نئجه بير حيسس دير؟ سوالينا من  
نئجه جاواب وئريم، نئجه سؤيلىيم...

تصوور ائيله كى، الين اولدوزا  
باخان دا ياخين دى، اما، چه فايدا  
هئى جان آتير سان كى، اولدوزو توتا،  
اما، هئچ يئتميبير اونا هاراي دا.

## چیلله آخسامی

اکبر رضایی (سسسین) اردشیر اوغلو (مولان)



چیلله آخشاملاری نین ، چوخ گۆزل عادت لری وار  
اثلیمین تاریخی نین ، شانلی سعادت لری وار

میللتین قلبی دولور ، موتلولوغا شادلیغا چوخ  
بوگون اینسان اولانین ، چوخلو کرامت لری وار

وارلیلار یوخسولو یاد ائتمه لی دیر ، آز یادا چوخ  
بو ایشین ، جنته مینلرجه دلالت لری وار

گئجه سی بویلو ، اوزوندور ، ایچی عشقیله دولو  
بوتون اینسانلارا چوخ ، بوللو سخاوت لری وار

عادت ، عنعنه سی ، رسیم لری تاییسیز دیر  
بو حیاتین دادینا ، آرتی ظرافت لری وار

قاریزی هم یئمیشی ، اینجیری هم کیشمیشی بول  
مئیوه سینده جان آلان ، جانلی طراوت لری وار

هامی شاد اولمالی دیر ، آزلیغینان چوخلوغونان  
شاد ائدیپ شاد اولانا ، تانری رضایت لری وار

یاد ائدین هم باجینی ، قارداشی ، هم دوست تانیشی  
یادی دا یاد ائده نین ، چوخلو نجابت لری وار

مین دفعه کئچسن ده منیم یانیمدان  
دؤنوب باخماسایدین ، گورمیجکدین.

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون  
من سنه تامارزی ، من سنه حسرت ،  
سنین قلبین منه بیر اؤزگه قوربت  
منیمسه اوریم گولوستان ، جنت

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون  
گؤزومه باخماغا اوزون گلرمی؟  
آلدادیب ، اوینادیب ، قیردیغین اورک  
یئنی دن جانلانیب ، هئچ دؤیونرمی؟

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون  
سینه مه ووردوغون داغ نه ایدی بس ،  
سن منیم گؤزومه یوکسک دن یوکسک ،  
من سنین گؤزون ده نه اولموشام بس؟

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون  
یولوما چیخماغا جسار تین یوخ ،  
من آبیر ائيله ییب ، سوسوب دورموشام  
سنین سه ماشاللاه گیلئی نه چوخ.

من دن قاچدیغینی آنلادیم بوگون  
سونانی اودلارا آتیب ، گئتمی سن .  
من بو محبته بیر آیری سورگون ،  
سن سه ، امه ییمی آیاقلار آلت دا  
ازیب ، تاپدالاییب ، قیریپ گئتمی سن ...

اونودولماز مفتون امینی سایین قالا (شاهین دژ) شهرینده حیاتا گۆز آچمیشدی. آنجاق حیاتی و توپلومسال یوکسکلنمه سینی مبارزلر شهری تبریزده سورموشدو. سوزگون دویغولاری و قلمیله ادبیات ساحه سینده و دوشونجه لی یاشام طریزی ایله ده اینسان سئورلیک ، وطن سئورلیکده اؤزونه آد سان قازانمیشدیر.

اونون اثرلری نین اوخونماسیندان میلی وارلیق ، شرفلی و مبارزه لی اینسان حیاتی اولدوقجا آنلاشیلیر. آذربایجان خالق نین فولکلور ، موسیقی وارلیقلاری ، ادبی و هنری زنگین لیک لری بو دگرلی شاعیرین یارادیجی لیکلاری نین تام قوخوسودور.

اونودولماز اوستاد مفتون امینی ایلك اولراق فارس شعرى و ادبیاتیندا ، تانینمیش و آد قازانمیش اولسادا آنجاق آنادیلینه سئوگی و سایغی سینی اونوتمایب و اولدوقجا بورجونو یئرینه یئتیرمیشدیر. اونون آنادیلده یازیب یاراتدیغی اثرلری چوخ اوره یه یاتیم ، گۆزهل و عمومیتله چوخ قالارقی اثرلردیر.

مفتون امینی نین شعر موضوعلاری دویغو و دوشونجه باخیمیندان چوخ درین و معنالی دیرلار، اونون آنادیلیمیزده اثرلری نین داها آرتیق پایلانیب و تانینماسی بوتون خالقیمیزین اونون بیر عؤمورلوک چالیشمالارینا دایر بورجو ساییلیر. دگرلی اوستادین ادبی باخیمی و شعر دونیاسی ، چوخ گنیش ، اؤزل و درین دیر.

۱۳۳۰ نجو ایلرده یایملانان ایلك اثرلری کلاسیک اولراق تانینمیشدیر. سونرالار یئنی فورمالاردا یازیب یارتماغا چالیشدی و هامیسیندا اؤزو ایچین آد سان قازاندی.

**عشق اولسون گؤزل روحونا**

**یولو داواملی اولسون**

چوخ قدیمدن قالیب اینسانلارا بو ، یول یؤنتم قوجایا هم جاوانا ، چوخلو حیکایت لری وار

"سسسیز" اولماز بو ائللین خالق ، عزیز گونلرده هامی نین بیربیرینه ، بوللو رفاقت لری وار

آتالار یا آنالار ، گۆز یولا تیکمیش ، گوده جک تانری نین بؤیله مراسمه ، نظارت لری وار کیمسه یولداشلاری یاد ائيله مه سین ، تک جانینا هامی نین سئودیگینه ، سونسوز ایرادت لری وار

سئوین همده سئویلین ، سئوگینی بول بول یارادین سئویلن قلبلرین ، چوخلو ملاحظت لری وار

بو مراسیملر ، اوزون ایلر ، اولوبلار بیزه یار مینجه ییللار دا کئچه ، بوللو شرافت لری وار  
\*\*\*\*\*

هاممی تانرییا قووشاجاقدیر

**بو دنیا فانی دنیا دیر**

بازار : اکبررضایی (سسسیز) اردشیراوغلو (مولان)



اونودولماز یدالله مفتون امینی ( ۱۳۰۵-۱۴۰۱ ) ابدیته قوووشدو. پایلاشیلیمیش آجی خبرلر اساسیندا ۱۰/۹/۱۴۰۱ تاریخینده آذربایجانین اونودولماز شاعیری ( یدالله مفتون امینی ) تهران شهرینده حیاتا گۆز یوموش.



قار ياغميشدير شامدان گولونون اوستونه،  
 آنی لار توزا بولانميشدير،  
 کيتابلار سوبادا يانميش،  
 آه!... سازلار دوواردان قالميش،  
 گۆزليم ماهنيلار ياغمالانميشدير.  
 حبسدن چيخاجاق بير آزدان آدام.  
 کؤهنلميش چامادانی، قابا سسی يله،  
 اؤزونو يوللارا ووراجاق آدام.  
 اوز چئویرن دوستلار، فيريلداق داورانیشلار،  
 آچيغا چيخاجاق.  
 و آه! اؤزويله، بير اينجه حسابی گؤره جک آدام.  
 سوساميشدير تبسومون سئيرينه،  
 ساچلاری هئج بير گون اوخشانميشدير.  
 آه!... سازلار دوواردان قالميش،  
 آه!... کيتابلار سوبادا يانميش،  
 گۆزليم ماهنيلار ياغمالانميشدير،  
 آنيلار توزا بولانميشدير،  
 قار ياغميشدير شامدان گولونون اوستونه.  
 بير دئوريم قدر يالنيز،  
 آه!... وفانيز قدر يانليش،  
 مومکونسه فرض ائدين ياشاماميشدير!...

## يدالله مفتون امینی

غمین قوربانی تبریز، یئلی تبریز،  
 آلولو ایلدیریمی سئلی تبریز،  
 نه قانلار قایناییب سندن، اولوب داش،  
 بئله یکیم ائینالیندان بللی تبریز.

بوتون دونیالارین دردین قانار داغ،  
 سؤال ائتسن سکوت ایله دانار داغ،  
 سهندین اوستو قاردیر، آلتی قاندیر،  
 بو جوشقون دردین بیر گون یانار داغ.

قاناد آچسام بوگون دنیا منیمدیر،  
 بولقدان توتدو تا دریا منیمدیر،  
 آییق گز ایستی ال واز گنجه واردان،  
 کی سون گون تکجه بیر رویا منیمدیر.

ایچه ک بو جامی اوزلر آغلیغی ایله  
 قیزارداق رنگی عشقین ساغلیغی له  
 سویوق دونیانی باسمیش دیر ولاکن  
 نه غم واردیر؟ اوره کلر داغلیغی له!  
 (عاشیقی کروان) منظومه سیندن سچلمیش بیت لر

\*\*\*\*\*

## حبسدن چيخان آدام

### یوسف خیال اوغلو

چیخاجاق بیر آزدان آدام.  
 ایلیرین چؤکونتوسو چؤکوموش اوزویله،  
 آئینی گونشه سره جک آدام.  
 یوخوسوز یاتاقلار، سوسقون گزینمه لر،  
 گئریده قالاچاق.  
 و آه! حوزونله، بیر کول کیمی سوورولوب  
 گوله جک آدام.



# *Khudafarin*



**Türkcə - Farsca**

Aralık 2022 - İL 21 - SAY 211 (ELMİ-ƏDƏBİ-KÜLTÜRƏL DƏRGİ)

[http://www. Khudafarin.ir](http://www.Khudafarin.ir)

<https://t.me/xudafarindargisi>

